



خون رهبران شیعه و سنی با هم آمیخته شده است

صداق

روز خبرنگار
پاسداشت سنگر نشینان
عرصه رسانه گرامی باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و سوم | شماره ۱۱۵۱ | دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ | ۳۰ محرم ۱۴۴۶ | ۵ آگوست ۲۰۲۴ | ۱۶ صفحه

فرزان شهیدی
کابوس جبهه شمال!



۴ پرونده

حنیف غفاری
سکوت بی شرمانه



۲ نگاه

دکتریدالله جوانی
صهیونیست هادر کدام مسیر؟



۲ سرمقاله

۲ نگاه

آژیر قرمز روزگار سیاه

وحشت صهیونیست هادر سرزمین های اشغالی از آتش خشم ایران

אזהרה אדום הזמנים אפלים

פחד הציונים בשטחים הכבושים מהאש מכעסה של איראן

۵ پرونده

۳ دیدگاه

آتش بسی
پایان نتانیا هو است

ترور تلدویورا
نجات نمی دهد

پس از اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در ترور و به شهادت رساندن «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در محل اقامتش در تهران، اطلاعیه‌های اولیه از سوی سپاه پاسداران صادر و اعلام شد که علت و ابعاد حادثه در دست بررسی است و متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.

به طور طبیعی عملیات تروریستی در تهران و در این شرایط و موقعیت خاص ابعاد و زوایای پیچیده و حساسی دارد که نیازمند تحقیقات و بررسی‌های دقیق و فنی است و نمی‌توان بدون بررسی‌های لازم درباره آن سخن گفت و اطلاع‌رسانی کرد. به همین دلیل در فاصله زمانی بین اطلاعیه اول و دوم تا اطلاعیه سوم سپاه از روز ۱۰ مرداد تا روز ۱۳ مرداد - که مدت زمان زیادی برای اعلام نتایج و گزارش به حساب نمی‌آید - اخبار و تحلیل‌های گوناگون درباره این حادثه منتشر شد. تأملی در فضای افکار عمومی متأثر از رسانه در جامعه نشان می‌دهد، پدیده «رسانه‌زدگی» تا جایی پیش رفته است که صبر و حوصله برای دریافت داده‌ها و اطلاعات در یک سیر منطقی و استاندارد هم دچار خدشه شده و مردم دوست دارند جلوتر از روند پدیده‌ها و حوادث حرکت کنند! این موضوع هم در تحلیل حادثه خود را نشان داد و هم در مدیریت سطح انتظارات جامعه برای «انتقام سخت» و اقدام متقابل در برابر ترور مجاهد بزرگ جبهه مقاومت در حریم جمهوری اسلامی. آنجا که از فردای تشییع و بدرقه باشکوه شهید هنیه در تهران، هر شب موج وسیعی از فضاسازی‌های رسانه‌ای برای انتقام جبهه مقاومت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و متعاقب آن ذهن و فکر مخاطبان را درمی‌نورداد در حالی که اصول نظامی و عملیاتی حکم می‌کند در انتخاب شیوه و شکل انتقام لزوماً به خاطر اصل غافلگیری نباید همیشه از یک شیوه با همه مختصات آن استفاده کرد. واقعیت این است که «روایت اول» در این حادثه تروریستی را رسانه‌های رسمی و نهادهای امنیتی و نظامی ارائه دادند، اما رفته رفته مطابق معمول دوگانه‌های رایج در «رسانه‌های حقیقی» و «فضای مجازی» شکل گرفت و زمینه انتشار شایعات و خبرهای فیک از سوی رسانه‌های معاند و بیگانه بر این «جدال غیر احسن» دامن زد.

در این میان، رسانه‌های دشمن هم بیکار ننشستند و از احساس خلاتی که در ذهن و فکر مخاطبان پدید آمده بود، برای «وارونه‌نمایی» استفاده کردند. هدف از این اقدام در وهله اول به جای تبیین و محکوم کردن اقدام ردیالانه رژیم جنایتکار صهیونیستی، زیر سؤال بردن امنیت کشورمان بود که سال‌ها جزیره ثبات در منطقه لقب گرفته و طراحی‌های دشمنان برای ناام کردن ایران با شکست مواجه شده است و در وهله دوم دامن زدن به تردید و تفرقه در جبهه مقاومت و تضعیف روحیه مبارزه و ایستادگی و برهم زدن وحدت و انسجام بین کشورهای محور مقاومت بود که نشان از عدم شناخت فرهنگ اسلامی و استحکام و قوت برادری بین کشورهای محور مقاومت و جهان اسلام است. هوشیاری رسانه‌ای و تنظیم سطح انتظارات با اقدامات و مواجهه صحیح با تحولات میدانی، بستر عبور عقلانی و به دور از هیجانات با چنین پدیده‌هایی را فراهم می‌کند که در پرتو آن انتقام سخت از دشمن زیون هم در زمان مناسب و با تمهیدات خاص خود با موفقیت گرفته می‌شود.



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

مجاهد برجسته جبهه مقاومت «اسماعیل هنیه» در تهران، طی یک اقدام تروریستی از سوی صهیونیست‌ها به شهادت رسید. این اقدام تروریستی ابعاد و زوایای گوناگونی داشته و درباره هر یک از ابعاد و زوایای آن، گفتنی‌های فراوانی وجود دارد؛ اما در این نوشتار کوتاه، پرسش اصلی آن است که صهیونیست‌ها با این نوع اقدامات تروریستی، در کدامین مسیر جلو می‌روند؟ آیا صهیونیست‌ها طی ده ماه گذشته، با مجموعه‌ای از اقدامات در واکنش به عملیات طوفان‌الاقصی، در مسیر قدرت‌یابی و حل مشکلات خود در حوزه‌های گوناگون در راستای غلبه بر مقاومت و نابودی حماس پیش رفته‌اند یا هر روز بر مشکلات خود در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی افزوده‌اند؟ واقعیت‌های میدانی با گذشت بیش از سیصد روز از عملیات طوفان‌الاقصی، نشان می‌دهد شرایط در ده ماه گذشته بسا توجه به مجموعه اتفاق‌های رخ داده، آن چنان تغییر کرده و روندها و وضعیت‌های جدیدی را پدید آورده است که هیچ قدرت و نیرویی قادر به ایجاد تغییر در این شرایط و روندها نیست.

بسیاری از اقدامات رژیم صهیونیستی در این مدت از قبیل جنایت‌های وحشیانه با بمباران‌های مستمر و پر حجم غزه و ترور فرماندهان برجسته جبهه مقاومت، با هدف ایجاد تغییر در شرایط و روندها بوده، اما ناخواسته و بر اساس سنت‌های

الهی، این روندها را تثبیت و بر سرعت و بعضاً شتاب آن افزوده‌اند.

با نگاهی عالمانه و واقع‌بینانه به صحنه و تمامی متغیرهای آن، می‌توان گفت، در رویارویی میان جبهه مقاومت و جبهه صهیونیستی و حامیانش، دو روند شکل گرفته است که این روندها در مسیر بی‌بازگشت و تغییر‌ناپذیر ادامه دارند. روند اول، روند قدرت‌یابی پر شتاب جبهه مقاومت از جهات گوناگون است. قدرت و توانایی‌های جبهه مقاومت در حال حاضر، با قدرت این جبهه در مقطع قبل از عملیات طوفان‌الاقصی، از نظر کمی و کیفی بسیار متفاوت و بیشتر شده است. انسجام، وحدت، همدلی و هم‌افزایی در درون محور مقاومت، تمامی زمینه‌های لازم برای عملیات مرکب علیه رژیم صهیونیستی را در صورت لزوم، فراهم کرده است. اکنون مقاومت در سرزمین اشغال شده فلسطین، فراتر از یک جریان و گروه، مردم پایه شده و به مثابه یک فرهنگ پویا، پیشرو و اثربخش عمل می‌کند. دو مؤلفه اصلی «ایمان» و «امید» در فرهنگ مقاومت فلسطینی، عملیات طوفان‌الاقصی را به عنوان یک ضرورت برای رهایی قدس شریف و آزادی سرزمین فلسطین از بحر تانهر از جنگال اشغالگران صهیونیستی رقم زد. شهیدالقدس اسماعیل هنیه حافظ کل قرآن بود و از هزار و دویست نفر رزمنده حماس که با عبور از موانع به عمق سی تا چهل کیلومتری سرزمین اشغالی در عملیات طوفان‌الاقصی نفوذ کردند، هفتصد نفرشان حافظ کل قرآن بودند و این مهم، عمق ایمان و امید رزمندگان مردم پایه در جبهه مقاومت فلسطینی را نشان می‌دهد. مردم غزه با همین ایمان و امید کم نظیر در تاریخ

بشر، در سخت‌ترین شرایط به مقاومت ستودنی و تحسین برانگیز دست زده‌اند. بر اساس سنت الهی، این ایمان و امید فرجامی جز پیروزی نخواهد داشت؛ اما آنچه مقاومت فلسطینی‌ها را در سرزمین‌های اشغالی برای رسیدن به پیروزی بیش از هر زمان دیگری امیدوارتر کرده، حمایت بی نظیر انسان‌های مقاومت در منطقه از آرمان مردم غزه است. حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، گروه‌های مقاومت عراقی و دیگر مجموعه‌های شناخته شده و بعضاً ناشناخته در جبهه مقاومت، امروز به صورت اعتقادی و بر اساس فهم و درک درستی از منافع و مصالح امت اسلامی، در کنار مردم مقاوم و رزمندگان فلسطینی ایستاده‌اند و بر مقاومت و ایستادگی تا آزادی کامل سرزمین فلسطین تأکید دارند.

در چنین وضعیتی، ترور فرماندهان جبهه مقاومت از قبیل سیدالشهدای جبهه مقاومت حاج قاسم سلیمانی در عراق، تا اسماعیل هنیه در ایران یا فؤاد شکر در لبنان، نه تنها این جبهه را تضعیف نمی‌کند، بلکه بر اساس سنت‌های الهی خون این شهدا، عناصر و عوامل اصلی حرکت به سمت قله‌های آرمانی در این جبهه، شامل ایمان و امید را به صورت تصاعدی تقویت می‌کند و این مهم را جز مؤمنان نمی‌فهمند. بنابراین، شادی و خنده صهیونیست‌ها در پی این ترورها، ناپایدار و مقطعی بوده و باید در انتظار روزهای سخت و عذاب‌آور همیشگی باشند. اما روند دوم، روند افول قدرت صهیونیست‌ها و حامیان غربی و منطقه‌ای آنان است. آمریکا، حامی اصلی رژیم صهیونیستی، سال‌های متمادی در مسیر افول قدرت حرکت کرده، و

صهیونیست‌ها در کدام مسیر؟

تلاش دولت‌های گوناگون در این کشور، هرگز نتوانسته است روند نزولی قدرت در ایالات متحده را متوقف یا کند کند. غرب آسیا طی بیش از دو دهه گذشته، به نمایشگاهی از شکست‌های آمریکا با تحمل هزینه‌های بالا و خسارت‌های جبران‌ناپذیر تبدیل شده است. رژیم صهیونیستی در سال‌های گذشته دور و از زمان جنگ ۳۳ روزه به بعد، در مسیر کاهش قدرت قرار گرفت.

عملیات طوفان‌الاقصی و در ادامه آن واکنش‌های رژیم صهیونیستی بسا صرف هزینه‌های بالا و ناتوانی در دستیابی به اهداف اعلامی، نشان می‌دهد این رژیم، دیگر قادر به تحمیل اراده خود به مقاومت از طریق اعمال زور نیست. کشورهای منطقه‌ای حامی و هم‌سو با رژیم کودک‌کش صهیونیستی نیز به علت افول قدرت آمریکا و قدرت‌یابی گروه‌های مقاومت مردم پایه در منطقه، دچار ضعف شدید قدرت شده، قادر به پشتیبانی از صهیونیست‌ها نخواهند بود.

بنابراین، بسا توجه به روندهای ذکر شده، صهیونیست‌ها نه تنها هرگز قادر نخواهند بود با ترور افرادی، چون اسماعیل هنیه، شکست‌های راهبردی خود را جبران کرده و در وضعیت فعلی و روندها تغییری ایجاد کنند، بلکه این ترورها و خون شهدا، عزم‌ها و اراده‌ها در محور مقاومت را برای مقابله با این رژیم ظالم و جنایتکار بیشتر تقویت می‌کند. از این رو آینده بسیار روشن است و از هم اکنون، می‌توان دنیای پس از رژیم جنایتکار صهیونیستی را مشاهده کرد؛ مسیری که رژیم صهیونیستی در آن گام بسر می‌دارد، مسیر رسیدن به پایان خط موجودیت نامشروع و حیات سراسر جنایت و خونخواری است.

سکوت بی‌شرمانه

رمزگشایی از رفتار اروپا در برابر ترور در تهران

خارج است؛ از این رو نه تنها سکوت اروپایی در قبال اصل موضوع (شهادت رئیس دفتر سیاسی حماس) غیر قابل توجیه است، بلکه وقاحت آن در قبال نقض صریح‌ترین پیمان‌های بین‌المللی نیز تأسفبار و خجالت‌آور است. زمانی که از اتحادیه اروپا (به ویژه تروئیکای اروپایی) سخن می‌گوئیم، به روایتگری از یک شریک «راهبردی»، «بالفعل» و «همه‌جانبه» صهیونیست‌ها دست می‌زنیم. در جریان جنگ غزه و بحران‌سازی‌های مزمن آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در منطقه غرب آسیا، اروپایی‌ها امنیت سزاسازمان ملل متحد نیز دو کشور فرانسه و انگلیس، مانند همیشه در سکوت حامیان رژیم اشغالگر قدس و آمریکا وارد عمل شده و حتی از صدور یک بیانیه ساده در محکومیت رسمی این جنایت جلوگیری کردند. در این میان، حتی صیانت از کنوانسیون صیانت دیپلماتیک (موسوم به کنوانسیون وین) که در خاک اروپا منعقد شده است نیز موضوعیت و اهمیت برای سران اروپایی ندارد! سکوت عامدانه اتحادیه اروپا در قبال نقض قواعد و اصول مصرح و مدون در سلسله معاهدات و توافقاتی که در سال ۱۹۶۱ میلادی و دیگر سال‌ها در کنوانسیون وین آمده، به یک امر متعارف در غرب تبدیل شده است! شهید اسماعیل هنیه میهمان رسمی مراسم تحلیف رئیس جمهور منتخب کشورمان بوده و سفر وی در قالب مأموریتی غیر رسمی یا غیراعلامی صورت نگرفته است. ضمن آنکه شهید هنیه با گذرنامه دیپلماتیک و رسمی در این مراسم حاضر شده بود. همگان به یاد دارند که دشمن صهیونیستی چگونه شهید بزرگوار، سردار حاج قاسم سلیمانی را در مأموریتی رسمی (به دعوت دولت عراق صورت گرفته بود) در فرودگاه بغداد به شهادت رساند. حمله صهیونیست‌ها به کنسولگری سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق رانیز باید به این سیاهه اضافه کرد. به راستی، کسانی که در قبال نقض سادترین تبصره‌های کنوانسیون وین (در راستای صیانت از نمایندگان سیاسی کشورها) سخت‌ترین بیانیه‌ها را صادر می‌کنند، چگونه در برابر صریح‌ترین جرم حقوقی صهیونیست‌ها و آمریکا در قبال این موارد واکنشی نشان نمی‌دهند؟ تأسفبارتر اینکه آمریکا و رژیم اشغالگر قدس به جای قرار گرفتن در سکوت متهمان و معرمانی که باید مشمول مجازات شوند، در مقام مفسر کنوانسیون‌های بین‌المللی در قبال رخدادها و پدیده‌های تروریستی ساخته و پرداخته دست خود ایفای نقش می‌کنند. تحمل این تناقض و تعارض آشکار دیگر از عهده ملت‌های آگاه جهان



حنیف غفاری

دکترای روابط بین‌الملل

آزیر قرمز روزگار سیاه

۷- ایران که به تازگی مرحله انتخابات ریاست جمهوری را پشت سر گذاشته، با این ترور دچار شوک روانی و امنیتی شده و در نتیجه دولت جدید کار خود را در وضعیت دشواری آغاز خواهد کرد.

پیامدها

۱- ترور‌ها هیچ گاه موجب رکود مقاومت و به ویژه جنبش مقاومت اسلامی «حماس» نشده است، زیرا بسیاری از رهبران آن و خانواده‌های‌شان از شیخ احمد یاسین گرفته تا عبدالعزیز رنتیسی و ... در طول دهه‌ها درگیری با رژیم اشغالگر صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند؛ اما جنبش مقاومت حماس هیچ گاه دچار ضعف نشده و بلکه بر عزم و توانایی آن افزوده شده است.

۲- معادله بازدارندگی به بازتعریف و شوک تازه نیاز دارد، زیرا رژیم صهیونیستی سعی کرده است با ترور رهبر حماس در قلب تهران، این معادله را به نفع خود تغییر دهد. تهدید جمهوری اسلامی ایران به انتقام از خون میهمان در زمان و مکان مقتضی، باز دیگر موازنه امنیتی را به نفع مقاومت تغییر خواهد داد.

۳- به دنبال این ترور، روند مذاکرات و آتش‌بس احتمالاً تا مدتی دچار رکود دیگری شده و آتش جنگ همچنان شعله‌ور خواهد ماند. معنای این سخن آن است که رژیم صهیونیستی باید خود را برای پیامدها و هزینه‌های ادامه جنگ آماده کند. این در حالی است که جبهه شمال نیز به دنبال ترور «فؤاد شکر» از فرماندهان برجسته حزب‌الله، بار دیگر بحرانی شده است. از سوی دیگر، سایر حلقه‌های زنجیره مقاومت به ویژه انصارالله یمن نیز در صورت تشدید جنگ آماده ورود به این معرکه خواهند بود.

۴- رژیم صهیونیستی هر چقدر خط ترور و اقدامات امنیتی را ادامه دهد، قادر به رهایی از شکست تاریخی در اثر ضربه عملیات طوفان‌الاقصی نبوده و بلکه با ترور‌های وحشیانه و نقض حریم سایر کشورها، بیش از پیش خود را در معرض افکار عمومی جهان منفور می‌کند.

۵- در سطح بین‌المللی با توجه به نگرانی‌هایی که حتی از سوی حامیان غربی رژیم صهیونیستی نسبت به ترور هنیه در تهران انجام گرفته، موقعیت رژیم صهیونیستی دچار تزلزل تازه‌ای شده و اعمال فشار برای آرام‌سازی اوضاع و نیز ایجاد آتش‌بس در جنگ غزه افزایش خواهد یافت.

علی احمدی

کارشناس سیاسی

رژیم صهیونیستی در راستای سیاست ترور، محل اقامت اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس را که مهمان رسمی جمهوری اسلامی ایران بود، هدف قرار داد و وی را به همراه یکی از محافظانش به شهادت رساند. اگرچه صدای این انفجار حتی به گوش تهران‌نشینان هم نرسید، اما پیچیدن صدای آژیر قرمز در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی، کابوس سران رژیم اشغالگر قدس شده است و آنها بی شک محکوم به گذران روزگاری سیاه هستند.

پیام‌ها

۱- به رخ کشیدن اشراف اطلاعاتی و توانمندی فناوری در حمله به اهداف کلیدی حتی در قلب پایتخت ایران، به ویژه آنکه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر مستتاصل این رژیم در بحبوحه جنگ غزه، دستور ترور سران حماس، اعم از سیاسی و نظامی را صادر کرده بود.

۲- خط ترور به منزله یک اقدام بازدارنده و تضعیف طرف مقابل، از دیرباز در دستور دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی قرار گرفته و این خط به ویژه در وضعیت کنونی جنگ در غزه و جنوب لبنان همچنان ادامه دارد.

۳- مقاومت و رهبران آن در هیچ نقطه‌ای از منطقه حتی در کانون مقاومت، یعنی جمهوری اسلامی ایران امنیت ندارند. رژیم صهیونیستی این سیاست مذبحانه را سال‌ها پیش در هدف قرار دادن دانشمندان هسته‌ای در ایران آغاز کرده بود.

۴- ایران به منزله حامی اصلی حماس باید پاسخگوی اقدامات این جنبش، از جمله عملیات طوفان‌الاقصی در ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۲ بوده و به همین دلیل ترور هنیه به جای قطر یا ترکیه، در خاک این کشور انجام گرفته است.

۵- ایران و محور مقاومت بسا وجود ادعاهای زیاد، قادر به پیشگیری یا مقابله با حملات امنیتی و حساب‌شده رژیم صهیونیستی نیستند و بنا بر ملاحظات مختلف وارد رویارویی سخت بسا این رژیم نمی‌شوند و همین امر موجب استمرار تجاوزات رژیم صهیونیستی شده است.

۶- کشورهای منطقه باید روی رژیم صهیونیستی و توانایی‌های آن حساب ویژه‌ای باز کنند و ضمن رویارو شدن با رژیم صهیونیستی در جنگ غزه، از ایران دوری جسته و به فکر عادی‌سازی و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی باشند.

ترور تلویزیور را نجات نمی دهد

واکوی صبح صادق از اشتباه محاسباتی رژیم صهیونیستی در تهران



اکبر معصومی

کارشناس بین الملل

حضور اسماعیل هنیه در تهران به همراه سایر رهبران مقاومت، تصویری قوی از محور مقاومت را به نمایش گذاشت و توطئه نتانیاهو را مبنی بر اقتدار توخالی صهیونیستی در آمریکا با شکست مواجه کرد که این موضوع برای صهیونیست‌ها به شدت دردناک بود. نتانیاهو که سعی داشت با سفر به آمریکا و سخنرانی در کنگره، اوج همراهی ایالات متحده با رژیم صهیونیستی را به نمایش بگذارد، با نطق آنتین رئیس جمهور کشورمان در روز تحلیف و تشویق رهبران و نمایندگان گروه‌های مقاومت در صف اول میهمانان مراسم تحلیف، به همراه مشت‌های گره‌کرده شعار «مرگ بر اسرائیل» نمایندگان مجلس، به شدت عصبانی شد. این تصاویر با ترور اسماعیل هنیه بارها و بارها در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافت و تصویری قوی از رویکرد ضد صهیونیستی در منطقه به نمایش گذاشت. از این رو نتانیاهو شکست خورده از اتفاقات رخ داده در کنگره آمریکا و مجلس شورای اسلامی ایران است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا رژیم صهیونیستی با ترورهای سریالی انجام شده در غزه، بیروت و تهران می‌تواند صحنه میدان را به نفع خود باز طراحی کند؟

این ترورها هیچ تأثیری در عزم و اراده مردم فلسطین و همچنین گروه‌های مقاومت در منطقه در مقابله با جنایت‌ها و اشغالگری رژیم صهیونیستی ندارد. اساساً تحلیل رفتارشناسی از محور مقاومت و تفکر نهداینه شده در بین رهبران و مبارزان در محور مقاومت نشان می‌دهد، شهادت بخشی از هدف مبارزه در این گفتمان است. یادآوری مناجات حاج قاسم سلیمانی با خدای خود برای رسیدن به جایگاه رفیع شهادت یا صحبت‌های شهید هنیه در باب شهادت، می‌تواند ما را در درک اهمیت و جایگاه مبارزه و شهادت برای تنومند کردن مقاومت کمک کند. تحلیلگران بر این عقیده‌اند که ترورهای هدفمند و کور نمی‌تواند جایگزین پیروزی در میدان نبرد در غزه باشد. ۱۰ ماه جنایت، کودتاکششی و نسل‌کشی در غزه و ویران کردن ساختمان‌ها و از بین بردن اماکن این منطقه، نتوانسته موجب پیروزی رژیم صهیونیستی در میدان نبرد شود.

نکته دوم نیز که با تأکید بر ترور شهید هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس نگاهشده می‌شود، تأکیدی بر این نکته است که رژیم صهیونیستی نه تنها در عرصه نبرد میدانی توانایی از بین بردن گروه حماس

با آزاد کردن اسرای خود را ندارد، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز با وجود حمایت‌های محور غربی به ویژه آمریکا در مجامع بین‌المللی، آبرویی برای خود باقی نگذاشته است. در واقع امروز به صراحت می‌توان گفت ده ماه جنگ در غزه، موجب مطرح شدن بیشتر حماس به عنوان بخشی مقاوم از محور مقاومت شده است. ترور رهبران در هیچ برهه تاریخی، نتوانسته است عزم ملت فلسطین را برای مقابله با اشغالگری دچار خدشه کند؛ از این رو حماس نه تنها با ترور اسماعیل هنیه تضعیف نخواهد شد؛ بلکه شهید هنیه الگویی برای سایر رهبران حماس در پیشبرد رویکرد ضد صهیونیستی خواهد بود. بر همین اساس، رسانه‌ها اعلام کرده‌اند تصویر اسماعیل هنیه در مجلس ایران و نمایش علامت پیروزی به دست او و رئیس جمهور ایران، تصویری است که سال‌ها در ذهن جهانیان باقی خواهد ماند.

بدون شک نتانیاهو بازنده اصلی عملیات طوفان الاقصی است که تلاش می‌کند عمر سیاسی خود را با ترور رهبران مقاومت برای چند روزی تمدید کند. نتانیاهو که می‌داند پایان جنگ غزه، پایان عمر سیاسی اوست و باید بعد از آن از عرصه قدرت کنار رفته و در سناریوی بدتر به زندان برود. مقامات ارشد حماس بر همین اساس اعلام کرده‌اند رژیم صهیونیستی با کشتن رهبران این گروه پیروز میدان نخواهد بود و این پیروزی، یک «پیروزی جعلی» است، زیرا تنها اهداف مدنظر نتانیاهو برای باقی ماندن در قدرت را تأمین می‌کند، نه اهداف رژیم صهیونیستی را. نتانیاهو می‌داند دیر یا زود باید شرایط آتش‌بس در غزه را بپذیرد و به قول تحلیلگر اندیشکده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل (CSIS)، پیروزی نتانیاهو تنها می‌تواند این باشد که پایان عملیات نظامی در غزه یا کاهش این عملیات را با

شرایطی که خود مطرح می‌کند، بپذیرد. در ادامه این مطلب آمده است: «با این حال مرگ هنیه به احتمال زیاد روی عملیات‌های نظامی آینده حماس در غزه تأثیری نخواهد داشت. هنیه مداخله‌ای در عملیات‌های نظامی روزانه حماس نداشته و یحیی سنوار، رهبر نظامی این گروه مسئول انجام این عملیات‌هاست. مرگ هنیه تأثیر بیشتری روی افزایش تنش‌ها در منطقه نداشته و عدم قطعیت بیشتری را درباره آینده جنگ رقم خواهد زد.»

شکست صهیونیست‌ها در رسیدن به اهدافشان از جنگ در غزه را می‌توان با بررسی این اهداف به آسانی مشخص کرد. در روزهای ابتدایی این جنگ، نتانیاهو اهداف مختلفی را برای حمله به غزه اعلام کرد. او گفته بود: «اگر صلح می‌خواهید، حماس را نابود کنید. اگر امنیت می‌خواهید، حماس را نابود کنید. اگر آینده‌ای برای فلسطین و منطقه خاورمیانه می‌خواهید، حماس را نابود کنید.» به گزارش «جروزالم پست»، او در سخنرانی‌اش در کنگره آمریکا نیز خواهان پیروزی کامل بر حماس و از بین رفتن این گروه در غزه شده بود. او گفته بود غزه باید غیرنظامی و غیرارتزیکال شود تا بتوان درباره صلح طولانی مدت سخن گفت. در همان زمان کارشناسان هشدار دادند رژیم صهیونیستی نمی‌تواند تمام نیروهای مبارز حماس و تمام شبکه‌های اجتماعی، مذهبی، آموزشی-نظامی و سیاسی حماس را نابود کند. در واقع، نکته‌ای که به آن اشاره نمی‌شود، این است که از بین بردن رهبران حماس، به معنای از بین رفتن حماس، غیرنظامی شدن این گروه یا از بین رفتن تأثیرش بر مردم غزه نیست. در گزارش اندیشکده مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمده است: «کشتن اسماعیل هنیه راهی بوده است که نتانیاهو بر آن اساس می‌توانست ادعای پیروزی کرده و عملیات نظامی در

غزه را کاهش دهد... قتل اخیر توسط اسرائیل، یک عملیات پرخطر و سرشار از ریسک برای شخص نتانیاهو بوده است؛ کسی که به نظر می‌رسد شخصاً انجام این عملیات را تأیید کرده است. با وجود اینکه این اقدام خطر افزایش تنش بین اسرائیل و ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه را افزایش داده است، اما در عین حال به نتانیاهو کمک کرده در بین افکار عمومی شهروندان اسرائیل، خود را پیروز میدان مبارزه با حماس جا بزند... با این حال هنوز مشخص نیست این استراتژی موفقیت‌آمیز باشد، چرا که این احتمال وجود دارد تلاش‌های اسرائیل برای از بین بردن رهبران حماس، با واکنش‌های شدیدی رویه‌رو شود. سال ۲۰۰۴ نیز زمانی که اسرائیل دست به حذف فیزیکی شیخ احمد یاسین، از مؤسسان حماس زد، راه برای ارتباطات کامل و بدون محدودیت حماس با ایران باز شد و به همین ترتیب روزبه‌روز بر خطر حماس برای اسرائیل افزوده شد. حذف رهبران حماس در طول تاریخ نشان داده این گروه همواره بعد از هر ترور، خود را بازسازی کرده است.»

اندیشکده «چتم هاسوس» نیز در تحلیلی پس از شهادت اسماعیل هنیه در تهران نوشت: «اقداماتی از این دست تنها دشمنی و مخاصمه بین اسرائیل و محور مقاومت به ویژه لبنان و ایران را تشدید می‌کند و باعث تأخیر در مذاکرات و برقراری آتش‌بس و آزاد کردن اسرای اسرائیلی می‌شود.» البته این تشدید تنش‌ها به نفع رژیم صهیونیستی نیست، اما تاکنون به نفع منافع شخصی نتانیاهو عمل کرده است. تحلیلگر این اندیشکده در ادامه آورده است: «حذف فیزیکی هنیه به حماس لطمه چندانی وارد نمی‌کند، چرا که شاخه نظامی حماس و رهبران آن به صورت مستقل عمل می‌کنند.»

در ادامه این مطلب به سخنرانی نتانیاهو در کنگره



آمریکا اشاره و خاطر نشان شده است: «شاید تشویق‌های بیپایه نمایندگان کنگره آمریکا به دلیل نوع نگاه آنها به انتخابات ریاست جمهوری در داخل کشورشان باشد و ذهن آنها مشغول این انتخابات و نتایج آن باشد (منظور نوع تأثیرگذاری لابی صهیونیستی بر منابع مالی نامزدهای انتخاباتی است)؛ اما آنها توجهی ندارند که این تشویق و اجرایی شدن اهداف نتانیاهو در گسترش جنگ به کل منطقه، جلوی آتش گرفتن و انفجار در منطقه را نمی‌گیرد. نتانیاهو هیچ تردیدی در کشتاندن آمریکا به درگیری با ایران یا گسترش و تشدید تنش‌ها در منطقه ندارد، زیرا اهداف سیاسی محدود و مشخصی را دنبال می‌کند. او می‌داند لحظه‌ای که گلوله‌ها از حرکت باز ایستند و جنگ پایان یابد، باید پاسخ شهروندان خشمگین اسرائیلی را بدهد که چطور باعث تضعیف دموکراسی در منطقه و ناتوانی در پیش‌بینی حملات ۷ اکتبر شد.»

رژیم صهیونیستی با ترورهای سریالی انجام شده در غزه، بیروت و تهران نه تنها به موفقیتی دست پیدا نمی‌کند، بلکه این ترورها موجب همگرایی بیشتر به محور مقاومت خواهد شد. بر اساس گزاره‌های گوناگون خبری بیشترین همراهی و همکاری محور مقاومت در طول ماه‌ها و روزهای اخیر صورت گرفته است که این روند موجب هم‌افزایی محور ضد صهیونیستی در منطقه و حتی در جهان خواهد شد. البته مسئله اتحاد علیه صهیونیسم معطوف به منطقه نیست؛ بلکه امروز در جهان شاهد روندی ضد صهیونیسمی هستیم که همگی بر حقایق فلسطین تأکید دارند. این موضوع با ترور اسماعیل هنیه شدت بیشتری خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

وضعیت امروز رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاهو به گونه‌ای رقم خورده است که هر اقدامی از جانب رژیم صهیونیستی، نتیجه‌ای منفی برای صهیونیست‌ها خواهد داشت. رژیم صهیونیستی با ترور هنیه نه تنها نمی‌تواند شکست‌های خود در میدان را به موفقیت تبدیل کند، بلکه این ترور همگرایی و اتحاد جهانی را علیه تروریسم صهیونیستی روزبه‌روز بیشتر می‌کند؛ از این رو ترور اسماعیل هنیه در تهران و فؤاد شکر در لبنان و... سبب شده است که در ذهن جهانیان، رژیم صهیونیستی جایگزین داعش شود. همچنین ترور هنیه در تهران، دست جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به جنایات رژیم صهیونیستی را بازتر کرد. بنابراین، ترور هنیه به تهران مجوز داد که در صحنه میدان همراه سایر گروه‌های مقاومت باشد و عملاً رژیم صهیونیستی با محاسبات غیر واقعی خود، تراز مقاومت را بالا برد.

دخالت‌های بی‌پایان واشنگتن

از سوی دیگر، شناسایی دولت و رئیس جمهور منتخب ونزویلا نیز در رقابت‌های بازیگران عرصه روابط بین‌الملل به موضوع روز تبدیل شده است. سه رویکرد کلی در مواجهه با انتخابات ونزویلا وجود دارد: الف- تأیید انتخابات و احترام گذاشتن به منتخب مردم ونزویلا؛ کشورهایی، مانند نیکاراگوئه، روسیه، چین، ایران، کوبا، هندوراس و بولیوی پیروزی مادورو را تبریک گفتند و انتخابات ونزویلا را تأیید کردند. ب- رد کردن نظر شورای انتخابات ونزویلا و پذیرفتن گونزالس به عنوان رئیس جمهور منتخب ونزویلا؛ آمریکا و متحدانش با اتخاذ این موضع مدعی شده‌اند که گونزالس در مقابل مادورو به پیروزی رسیده و مادورو در انتخابات تقلب کرده است. همچنین کشورهایی، مانند آرژانتین، کاستاریکا، اکوادور، گواتمالا، پاناما، پاراگوئه، پرو، جمهوری دومینیکن و اروگوئه نیز ضمن رد انتخابات ونزویلا، در بیانیه مشترکی «خواستار بازنگری کامل در نتایج انتخابات با حضور ناظران مستقل انتخاباتی» شده‌اند. ج- اتخاذ رویکرد بی‌طرفی و منتظر ماندن برای اعلام جزئیات و نتایج نهایی انتخابات؛ کشورهایی مانند برزیل و مکزیک اعلام کردند تا زمان انتشار



رامین نصیری

کارشناس سیاسی

انتخابات ونزویلا برگزار شد و طی این انتخابات دو نامزد اصلی «مادورو» و «گونزالس» با یکدیگر رقابت کردند. رقابت نزدیک مادورو و گونزالس سبب شد تا دو قطبی بسیار شدیدی در بدنه جامعه ونزویلا نیز به وجود بیاید. در این دو قطبی ناگزیر شاهد رادیکالیسم، افراطی‌گرایی، تشدید خشونت‌ها، افزایش کدورت‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و تردیدها و... هستیم. جامعه ونزویلا نیز با این وضعیت مواجه شده است. هر چند شورای ملی انتخابات ونزویلا با شمارش آرای انتخابات رسماً اعلام کرده است نیکولاس مادورو با کسب ۵۲ درصد آرا به صورت رسمی قانونی رئیس جمهور ونزویلا قلمداد می‌شود، اما رقیب مادورو، یعنی گونزالس و ستاد انتخاباتی او مدعی شده‌اند گونزالس رئیس جمهور منتخب است و تلاش دارند با دریافت برخی کمک‌ها و مداخلات خارجی گونزالس را رئیس جمهور ونزویلا معرفی کنند.

جزئیات نتایج و جدول تفکیکی آرا منتظر می‌مانند و فعلاً نظر مشخصی در رابطه با نتایج انتخابات ونزویلا ندارند. در این میان، توجه به چند نکته اساسی درباره چگونگی برخورد کشورهای دولت‌های گوناگون با نتایج انتخابات ونزویلا حائز اهمیت است. اینکه جمهوری اسلامی ایران و روسیه و چین عمدتاً به آرای مردم احترام می‌گذارند و معتقدند بهترین راه برای تغییر نخبگان حاکمیتی استفاده از نظر همگان و خرد جمعی است. در مقابل نگاه کلی ایالات متحده نسبت به تغییر نخبگان کاملاً متفاوت است. در نگاه ایالات متحده و ایادی آن تغییر نخبگانی مشروعیت دارد و قانونی است که این تغییر در راستای سیاست‌های ایالات متحده باشد. با این نگاه کلی، کودتای ۲۸ مرداد ایران هم وجه مشروع قانونی در رویکرد ایالات متحده دارد. در واقع، ایالات متحده نه به دنبال احترام به آرا و نظر مردم، بلکه به دنبال تحمیل اراده خود بر جوامع است. با همین نگاه است که ایالات متحده انتخابات ریاست جمهوری ونزویلا را رد می‌کند؛ چراکه معتقد است مادورو در راستای سیاست‌های کلی ایالات متحده حرکت نکرده است و بنابراین با وجود کسب

اکثریت آرا، باز هم مشروعیتی برای نشستن بر صندلی قدرت ریاست جمهوری ندارد. نکته مهم دیگر بحث سیاست مداخله‌گرایی ایالات متحده در سرنوشت سیاسی و امنیتی کشورهای دیگر است. به واقع، آمریکای جنوبی که به مثابه حیاط خلوت ایالات متحده قلمداد می‌شود، از زمان‌های گذشته تحت نفوذ ایالات متحده بوده است و همواره منابع و منافع آن از سوی ایالات متحده بهره‌بردار شده است. به باور همگان، چند سده اخیر شاهد مبارزات فراوان مردم آمریکای جنوبی برای استقلال و آزادی بودیم؛ جایی که فیدل کاسترو در کوبا، خوزه دسان مارتین در آرژانتین، سیمون بولیوار در ونزویلا، ارنستو چگوارا و هوگو چاوز و بسیاری دیگر در آمریکای جنوبی به دنبال مبارزه با استثمار و استثمار غرب و آمریکا به مبارزات گسترده دست زدند؛ اما در مقابل بوش پسر که تدوین‌گر دکترین جدید امنیتی ایالات متحده بودف با اعلام کردن چهار مؤلفه «یکجانبه‌گرایی»، «مداخله‌گرایی»، «مبارزه با تروریسم» و «انجام عملیات پیش‌دستانه» عملاً دست ایالات متحده را برای مداخله در سیاست‌های داخلی دولت‌های دیگر باز گذاشت.

از حمله به عراق و افغانستان گرفته که به صورت مستقیم و با اعمال زور و دستگاه نظامی وارد کارزار دخالت شده‌اند تا تلاش برای انجام تغییر دولت‌ها به وسیله کودتاها یا تلاش برای انجام شورش‌های خیابانی و اغتشاشات گسترده. این سیاست مداخله‌گرایی آمریکایی امروز با دخالت در انتخابات‌های کشورهای دیگر عیان شده است که نمونه مبرهن آن در انتخابات اخیر ونزویلاست. همچنین به نظر می‌رسد بازی تبلیغاتی و سیاسی ایالات متحده در به رسمیت نشناختن انتخابات ونزویلا و ریاست جمهوری نیکولاس مادورو کاملاً شکست خورده است و دیگر ایالات متحده مانند قبل توان اجماع‌سازی جهانی علیه دولت‌ها و ملت‌ها را ندارد. در قضیه ائتلاف دریایی علیه یمن نیز کاملاً این موضوع مشخص شد و همچنین بی‌اعتباری ایالات متحده با حمایت‌های گسترده از جنایات رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی بیش از پیش مشهود شده است. بنابراین دیگر توان دخالت مؤثر در قضایای بین‌المللی و بحران‌های جهانی را ندارد.

نیم نگاه

پاسخ معتبر

ترور شهید هنیه در تهران حائز اهمیت است؛ پس از خبر ترور، گزاره پاسخ ایران مطرح شد و هر لحظه جهان در انتظار این پاسخ است. روزنامه‌های صهیونیستی «معارف» گزارش داد: «در پی تشدید تنش‌ها در منطقه و از بیم واکنش گسترده ایران و احتمال هدف قرار گرفتن خطوط برق و ارتباطات، اسرائیل در وضعیت آماده‌باش کامل قرار دارد». این روزنامه همچنین عنوان کرد: «بیمارستان‌های اسرائیل به تلفن‌های ماهواره‌ای تجهیز شده‌اند تا برای احتمال قطع خطوط ارتباطی آماده باشند». معاریو در ادامه افزود: «ارتش اسرائیل تصمیم گرفته مرخصی‌ها در همه یگان‌های رزمی و آموزشی را لغو کند».

رهبر فرزانه انقلاب با بیان اینکه ترور شهید هنیه در حریم ایران اتفاق افتاده و ایران خونخواهی خواهد کرد، به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل برای دفاع مشروع اشاره کرده‌اند. مطابق ماده ۵۱ منشور، ایران قصد خود برای دفاع مشروع از تجاوز رژیم صهیونیستی به خاکش را به اطلاع شورای امنیت رسانده است. حتی این اطلاع‌رسانی مطابق ماده ۵۱، نافه اقدامات ایران برای دفاع مشروع نبوده و نیست؛ چرا که ایران فارغ از اطلاع‌رسانی به شورای امنیت، قادر به دفاع مشروع از خود است؛

زیرا ماده ۵۱ اشعار می‌دارد: «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع انفرادی یا دسته‌جمعی اعضای لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوری به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.»

کارشناسان معتقدند در فضای پس از عملیات تاریخی وعده صادق، نوعی نظم جدید بر معادلات منطقه حاکم شد. وعده صادق تا حد قابل توجهی امکان پاسخ معتبر را از رژیم صهیونیستی سلب کرد و موجی از سردرگمی را برای رژیم موجب شد. پس از عملیات «وعده صادق» جرت جبهه مقاومت در عملیات مستقیم به سرزمین‌های اشغالی چند برابر شد؛ به گونه‌ای که برای نخستین بار پرتابه‌ای از یمن، قلب سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد. در سطح جهان نیز هسته‌های معترض، با جرت علیه سیاست‌های جریان سلطه حرکت کردند. عملیات همزمان رژیم در لبنان، عراق و ایران در این فضا بیشتر از آنکه ناشی از اقدام مبتکرانه و رقم زننده تحولات جدید در منطقه باشد، نوعی واکنش انفعالی و محدود به این شکست حیثیتی تاریخی بود. پاسخ به ترور اسماعیل هنیه با پیشینه وعده صادق می‌تواند دقیق و در عین حال بسیار متفاوت باشد. پاسخ به ترور اسماعیل هنیه هم می‌تواند مختص جمهوری اسلامی نباشد و محور مقاومت به صورت مستمر و هم‌افزا رژیم صهیونیستی را در وضعیت شکننده‌ای بعد از ترور اسماعیل هنیه قرار دهد و روند اضمحلال رژیم صهیونیستی در مسیر تند قرار بگیرد. بنابراین، ترور رئیس دفتر سیاسی حماس نه تنها موفقیتی برای رژیم به شمار نمی‌آید؛ بلکه این اقدام، دست ایران و مقاومت را برای عملیات علیه رژیم باز کرد.

بررسی اظهارات نتانیاهو در کنگره آمریکا در گفت و گوی صبح صادق با فواد ایزدی، کارشناس امور بین‌الملل

ایران مرجع بیداری بشریت



آمریکایی و غربی بسیار اثرگذار بوده و توانسته افکار آمریکا و دنیای غرب را حامی حماس و مردم فلسطین کند.»

وی در این باره گفت: «تحول در اندیشه مردم آمریکا بسیار مهم است و پدیده بسیار ویژه‌ای است؛ چرا که نشان می‌دهد نتانیاهو به اهداف خود نرسیده و شکست خورده است.»

وی درباره رویکرد جوانان آمریکایی به بحث انتخابات این کشور با توجه به حمایت احزاب از رژیم صهیونیستی گفت: «حمایت نکردن مردم آمریکا از آقای بایدن به این دلیل است که وی نشان داد تمام‌قد حامی جنایت‌های رژیم صهیونیستی است. امروز جمعیت معترض به سیاست‌های آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی فقط جمعیت عرب‌ها و جمعیت مسلمانان نیست، بلکه غیر عرب‌ها و غیر مسلمانان نیز در این کشور معترض سیاست‌های حمایتی آمریکا از رژیم صهیونیستی هستند.»

وی خاطر نشان کرد: «به هر حال سردمداران آمریکایی ملعبه دست صهیونیست‌ها هستند و برای مبارزات انتخاباتی به حمایت آنها نیاز دارند؛ در غیر این صورت مشکل تأمین مالی پیدا می‌کند و اوضاع وخیمی خواهند داشت؛ اما در نهایت هر گونه حمایت از نسل‌کشی در غزه گریبانگیر حکام آمریکایی خواهد شد.»

ایران بود؛ به گونه‌ای که نتانیاهو ۱۶ بار نام ایران را تکرار کرد و وجود مسانلی، مانند درگیری در غزه و مشکلات رژیم صهیونیستی را به ایران نسبت داد.»

وی افزود: «در حالی که نتانیاهو مشغول ربط دادن چالش‌های خود و رژیم صهیونیستی به ایران بود، مردم آمریکا در خیابان‌های این کشور در حال اعتراض به ورود وی به این کشور و حضور در کنگره بودند.»

فواد ایزدی گفت: «مردم در شهرهای آمریکا در حال اعتراض به وی بودند که نتانیاهو معترضان به جنگ در غزه را «احمق‌های مفید برای جمهوری اسلامی ایران» خطاب کرد. واقعیت امر این است که با برجسته کردن نقش ایران از مردم فلسطین و عنوان کردن نقش حمایتی مردم ایران از فلسطین، در عمل آقای نتانیاهو ایران را مرجع وجدان بشریت عنوان کرد.»

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل آمریکا تأکید کرد: «آقای نتانیاهو نادرسته نشان داد که ایران چشم مردم جهان را به روی جنایت‌های نتانیاهو گشوده و سبب شده است مردم جهان از کشتار زنان و کودکان متأثر شوند.»

فواد ایزدی گفت: «ایران از نظر نتانیاهو عامل افشاکنده جنایت‌های این رژیم غاصب است. پس وی نادرسته در عرصه بین‌الملل امتیاز بزرگی به ایران داد. این موضوع حائز اهمیت است؛ چرا که در طول تاریخ ایران چه پیش از اسلام یا پس از اسلام ایران چنین مرجعیتی را که اکنون ایفا می‌کند، نداشته که موجب بیدار شدن وجدان جامعه جهانی شود و این برای ما بسیار خوب است.»

وی در این باره تصریح کرد: «ایران نماینده وجدان بشری و بلندگوی افشاکنده افرادی شده که بی‌محابا آدم می‌کشند؛ اما نتانیاهو معترضان به نسل‌کشی در غزه را احمق‌های مفید برای ایران خطاب کرد. مسئله حائز اهمیت این است که سخنان آقای نتانیاهو نه تنها به حفظ جایگاه او کمک نمی‌کند؛ بلکه در عمل به ضرر جریانی است که هم‌فکر و همراه او در عرصه سیاسی است.»

وی خاطر نشان کرد: «آنچه نتانیاهو درباره مرجع بودن ایران در افشاکاری علیه جنایات خود گفت، به نفع ایران تمام شد؛ لذا نباید نگران دست زدن عده‌ای در کنگره آمریکا برای وی باشیم، چرا که بیشتر کفزن‌ها

در کنگره آمریکا از صهیونیست‌های سرمایه‌دار و حامی رژیم صهیونیستی، کمک مالی دریافت می‌کنند و بیشتر برای حمایت‌های مالی از خود کشف زدن، نه برای نتانیاهو.»

فواد ایزدی رژیم صهیونیستی را صاحب کار اعضای کنگره آمریکا خواند و گفت: «صهیونیست‌های سرمایه‌دار در اصل صاحب‌کارانی هستند که به زیردستان خود کمک می‌کنند. بنابراین مشخص است که اعضای کفزن کنگره آمریکا نماینده افکار عمومی این کشور نیستند، بلکه آمار‌های مرتبط با نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد، مردم، به ویژه اکثریت جوان‌های آمریکا طرفدار حماس هستند.»

وی در این باره بیان داشت: «جوانانی که علیه نتانیاهو شعار می‌دادند، در کنار پرچم فلسطین، شعار حمایت از حماس را سر می‌دادند و مخالفان اصلی نتانیاهو هستند. جالب است بدانیم اصولاً رسانه‌های آمریکایی علیه رژیم صهیونیستی نمی‌نویسند. پس مشخص است مرجع خبری مردم آمریکا، رسانه‌های صهیونیستی و آمریکایی نیست، در غیر این صورت مردم آمریکا با خوراک فکری تولید شده صهیونیست‌ها باید حامی رژیم صهیونیستی بودند.»

این کارشناس بین‌الملل تأکید کرد: «مرجع اخبار مرتبط با رژیم صهیونیستی، ایران و محور مقاومت است، ضمن اینکه نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان

کابوس جبهه شمال!

نگاهی بر ناتوانی رژیم صهیونیستی در جنگ فراگیر با لبنان

آنکه از شدت نبرد در غزه کاسته شده و بسیاری از یگان‌های ارتش اشغالگر از این منطقه خارج و به سمت شمال گسیل شده‌اند. بر همین اساس، نهادهای اطلاعاتی آمریکا درگیری تمام‌عیار در جبهه لبنان و رژیم صهیونیستی را قریب‌الوقوع می‌دانند؛ اما برخی ناظران تهدیدات فرماندهان نظامی صهیونیست را در حد رجزخوانی و به منظور مصرف داخلی قلمداد کرده و معتقدند، دولت رژیم صهیونیستی حتی با وجود عناصر افراطی، ریسک نخواهد کرد.

در مجموع، با توجه به وضعیت میدانی در جنوب و شمال و فرسودگی و سرخوردگی ارتش رژیم غاصب، به اضافه مخالفت غرب، به ویژه آمریکا از وقوع جنگ فراگیر، در کنار چالش‌ها و اختلافات داخلی و از همه مهم‌تر توانمندی‌های شگرف حزب‌الله در جهت مدیریت نبرد نامتقارن و تحمیل ضربات سخت به دشمن، تشدید تنش تا آستانه جنگ تمام‌عیار در جبهه شمال فلسطین اشغالی بعید به نظر می‌رسد.

بنابراین، رژیم صهیونیستی حداقل تا زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تلاش خواهد کرد از نبرد فراگیر در جبهه شمال اجتناب کرده و ترجیحاً با ادامه ضربات امنیتی صحنه نبرد را مدیریت خواهد کرد و البته در این مدت، حزب‌الله همچنان به حملات خود با صبغه دفاعی و بازدارندگی ادامه خواهد داد.

جنبش حماس در تهران، ایران انگیزه کافی برای ضربه زدن دارد. نکته دیگری که از احتمال جنگ فراگیر در جبهه شمال می‌کاهد، وضعیت متزلزل رژیم غاصب در عرصه میدانی نبرد غزه و نیز شکاف و بحران فراینده در داخل این رژیم است. در واقع، تنش‌های داخلی رژیم صهیونیستی و شکاف در میان اعضای کابینه نتانیاهو سبب شده است آنها نسبت به جنگ با حزب‌الله مردد باشند.

اختلافات داخلی در حدی است که «یائیر لاپید» رهبر احزاب مخالف کابینه رژیم صهیونیستی تأکید کرده است، اتحاد احزاب مخالف علیه کابینه شکست خورده و نتانیاهو به پایان رسیده است و هم اکنون زمان آن است که احزاب مخالف در نبردی مشترک علیه کابینه متزلزل نتانیاهو متحد شوند.

با آنکه برخی اعضای کابینه «بی‌بی» به تشدید نبرد در جبهه شمالی تمایلی ندارند، اما اعضای تندرو کابینه رژیم صهیونیستی خواستار جنگ همه‌جانبه علیه لبنان برای مقابله با حزب‌الله شده‌اند. برای نمونه، «ایتامار بن گویر» از نتانیاهو و ارتش این رژیم خواست که هر چه زودتر برای حمله همه‌جانبه علیه لبنان اقدام کنند. «بزالل اسموتریچ» وزیر دارایی و از دیگر افراد افراطی کابینه این رژیم ادعای مشابهی داشت و در بیانیه‌ای از ارتش رژیم صهیونیستی خواست به بیروت حمله کنند.

ارتش رژیم صهیونیستی نیز از آمادگی خود برای ورود در نبرد لبنان خبر داده است، به ویژه

«سیدحسین نصرالله» دبیر کل حزب‌الله ضمن تأکید مکرر بر توانمندی‌های بالای حزب‌الله، تأکید دارد: «تهدید به جنگ از سوی دشمن طی نه ماه اخیر، ما را مرعوب خود نکرده است و با آنکه برخی احتمال جنگ را جدی دانسته‌اند، ولی ما خود را برای بدترین روزها آماده کرده‌ایم. دشمن می‌داند چه چیزی انتظارش را می‌کشد و به همین سبب متزلزل است.»

به گفته نصرالله، حزب‌الله تاکنون تنها با بخشی از سلاح‌های خود جنگیده و سلاح جدیدی، شامل موشک و پهپادهای پیشرفته به دست آورده است که به زودی در عرصه میدان رونمایی خواهد شد و هر که به فکر جنگ با این گروه باشد، پشیمان می‌شود.

در واقع، نگاه حزب‌الله و رهبران مبتنی بر مؤلفه بازدارندگی است؛ یعنی رژیم صهیونیستی با توجه به عواقب هر گونه جنگ فراگیر در سایه توانایی بالا و تسلیحات پیشرفته حزب‌الله، جرت ورود به چنین جنگی را ندارد.

افزون بر حزب‌الله، سایر زنجیره‌های محور مقاومت، به ویژه انصارالله یمن نیز نشان داده‌اند که برای وارد کردن ضربات مستقیم علیه رژیم صهیونیستی آمادگی کامل دارند و در صورت وقوع جنگ وارد ایسن معرکه خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران نیز که در عملیات «وعده صادق» رویارویی مستقیم با رژیم غاصب را آزموده است، در صورت شعله‌ور شدن نبرد در لبنان بی‌تفاوت نخواهد نشست؛ ضمن آنکه به دنبال ترور «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی

فرزان شهیدی

کارشناس ارشد بین‌الملل



پس از عملیات بی‌سابقه «طوفان الاقصی» در ۱۵ مهرماه سال گذشته و برافروختن جنگ از سوی رژیم صهیونیستی در نوار غزه، حزب‌الله لبنان به منزله یکی از بازوهای مهم محور مقاومت، در دفاع از مقاومت غزه وارد نبرد با رژیم اشغالگر در جبهه شمال شده است. هر چند حزب‌الله و رژیم صهیونیستی به تدریج حملات خود را علیه یکدیگر، عمدتاً در محدوده مرزی تشدید کرده‌اند، اما وضعیت میدانی تاکنون تحت کنترل بوده و به جنگی تمام‌عیار منجر نشده است.

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به حومه جنوبی بیروت و هدف قرار دادن شهید «فواد شکر» از فرماندهان برجسته حزب‌الله، ضمن گسترده کردن نبرد به پایتخت لبنان، بار دیگر گمانه‌های مربوط به برافروخته شدن جنگ فراگیر را به محافل گوناگون بازگردانده است، به ویژه آنکه حزب‌الله به پاسخ متقابل تهدید کرده است. نگرانی از توسعه جنگ بین دو طرف موجب شده است برخی قدرتهای خارجی، مانند ایالات متحده آمریکا و فرانسه برای کاهش تنش به تلاش‌های دیپلماتیک دست بزنند. این نگرانی در داخل لبنان نیز وجود دارد و به ویژه آن دسته از سیاستمدارانی که با حزب‌الله زاویه دارند، خواهان توقف عملیات‌های این حزب شده‌اند.

«جعفر قناد باشی» تحلیلگر سیاست خارجی در گفت‌وگو با صبح صادق

آتش‌بسی

پایان عمر سیاسی نتانیاهو است

ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر امور بین‌الملل و سیاست خارجی گفت: «مقامات صهیونیستی بارها به این موضوع اعتراف کرده‌اند، مانند نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی که نسبت به ورشکستگی اقتصادی این رژیم هشدار داد. سایر احزاب حتی حزب لیکود نیز بر این موضوع تأکید دارند که اقتصاد رژیم صهیونیستی در مقایسه با ده ماه گذشته ده برابر ضعیف شده و سال‌ها طول می‌کشد که اقتصاد خراب فعلی به وضعیت سابق بازگردد.»

«جعفر قنادباشی» کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره نشانه‌های بارز تضعیف شدید رژیم صهیونیستی و افزایش اعتراضات ساکنان اراضی اشغالی نسبت به اقدامات خطرناک رژیم صهیونیستی گفت: «نشانه‌های روشنی مبنی بر این وجود دارد که در داخل اراضی اشغالی نارضایتی‌ها نسبت به عملکرد نتانیاهو و سران رژیم صهیونیستی افزایش یافته است. ساکنان سرزمین‌های اشغالی به خصوص خانواده‌های اسرا و گروگان‌ها متوجه شده‌اند که نتانیاهو خواستار صلح و آتش‌بس نیست.»

وی در این باره افزود: «با اینکه ماه‌هاست تمام دنیا اعم از سیاسیون تا مردم عادی و دانشجویان خواستار صلح و آتش‌بس هستند، اما براساس آنچه مخالفان رژیم صهیونیستی به آن اقرار دارند، نتانیاهو نگران پایان جنگ است، مانند نخست‌وزیر قبلی رژیم کودک‌کش که در جنگ ۳۳ روزه شکست خورد و استعفا کرد، نتانیاهو نیز بعد از آتش‌بس ناگزیر به استعفاست و متعاقب آن محاکمه می‌شود.»

وی در این باره افزود: «نتانیاهو در دادگاه‌های داخلی رژیم صهیونیستی مجرم است و به خاطر ارتکاب چهار جرم تحت تعقیب قضایی است؛ به این دلیل نتانیاهو به دلایل پرونده‌های مالی و اختلاس و... خواهان تداوم

جنگ است؛ در حالی که طی ده ماه گذشته پرونده‌های دیگری، مانند آدم‌کشی نیز بر پرونده‌های قبلی افزوده شده است.»

جعفر قنادباشی خاطر نشان کرد: «پایان جنگ در غزه به زیان نتانیاهوست؛ چرا که به معنای پایان عمر سیاسی وی و شروع محاکمه در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی است. مسئله به قدری جدی است که دادگاه‌های بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی و نتانیاهو پرونده‌های مهمی دارند؛ مانند پرونده اشغال فلسطین که در تاریخ فلسطین این موضوع بسیار مهمی است و پرونده دیگری که خواهان محاکمه نتانیاهو و سران صهیونیست به عنوان جنایتکار جنگی است.»

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و امور بین‌الملل یادآور شد: «در چنین وضعیتی آقای نتانیاهو برای پایان نیافتن جنگ به جنایت‌های متعددی دست

می‌زند؛ زیرا به خوبی می‌داند وارد دوره معیوبی شده است که دیگر هیچ چیز تغییر نمی‌کند و جنایت‌های وی از دید افکار عمومی پنهان نیست.»

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی گفت: «نتانیاهو شبیه قاتلی شده که قتلی انجام می‌دهد، اما برای دستگیر نشدن و گنج کردن پلیس قتل‌های زنجیره‌ای را ادامه می‌دهد تا پرونده‌های بیشتری باز شود؛ بلکه چند صباحی از گرفتار شدن در دست پلیس نجات یابد. مسئله نتانیاهو به قدری وخیم است که حتی شبکه ۱۴ رژیم صهیونیستی به این موضوع اعتراف دارد که نتانیاهو جنگ را شخصی کرده و به دلیل باقی ماندن در قدرت خواهان تداوم جنگ است.»

جعفر قنادباشی در این باره خاطر نشان کرد: «در طول تاریخ ۷۵ سال گذشته هیچ‌گاه جمعیت‌هایی به این عظمت در شهر تل‌آویو و دیگر شهرها علیه یک

نخست‌وزیر تظاهرات نکرده‌اند، به گونه‌ای که حتی تا نزدیک خانه نتانیاهو رفته و آتش درست کرده‌اند؛ چرا که این جمعیت به شدت مخالفت سیاست‌ها و فعالیت‌های وی هستند.»

وی افزود: «مخالفت‌هایی را که علیه نتانیاهو صورت می‌گیرد، نباید فقط به ساکنان در اراضی اشغالی محدود کرد؛ چرا که سایر احزاب سیاسی و حتی در خود حزب لیکود نیز مخالفانی دارد. بنابراین مخالفت‌ها به خانواده اسرا محدود نیست، البته خانواده اسرا و اقوام و وابستگان آنها به شدت معترض هستند، اما سایر احزاب نیز با نتانیاهو و فعالیت‌هایش بسیار ضدیت نشان داده‌اند.»

وی در این باره افزود: «ساکنان سرزمین‌های اشغالی به خصوص نظامیان و ارتش این رژیم جعلی به شدت از طولانی شدن جنگ خسته شده‌اند. تداوم جنگ، رژیم صهیونیستی را به لحاظ اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر کرده



و بحران‌های زیادی رقم زده است.» قنادباشی تصریح کرد: «هماهنگی محور مقاومت در عملیات‌های ضدصهیونیستی، مانند حمله یعنی‌ها به کشتی‌های رژیم صهیونیستی یا حامیان آن، که برای این کشور مهمات و کالا می‌برند، این رژیم را در همه زمینه‌ها دچار بحران کرده است.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «تعطیلی کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که مورد اصابت موشک‌های یعنی‌ها و محور مقاومت قرار می‌گیرند، رژیم صهیونیستی را وارد بحران اقتصادی بسیار شدیدی کرده است.»

قنادباشی گفت: «مقامات صهیونیستی بارها به این موضوع اعتراف کرده‌اند، مانند نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی که نسبت به ورشکستگی اقتصادی این رژیم هشدار داد. سایر احزاب حتی حزب لیکود نیز بر این موضوع تأکید دارند که اقتصاد رژیم صهیونیستی در مقایسه با ده ماه گذشته ده برابر ضعیف شده و سال‌ها طول می‌کشد که اقتصاد خراب فعلی به وضعیت سابق بازگردد.»

کارشناس و تحلیلگر امور بین‌الملل با اشاره به اینکه آمریکا و اعراب و یهودیان ثروتمند حامی رژیم صهیونیستی هستند، گفت: «منتها سرپا ماندن فعلی رژیم صهیونیستی ناشی از حمایت سرمایه‌داران بزرگ و حامیان صهیونیست‌ها در جهان است؛ حتی کمک‌های مالی اعراب سرمایه‌داری که از جمله مخالفان حماس هستند نیز فعلاً به داد این رژیم رسیده است؛ در غیر این صورت رژیم صهیونیستی به سرعت از پا در می‌آید.»

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل منطقه در پایان گفت‌وگو گفت: «امروز رژیم صهیونیستی از لحاظ اقتصادی بسیار به هم ریخته است، ضمن اینکه آقای نتانیاهو نه تنها در بین ساکنان سرزمین‌های اشغالی محبوب نیست، بلکه اکنون به منظورترین شخصیت در طول تاریخ رژیم صهیونیستی نزد صهیونیست‌ها و در بین افکار عمومی جهان تبدیل شده است.»

نمایش هم‌افزایی دیپلماسی و میدان

نوید کمالی

کارشناس مسائل راهبردی

ترور ناجوانمردانه «اسماعیل هنیه» در تهران، نقطه عطفی در جنگ ترکیبی رژیم صهیونیستی علیه ایران و جبهه مقاومت به شمار می‌آید. این حادثه که پس از تحلیف «دکتر مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور جدید کشورمان رخ داد، به هیچ وجه تصادفی نبوده و در راستای اهداف استراتژیک دشمن صهیونیستی علیه مقاومت به سردمداری جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت.

همانگونه که بررسی مواضع اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی غربی و صهیونیستی نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین اهداف این اقدام تروریستی، درگیر کردن دولت جدید ایران با چالش‌های سیاسی و امنیتی از پیش طراحی شده است تا توانایی و تمرکز دولت در رسیدگی به مسائل اولویت‌دار سیاسی و اقتصادی مختل شود و ناتوان از تحقق وعده‌های خود باشد. از این رو، این ترور ابعاد گسترده‌ای دارد که باید با واکنش هوشمندانه و مبتنی بر ظرفیت‌های گوناگون جبهه مقاومت مواجه شود.

در تحلیلی این واقعه تروریستی، ابتدا باید به زمانبندی آن توجه کرد. اجرای این عملیات در شب تحلیف رئیس‌جمهور جدید، به رژیم صهیونیستی این امکان را می‌داد که از تشویش امنیتی و سیاسی احتمالی بهره‌برداری کند. با این حال، واکنش هوشمندانه کشورمان به این رخداد، از جمله پیام‌های سنجیده و حکیمانه رهبری معظم انقلاب و دکتر پزشکیان، نشان داد که این انتظار بیهوده است.

با وجود این، نباید از نظر دور داشت که هدف اصلی این اقدام تروریستی، مشغول کردن

رئیس‌جمهور جدید و دولت او با پیامدهای این ترور و در نتیجه ممانعت از تمرکز آنها بر مسائل حیاتی دیگر است. این امر به استمرار چالش‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و طرح برچسب ناکارآمدی منجر می‌شود و زمینه شکل‌گیری نارضایتی عمومی در کشور را فراهم می‌کند. بر کسی پوشیده نیست که صهیونیست‌ها و هم‌پیمانان پیدا و پنهان آنها مصمم به ممانعت از موفقیت دولت جدید هستند و تحمیل هرگونه عقب‌ماندگی و شکست در پیشبرد وعده‌های دولت جدید را برای خود دستاوردی ارزشمند می‌دانند.

افزون بر این، قمار جدید رژیم صهیونیستی در شکست‌های سنگین این رژیم در جنگ غزه ریشه دارد. کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی، که درگیر جنگی طولانی و فرسایشی است، تلاش می‌کند با وارد کردن مستقیم ایران به این جنگ و استفاده از تریبون‌های جهانی برای جلب حمایت‌های اروپایی و آمریکایی، به انزوای سیاسی خود پایان دهد. دقت کنیم که صهیونیست‌ها می‌دانند جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند یک حمله تروریستی به یک مقام خارجی در خاک خود را بدون پاسخ بگذارد؛ چرا که این اقدام تعرض به حاکمیت و امنیت کشور به شمار می‌آید و بر اساس قواعد بین‌المللی، پاسخ متناسب به این جنایت مشروعیت دارد. از این رو به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی تلاش دارد ایران را به اتخاذ موضعی قابل پیش‌بینی وادار کند تا بتواند شرایط و واکنش‌های بعدی را در چارچوب منافع خود تعیین کند. بنابراین، در پاسخ به جنایت صهیونیست‌ها از جمله ترور اسماعیل هنیه، باید با تکیه بر تدبیر از ظرفیت‌های هوشمند و ترکیبی کشور استفاده کرد.

در ادامه لازم است به ابعاد بین‌المللی این حادثه

تروریستی و ارتباط آن با انتخابات ایالات متحده آمریکا اشاره شود؛ چرا که این ترور بی‌ارتباط با سرنوشت کاخ سفید نیست! «کاملا هریس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا و نامزد انتخابات ریاست جمهوری، تاکنون مواضعی مخالف با دولت کنونی رژیم صهیونیستی به رهبری «بنیامین نتانیاهو» به ویژه درباره جنگ غزه اتخاذ کرده است، اما در فضای انتخاباتی آمریکا و تحت تأثیر لابی‌های صهیونیستی، هرگونه افزایش تنش در غرب آسیا ممکن است او و حزب متبوعش را به حمایت از سیاست‌های جنگ‌طلبانه نتانیاهو وادار کند؛ چرا که حمایت نکردن قاطع از صهیونیست‌ها، آن‌هم در جنگی در مقابل قدرتی، مانند ایران می‌تواند موقعیت سیاسی او را در مقابل رقیب جمهوری خواهش، «دونالد ترامپ» تضعیف کند. در نتیجه، اولین عایدی رژیم صهیونیستی از این ماجرا، افزایش یکپارچگی سیاسی در واشنگتن در حمایت از سیاست‌های جنگ‌طلبانه نتانیاهو خواهد بود. این سناریو برای نتانیاهو وضعیت برد-بردی ایجاد می‌کند؛ چرا که سیاست داخلی آمریکا را با دینامیک‌های منطقه‌ای پیوند می‌دهد و تداوم حمایت‌های داخلی و بین‌المللی را از خود و دولتش تضمین می‌کند!

با توجه به آنچه بیان شد، ترور هنیه یک مانور استراتژیک از سوی نتانیاهو برای کسب حمایت داخلی و بین‌المللی و عبور از وضعیت شکننده فعلی‌اش در فضای سیاسی رژیم صهیونیستی است. این اقدام سیاستمداران آمریکایی مانند هریس را تحت فشار قرار می‌دهد تا با منافع او و حزب جنایتکارش هم‌راستا شوند و موضع جنگ‌طلبانه‌اش را تقویت کنند. این مسئله به خوبی پیوند بین یک حادثه امنیتی منطقه‌ای و سیاست

داخلی ایالات متحده را به مثابه نمونه‌ای از جنگ ترکیبی نشان می‌دهد. در این گونه جنگ‌ها، اقدامات به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که همزمان بر چندین جبهه تأثیرگذار باشند.

از این رو دولت جدید به ریاست دکتر مسعود پزشکیان، در نخستین روزهای خدمت پس از مراسم تحلیف، با وظیفه دشوار تدوین پاسخی در مقابل صهیونیست‌ها مواجه است که هم متناسب و هم مؤثر باشد. در این زمینه، دولت جدید باید از ظرفیت‌های میدان و قدرت ترکیبی آن بهره‌برداری کند. همچنین ضروری است دولت تعلل در معرفی وزیرا را کنار گذاشته و هر چه سریع‌تر کابینه خود را به مجلس معرفی کند تا زمینه تشکیل هیئت دولت جدید فراهم شود. با تشکیل دولت جدید، جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه قدرت سخت‌نیزوهای مسلح، امکان مواجهه کامل با تهدیدات پیش‌رو را خواهد داشت.

همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در پیام خود درباره شهادت اسماعیل هنیه فرمودند، پاسخ ایران به این جنایت قطعی است، اما پر واضح است که این پاسخ صرفاً دیپلماتیک نخواهد بود و از ظرفیت‌های ترکیبی به شکل هوشمندانه استفاده خواهد شد؛ چرا که پاسخ صرفاً دیپلماتیک به جنایتی همچون حادثه تروریستی اخیر، ممکن است موقعیت بازدارندگی کشور را تضعیف کند، لذا راهبرد ایران در پاسخ به این جنایت باید دقیق و ترکیبی از عناصر نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک باشد. این رویکرد می‌تواند شامل اجرای عملیات‌های هدفمند علیه منافع و منابع ارزشمند دشمن، همراه با کمین‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک قوی برای برجسته‌سازی جنایت رژیم و منزوی کردن آن در سطح بین‌المللی باشد.

در بلندمدت نیز کشورمان باید با تقویت روابط با شرکای منطقه‌ای و استفاده از پلتفرم‌های بین‌المللی برای محکومیت سیاست‌های تهاجمی و ضد انسانی رژیم صهیونیستی، می‌تواند به مهار این رژیم در سطح بین‌المللی کمک کند. همچنین، تقویت پیوند بین دیپلماسی و میدان و افزایش سرمایه‌گذاری در توانمندی‌های جنگ نامتقارن، به کشورمان امکان واکنش مؤثرتر به تهدیدات دشمن را بدون توسل به درگیری‌های پرهزینه و کم‌اثر فراهم می‌کند.

همچنین تقویت هماهنگی بیش از پیش بین نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظارتی، می‌تواند خط دفاعی کشور را در برابر تاکتیک‌های جنگ ترکیبی تقویت کند. همزمان ابعاد گوناگون ترور شهید اسماعیل هنیه باید به‌طور ویژه بررسی شود؛ چرا که این ترور یادآور پیچیدگی‌های جنگ‌های ترکیبی عصر جدید است؛ از این رو که در این گونه تهدیدات، عملیات‌های روانی، سیاسی و امنیتی به هم پیوسته و درهم تنیده‌اند.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که ترور شهید اسماعیل هنیه تلاشی حساب‌شده از سوی دشمنی است که هدفش تضعیف ایران و تغییر دینامیک‌های منطقه‌ای به نفع امپال اشغال‌گرایانه‌اش است. نوع و کیفیت واکنش کشورمان به این حادثه، آزمونی حیاتی برای نظام و دولت چهاردهم خواهد بود؛ بنابراین دولت باید با بسیج ظرفیت‌های کشور و تحت هدایت داهیان‌ه رهبری، با اتخاذ رویکردی چندوجهی که آمادگی نظامی را با دیپلماسی هوشمندانه ترکیب می‌کند، به مقابله با دشمن برخیزد و توانایی ایران در پاسخ به تهدیدات را در عین حفظ ثبات داخلی به نمایش بگذارد.

اسماعیل زیر تیغ ترور

مروری بر زندگی مجاهدانه شهیدالقدس، ابوالعبد اسماعیل هنیه

مسیری که روزندگان گردان‌های قسام و رهبران جنبش حماس برگزیده‌اند، مسیر مقاومت و دفاع از وطن تا آخرین قطره خون است. از شیخ احمد یاسین و فتحی شقاقی و محمود المبحوح تا عبدالعزیز رنتیسی و محمد شهاده و یحیی عیاش و صلاح مصطفی و صالح العساروری و حالا اسماعیل هنیه، همه از رهبران حماس هستند که با توپنه صهیونیست‌ها در دهه‌های اخیر ترور شده‌اند.

تفاوت ترور اسماعیل هنیه از آن رو اهمیت دارد که این اقدام نه در فلسطین و لبنان و سوریه، بلکه در پایتخت ایران و چند ساعت پس از تحلیف رئیس‌جمهور جدید کشورمان صورت گرفته است.

در ساعات ابتدایی اباماد روز چهارشنبه هفته گذشته، روابط عمومی کل سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، دکتر «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس و «وسیم ابو شعبان» یکی از محافظان وی در اثر اصابت قرار گرفتن محل اقامت آنان در تهران به شهادت رسیدند. این خبر ناگوار و تلخ که از جنایت جدید رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن در خاک جمهوری اسلامی ایران حکایت داشت، به سرعت با واکنش‌های گسترده جهانی و منطقه‌ای همراه شد.

این اتفاق زمانی رقم خورد که اسماعیل هنیه برای مراسم تحلیف رئیس‌جمهور به ایران آمده بود. این جنایت تروریستی صهیونیست‌ها همانند آنچه در سفارت ایران در سوریه انجام دادند، نشان داد باند تبهکار، قاتل و تروریست صهیونیستی بدون توجه به قواعد و مقررات بین‌المللی برای سرپوش‌گذاران بر شکست‌های خفت‌بار ۹ ماه جنگ در غزه که به قتل عام ده‌ها هزار زن، مرد و کودک فلسطینی منجر شده است، از ارتکاب هیچ اقدام جنایتکارانه‌ای دریغ نمی‌ورزد.

پاسخ سخت و دردناک جبهه مقاومت



ترور چه زمانی شکل می‌گیرد؟ ترور درست در زمانی اتفاق می‌افتد که یک طیف، یک گروه، یک رژیم یا یک فرد با حس درماندگی و سردرگمی راه‌حل برون‌رفت از بحران را در ترور می‌بیند. بنابراین، می‌توان گفت پدیده شوم ترور، رابطه مستقیمی با استیصال و درماندگی بازیگران عرصه سیاست دارد، اما این استیصال، دلیل بر دیوانه‌بازی رژیم صهیونیستی و بی‌خیالی نیروهای مقاومت نمی‌شود. از این رو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه خود آورده است، رژیم صهیونیستی با پاسخ «سخت و دردناک جبهه مقتدر و عظیم مقاومت به‌ویژه ایران اسلامی» مواجه خواهد شد. با توجه به اتفاقات اخیر و شهادت غریبانه «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس جا دارد که سیری بر زندگی شهیدانه این مرد فلسطینی داشته باشیم.

از کودکی تا آغاز تبعید



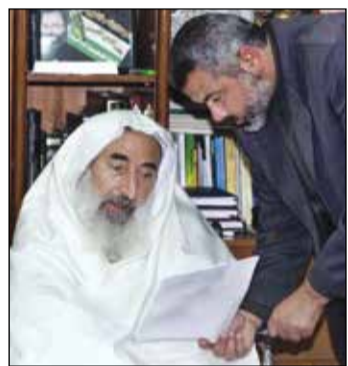
اسماعیل عبدالسلام احمد هنیه (به عربی اسماعیل عبدالسلام احمد هنیة) ملقب به ابوالعبد اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس است که پس از

طراحی و اجرای عملیات طوفان‌الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حمله به رژیم کودکش صهیونیستی به چهره‌های شناخته‌شده‌تر در جهان بدل شد. او که متولد سال ۱۹۶۳ است، مدتی (از ۲۹ مارس ۲۰۰۶ تا ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷) نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطین بوده و از ۶ مه ۲۰۱۷ به عنوان رئیس جدید دفتر حماس، جایگزین «خالد مشعل» شد.

اسماعیل هنیه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در اردوگاه الشاطی در نوار غزه و در مدرسه‌ای در زیرمجموعه «آژانس امدادسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک» گذراند. او همچنین تحصیلات دبیرستان را در دانشسرای دینی الازهر کامل کرد و در سال ۱۹۸۱ برای تحصیل در رشته زبان عرب وارد دانشگاه اسلامی غزه شد.

هنیه که با ورود به دانشگاه به عضویت انجمن اسلامی این دانشگاه در آمده بود، از سال ۱۹۸۳ (تا ۱۹۸۴) عضو شورای دانشجویی دانشگاه شد و از سال ۱۹۸۵ (تا ۱۹۸۶) ریاست شورای دانشجویی دانشگاه را بر عهده داشت؛ فعالیت‌هایی که در ادامه به عضویت وی در گروه‌های مقاومت فلسطینی و در نهایت تبعید وی به همراه ۴۱۵ نفر از رهبران و فعالان حماس و جهاد اسلامی به مرج الزهور در جنوب لبنان منجر شد.

نخستین ترور



اسماعیل هنیه پیشتر هم هدف ترور قرار گرفته بود، از جمله در سال ۲۰۰۳. ترور نافرجامی که خود او این گونه روایت می‌کند: «در تاریخ ۲۰۰۳/۹/۶ م. همراه شیخ احمد یاسین به دیدار دکتر مروان ابوراس رفته بودیم. وقتی ناهار را در منزل ایشان میل کردیم، ناگهان یک هواپیمای اف ۱۶ محلی را که در آن بودیم، بمباران کرد. سقف فرو ریخت و همه جا را آلود و گرد و خاک فرار گرفت. به شکرانه پروردگار موفق شدیم از منزل خارج شویم و خداوند ما و خانواده دکتر ابوراس را نجات داد.»

شهادت بهتر از زندگی



اسماعیل از همان روزهایی که وارد گرد جهاد شده بود، تکلیف همه را مشخص کرده بود. او در جواب تهدیدات مستمر رژیم اشغالگر درباره ترور و حذف گفته بود: «شهادت، در میان ملت ما، نام یک مرحله از زندگی است که همه بچه‌ها و همه جوان‌ها از آن حرف می‌زنند.» این درسی بود که شهید هنیه به بچه‌های خودش هم آموزش داده بود. شاهدش، حرف‌های «حازم» پسر هنیه که در نوجوانی، با جای پای پدر مبارزش گذاشته و گفته بود: «شهادت را دوست دارم. شهادت، بهتر از زندگی است چون راه رسیدن به بهشت است.» عاقبت هم، هر دو به آرزوی‌شان رسیدند؛ پسر، اما زودتر از پدر.

فدای سر فلسطین...

اعضای خانواده شیخ اسماعیل، یکی یکی لباس شهادت پوشیدند، اما بازماندگان هیچ‌وقت حاضر به ترک خانه و کاشانه‌شان نشدند. خاندان هنیه ۶۰ شهید تقدیم راه فلسطین کرده بود، اما همیشه متهم بود. با این حال، مرد همیشه صبور حماس، هرگز لب



به گله و شکایت باز نکرد تا اینکه دست تقدیر الهی، از او اعاده حیثیت کرد. آن هم زمانی که رسانه‌های دست‌پورده صهیونیست‌ها یک‌صدای او شدند که هنیه و خانواده‌اش در خوشی و راحتی زندگی می‌کنند، اما کسی مگر یادش می‌رود آن زمانی را که خبر شهادت سه پسر و سه نوه شهید هنیه در اردوگاه الشاطی در شمال غزه را به او دادند. آن لحظه‌ای که اسماعیل، نگاهش را به زمین دوخته، گوش‌هایش را تیز کرده و منتظر ایستاده تا خبر جدید را بشنود. وسط عیادت از بیماران و مجروحان در روز عید فطر، اطلاع داده‌اند خبر فوری رسیده است. دست‌هایش را در هم قلاب کرده و دل توی دلش نیست که باز قرار است خبر کدام جنایت دشمن ناچوانمرد را به اطلاعاتش برسانند. زبان اطرافیان قفل شده است. انگار کلمه پیدا نمی‌کنند برای شرح آنچه اتفاق افتاده است. هر طور که هست مأموریت انجام می‌شود. با جملات بریده بریده و بعضی‌آلود که خبر شهادت سه پسر و سه نوه مرد را به او ابلاغ می‌کنند، انگار تازه راه نفسش باز می‌شود. گره دستانش باز می‌شود و پاهایش قدرت حرکت پیدا می‌کنند. بی‌آنکه حالت چهره‌اش تغییر کند، سری به رضایت تکان می‌دهد و حلقه اطرافیان را به ادامه برنامه عیادت، تشویق می‌کند. انگار که بگوید: «خبر مهم‌تان، همین بود؟ خبر شهادت بچه‌های من؟ خب، خدا را شکر، فدای سر فلسطین...» مرد با عظمت داستان‌ها، حتی خم به ابرو نیاورد و گفت: «خون فرزندان من، رنگین‌تر از خون کودکان غزه نیست. همه مردم فلسطین، فرزندان‌شان را فدا کرده‌اند، ما هم مثل آنها. خداوند را به خاطر این افتخار که با شهادت پسران و نوه‌هایم نصیب کرد، سپاسگزارم.»

دوری اجباری از فلسطین



اسماعیل در سال ۲۰۱۷ وقتی پا در رکاب ریاست شاخه سیاسی حماس گذاشت، آرام و قرار نداشت و می‌خواست فلسطین را از این گرفتاری که برایش پیش آمده است، نجات دهد؛ از این رو با آرای هم‌زمانش، تصمیم گرفت با سفر به کشورهای مختلف و رایزنی با مقامات بلندپایه، برای گسترش دایره حمایت از فلسطین تلاش کند. مجوز خروج از غزه را چه کسی باید برای او صادر می‌کرد؟ اداره گذرنامه فلسطین؟ نه! او هم مثل تمام ساکنان سرزمین‌های اشغالی، تنها با مجوز دشمن اشغالگر می‌توانست به صورت قانونی از غزه خارج شود! نقل است پاسخ رژیم صهیونیستی به درخواست اجازه‌نامه سفر هنیه این بود: به شرط عدم سفر به تهران!

سفرهای دوره‌های هنیه شروع شد؛ یک روز مالزی، روز دیگر قطر، بعد از آن، روسیه و... در تمام آن روزها سفر به ایران، از برنامه رئیس دفتر سیاسی حماس خارج نشد و عاقبت، یک اتفاق تلخ، باعث شد او تصمیم نهایی را بگیرد. خبر شهادت حاج قاسم سلیمانی که دنیا را تکان داد. اسماعیل هنیه دیگر تردید نکرد؛ خودش را به مراسم تشییع سردار پرافتخار ایران در دانشگاه تهران رساند و شد سخنران اصلی آن مراسم که چشم دوربین‌های تمام رسانه‌های دنیا به آن دوخته شده بود.

سخنرانی رهبر شجاع مقاومت فلسطین در آن روز، به خاطرهای ماندگار در ذهن و قلب ایرانیان شیفته

جبهه مقاومت تبدیل شد؛ آنجا که هنیه از حمایت‌های بی‌دریغ شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی از مقاومت فلسطین گفت و او را سه مرتبه با عنوان: «شهید القدس، شهید القدس، شهید القدس» یاد کرد. آن روی سکه حضور در مراسم تشییع ژنرال پرافتخار جبهه مقاومت و خار چشم صهیونیست‌ها اما برای هنیه، حسایی پررهنه بود. رژیم صهیونیستی اعلام کرد، هرگز اجازه بازگشت به نوار غزه به او داده نخواهد شد و اینطور بود که اسماعیل هنیه، رهبر پرافتخار مقاومت فلسطین، از آن سال، در میان قطر و ترکیه و لبنان بود؛ درست مانند هموطنانش، و در پنج سال آخر عمرش دیگر هرگز نتوانست روی خاک وطنش قدم بگذارد.

تیر خلاص بر پیکر صهیونیست‌ها



اسماعیل دور از وطن بود، ولی مگر می‌شود وطن را از انسان گرفت. کسی که غیرت وطن را دارد، هر کجای دنیا هم که باشد، برای وطنش می‌جنگد و هیچ گاه وطنش را به هوای حمایت غربی‌ها و دشمنان رها نمی‌کند. صهیونیست‌ها خیال می‌کردند با زندان و تبعید، مرد مجاهد فلسطین را مجبور به سکوت و عقب‌نشینی می‌کنند. او آب پاکی را روی دست صهیونیست‌ها ریخت و با صدای بلند اعلام کرد: «رژیم اشغالگر را به رسمیت نمی‌شناسم.»

البته رهبر شجاع آزادگان فلسطینی تیر خلاص را ۱۰ ماه قبل به پیکر رژیم صهیونیستی زد؛ درست بعد از رسانه‌ای شدن خبر عملیات بی‌نظیر طوفان‌الاقصی. تصاویر نفوذ غرورآفرین شیربچه‌های حماس به شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی که روی خروجی خبرگزاری‌های دنیا رفت و کابینه نتایج‌ها در بهشت فرو رفت، نوبت اسماعیل هنیه و یارانش بود که از کیلومترها دورتر، شلیک نهایی را به قلب صهیونیست‌های قاتل انجام دهند. سجده شکر دسته‌جمعی او و همراهانش از جمله «صالح العاروری» بعد از شنیدن خبر اجرای موفقیت‌آمیز عملیات طوفان‌الاقصی، به سرعت در صدر اخبار قرار گرفت و آتش خشم سمران رژیم صهیونیستی را شعله‌ورتر کرد.

صفحات آخر کتاب زندگی «اسماعیل عبدالسلام احمد هنیه» مثل هم‌زمانش، بعد از عمری جهاد و مبارزه خستگی‌ناپذیر، با شهادت رقم خورد؛ همانطور که آرزویش را داشت. شاگردان اسماعیل هنیه خوب بلد بودند که پایان زندگی شهید را به گونه‌ای درست در جهان بازتاب دهند و مشت محکمی بر پوزه سربازان رسانه‌ای صهیونیست‌ها بنوازند. اینطور می‌شود گفت که از اینجای داستان به بعد، پرچم مقاومت را خانواده و شاگردان شهید اسماعیل هنیه بلند کردند.

همین چهار ماه قبل بود که همسر شهید اسماعیل هنیه «ام عبدالسلام» که از مدتی قبل به خاطر بیماری در بیمارستان بستری بود، خبر شهادت سه پسر و سه نوه‌اش را روی تخت بیمارستان از زبان همسرش شنید و گفت: «الحمدلله» و بعد، وضو گرفت و در عمل هم، دورکعت نماز شکر به جا آورد. یا «اینانس» عروس اسماعیل هنیه، در مواجهه با خبر شهادت اسماعیل هنیه خودش را نشکست، بلکه کمر راست کرد و گفت: «ما با قلب‌هایی راضی از قضا و قدر الهی، شهادت مردی را تسلیت می‌گوییم که زمین و آسمان از ذکر خوبی‌هایش پر است و نیازی به معرفی ندارد. از عمومی، پدرم، تاج سرم و نور چشم می‌گویم. از عمومی، ابوالعبد هنیه، که به خیل مجاهدین و صادقیین و نیک‌بختان و به جمیع فرزندان و این خون‌های پاک پیوست. ما چیزی جز آنچه رضای خدا در آن است، بر زبان نمی‌آوریم. چشم‌ها اشک می‌ریزند و دل‌ها غمگینند و ما در فراق تو ای پدر، اندوهگین هستیم. انا لله و انا الیه راجعون. خدایا به ما برای صبر در این مصیبت، اجر بده و جایگزینی بهتر نصب‌مان کن. مصیبت، بزرگ است، اما تسلی ما این است که این دنیا فانی است و دیدار دوباره ما ان‌شاءالله در

بهشت خواهد بود. خداحافظ ای رهبر امت...»

شهادت در پایتخت مقاومت



«چرا ایران؟...» از صبح روز دهم مرداد ۱۴۰۳ که خبر ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، آن هم ساعاتی بعد از شرکت در مراسم تحلیف دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید جمهوری اسلامی ایران منتشر شد، سراسر ایران را شوکی عمیق فرا گرفت. دلدادگان جبهه مقاومت که پس از پنج سال، هنوز در غم شهادت غریبانه و دور از وطن حاج قاسم سلیمانی عزادارند، با چشم‌های اشکبار، مدام زیر لب می‌گفتند: چرا ایران؟ چرا رهبر مقاومت فلسطین، باید دور از سرزمین مادری‌اش و در حالی که مهمان رسمی جمهوری اسلامی ایران بود، به شهادت برسد؟

این سؤال‌ها و شبهات را «خالد صبارنه» خبرنگار فلسطینی، با استدلالی زیبا و قوی جواب می‌دهد و می‌گوید: «به هیچ‌وجه از این ترور متعجب نشدم. به نظر شما انسان‌های شریف و قهرمان اگر در میدان نبرد شهید نشوند، پس کجا باید با مرگ روبه‌رو شوند؟ آیا فکر می‌کردید در خانه‌های‌شان یا اینکه در اماکن نزدیک به رژیم اشغالگر یا آمریکایی‌ها شهید شوند؟ آقای هنیه در یک مکان طبیعی ترور شدند؛ در یکی از میدان‌های نبرد. در کشوری شهید شد که به مدت ۳۰ سال، محاصره است و بهای حمایت از آرمان فلسطین، محور مقاومت و گروه‌های مقاومت فلسطینی را می‌پردازد. بنابراین، تعجب نمی‌کنم که هنیه در تهران شهید شده است. پس کجا باید شهید می‌شد؟ اگر قهرمانان در تهران، یمن و لبنان شهید نشوند، پس کجا باید شهید شوند؟ آیا باید در شهرک‌های آمریکایی کشته شوند؟ او در خط مقدم به شهادت رسید...»

تشییع باشکوه



اینکه ما بخواهیم از خودمان تعریف کنیم، یک مسئله است؛ اما اگر دیگران بگویند مسئله‌ای دیگر به قول شاعر «خوش‌تر آن باشد که سَر دلبران گفته آید در حدیث دیگران». آنچه در روز یازدهم مرداد ۱۴۰۳ در مراسم تشییع شهید اسماعیل هنیه در قلب تهران، پایتخت جمهوری اسلامی ایران رقم خورد، تفسیری جز شکوه و عظمت امت اسلام و محور مقاومت نداشت. خیابان‌های منتهی به میدان انقلاب و دانشگاه تهران لیریز از ایرانی‌های وفادار به جبهه مقاومت و فرماندهان شجاعش شد و دوستان که هیچ دشمنان هم لب به تحسین باز کردند.

تاجایی که خبرنگار صهیونیستی دیگر نتوانست در مقابل عظمت آنچه در جریان بود، سکوت کند. اینجا بود که توتیت کرد: «تصاویر بسیار شگفت‌انگیز است! چون مهم‌ترین رهبر شیعیان جهان در حال اقامه نماز برای عروج روح رهبر سازمان حماس اهل سنت است.»

توتیت دیگر از خبرنگار صهیونیستی این بود: «تشییع جنازه هنیه، هم‌اکنون در تهران. تابوت در پرچم فلسطین پیچیده شده است و (آیت‌الله العظمی) علی‌خانه‌ای بر او نماز می‌خواند. هر جای دیگر ترور می‌شد، اینطور گرامی داشته نمی‌شد!»

آمریکانمی تواند

رژیم صهیونیستی را کنترل کند؟

رنا صارمی

دکترای امنیت ملی



به نظر می‌رسد، «اکاملا هریس» نامزد نهایی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باشد؛ زیرا چند روز پیش مهلت نام‌نویسی کاندیداهای دیگر و فرصت جمع‌آوری امضای حمایت تمام شد و اعضای حزب دموکرات در ۴۸ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا از هریس حمایت کردند. به این ترتیب، هریس باید ظرف روزهای آینده معاون خود را معرفی کند که قاعدتاً نباید زن یا سیاه‌پوست باشد. همچنین هریس سعی می‌کند شخصی را انتخاب کند که در یکی از ایالت‌های نوسانی مسئولیت داشته باشد. ایالت‌های نوسانی شش ایالتی هستند که در دوره‌های گوناگون انتخابات به کاندیداهای دموکرات یا جمهوری خواه رأی دادند. در ۴۴ ایالت باقی مانده حدود بالای ۹۰ درصد مشخص است که مردم به چه حزبی رأی خواهند داد. از میان کاندیداهای گوناگون برای معاونت ریاست جمهوری تقریباً دو نفر شناس

بیشتری دارند. نفر اول «جاش شپیرو» فرماندار ایالت پنسیلوانیا است و نفر بعدی «مارک کلی» سناتور ایالت آریزونا است که هر دو در ایالت‌های مسئولیت دارند که جزء ایالت‌های نوسانی هستند. چهار ایالت دیگر عبارتند از: نوادا، ویسکانسین، میشیگان و جورجیا. شاید مهم‌ترین اتفاقی که ظرف روزهای گذشته در حوزه سیاست خارجی رخ داد و به نوعی انتخابات آمریکا را تحت‌الشعاع قرار داد، ترور مسئول دفتر سیاسی حماس، «شهید اسماعیل هنیه» بود. این اقدام ضربه سختی به سیاست خارجی منفعل آمریکا وارد کرد؛ یعنی درست در زمانی که آمریکا در تلاش بود یک آتش‌بس را در غزه برقرار کند و از جانب حماس هم شهید هنیه بیشترین کوشش را برای این موضوع انجام می‌داد، به ناگاه صهیونیست‌ها او را ترور می‌کنند. این مسئله می‌تواند تمام تلاش‌های دموکرات‌ها را برای جمع‌آوری آرای مسلمانان و اعراب آمریکا نقش بر آب کند. جالب اینجاست که بلینکن و بایدن از موضوع ترور اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و بایدن می‌گوید این ترور کمکی به برقراری آتش‌بس نمی‌کند. در جلسه شورای امنیت هم که به صورت اضطراری به درخواست ایران برای بررسی ترور شهید هنیه تشکیل داده شد، نماینده

آمریکا حاضر به محکوم کردن این اقدام تروریستی نشد. از سوی دیگر، خیلی از کارشناسان امنیتی معتقد هستند اقدامات صهیونیست‌ها بدون هماهنگی با آمریکایی‌ها نبوده است و عده‌ای دیگر در مقابل معتقد هستند نتایج در جریان سفر به آمریکا نتوانست چراغ سبز حمله زمینی به لبنان را بگیرد و از سخنان کاملاً هریس پس از دیدار با نتانیاو که گفته بود من نمی‌توانم در مقابل اقدامات اسرائیل در غزه ساکت بنشینم، ناراضی بود؛ به همین دلیل اقدامات تروریستی را در بیروت و تهران انجام داد تا با گسترش جنگ در منطقه پای آمریکا را به درگیری باز کند و فضا را برای پیروزی ترامپ آماده کند. ترامپ هم بارها اعلام کرده بود که اگر من در قدرت بروم، اجازه نمی‌دم که شکست صهیونیست‌ها در طوفان الاقصی رخ دهد. این ترور زمانی رخ داد که در نظر سنجی‌ها کم‌کم هریس در حال پیشی گرفتن از ترامپ بود. خطر دیگری که حزب دموکرات را در آستانه انتخابات تهدید می‌کند، شکاف عمیقی است که در درون حزب دموکرات به دنبال جنگ غزه رخ داده است. حداقل هفتاد نفر از نمایندگان دموکرات کنگره، از جمله ایلهان عمر، رشیده طلیب، برنی سندرز و الیزابت وارن خواهان این هستند که

بایدن رژیم صهیونیستی را وادار به قبول آتش‌بس کند و اگر رژیم صهیونیستی به این موضوع تن نداد، از طریق قطع کمک‌های تسلیحاتی این کشور را زیر فشار قرار دهند، ولی عملاً این اتفاق رخ نداده است و دولت بایدن نه تنها فشار بر رژیم صهیونیستی را برای قبول آتش‌بس افزایش نداده است؛ بلکه با شدت بیشتری کمک‌های خود را به این رژیم جنایتکار ادامه می‌دهد. به هر حال به نظر می‌رسد آمریکا دیگر قادر نیست نقش خود را به مثابه یک ابرقدرت ادعایی اجرا کند. اگر به تاریخ مراجعه کنیم، در جریان حمله مشترک فرانسه، انگلیس و رژیم صهیونیستی به شبه جزیره سینا و اشغال کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ با فشار شوروی و حمایت آمریکا، این سه کشور مجبور شدند شبه جزیره سینا را تخلیه کنند؛ ولی در حال حاضر طرح‌های آتش‌بس آمریکا یکی پس از دیگری از طرف نتانیاو رد می‌شوند. شاید بهترین جمله درباره حال و احوال آمریکا در این روزها را «رنا ولی نصر» مشاور اوپاما رئیس جمهور سابق آمریکا پس از ترور شهید هنیه گفته باشد. وی در شبکه اجتماعی «ایکس» می‌گوید آمریکا یا نمی‌خواهد یا نمی‌تواند رژیم صهیونیستی را کنترل کند.

فرهنگ در حاشیه

نگاهی به چرایی عدم تمایل به عضویت نمایندگان در کمیسیون فرهنگی



عباس محمدیان
کارشناس مسائل فرهنگی

و دیگر فعالان فرهنگی وجود دارد، نبود یک کمیسیون کارآمد می‌تواند به معنای محقق نشدن اهداف توسعه فرهنگی باشد. ثانیاً، حضور نداشتن نمایندگان متخصص و دغدغه‌مند در کمیسیون فرهنگی به افزایش شکاف میان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و نیازهای واقعی جامعه می‌انجامد. در جامعه‌ای که مسائل فرهنگی ابزار مهمی برای ترویج ارزش‌ها و هویت ملی به شمار می‌آید، چنین شکافی اثرگذاری فرهنگی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. برای ارتقای کارآمدی و اثربخشی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، به تغییرات ساختاری و محتوایی نیاز وجود دارد. در اینجا به برخی از راهکارهای پیشنهادی برای بهبود عملکرد این کمیسیون اشاره می‌کنیم:

بازنگری در سازوکار انتخاب اعضا: برای جذب نمایندگان متخصص و علاقه‌مند به مسائل فرهنگی، باید در فرآیند انتخاب اعضای کمیسیون فرهنگی تجدیدنظر شود. ایجاد مشوق‌هایی برای ترغیب نمایندگان به عضویت در این کمیسیون و تأمین منافع فرهنگی و اجتماعی حوزه‌های انتخابیه می‌تواند کمک‌کننده باشد.

افزایش تعامل با نهادهای فرهنگی و هنری: کمیسیون فرهنگی باید با نهادهای فرهنگی و هنری کشور تعامل بیشتری داشته باشد و از نظرات و دیدگاه‌های آنها در تصمیم‌گیری‌های خود بهره‌برداری کند. این تعامل می‌تواند به افزایش کارآمدی و تأثیرگذاری سیاست‌گذاری‌های فرهنگی منجر شود.

تدوین برنامه‌های جامع و هدفمند: کمیسیون فرهنگی باید برنامه‌های جامع و هدفمندی برای توسعه فرهنگ و هنر کشور تدوین و اجرای آنها را با دقت پیگیری کند. برنامه‌ریزی بلندمدت و ارزیابی مستمر از اجرای برنامه‌ها، می‌تواند به بهبود وضعیت فرهنگی کشور کمک کند.

کاهش موازی‌کاری‌ها و تداخل وظایف: برای جلوگیری از تداخل وظایف و موازی‌کاری‌ها، باید سازوکاری مشخص برای تفکیک وظایف کمیسیون فرهنگی و فراکسیون‌های موضوعی تعیین شود. این اقدام موجب افزایش کارآمدی و کاهش تنش‌های داخلی خواهد شد.

افزایش آگاهی عمومی از اهمیت عرصه فرهنگ: افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت عرصه فرهنگ و نقش آن در توسعه جامعه، به افزایش توجه نمایندگان و مردم به مسائل فرهنگی می‌انجامد. برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و برنامه‌های آموزشی نیز به این هدف کمک خواهد کرد.

ارتقای جایگاه کمیته‌های تخصصی: ارتقای جایگاه و کارکرد کمیته‌های تخصصی کمیسیون فرهنگی توجه بیشتری شود. این کمیته‌ها به منزله بازوهای اجرایی کمیسیون، نقش مهمی در پیگیری موضوعات گوناگون فرهنگی ایفا می‌کنند و به حمایت و پشتیبانی نیاز دارند.

ائتلاف‌های استراتژیک

مروری بر اهمیت توسعه میدان دیپلماسی در دولت چهاردهم



اشکان پیرزاده
کارشناس سیاسی

مراسم تنفیذ حکم رئیس جمهور منتخب در روز یکشنبه، هفتم مرداد ماه با حضور مقامات کشوری، لشکری و میهمانان خارجی در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد و «مسعود پزشکیان» حکم ریاست جمهوری خود را از رهبر معظم انقلاب دریافت کردند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (حفظه‌الله) در قالب توصیه به دولت چهاردهم از تعامل میان قوا، توجه و اولویت قرار داشتن موضوع اقتصاد برای کشور، لزوم برخورد فعال کشور در موضوعات و حوادث بین‌المللی، ارتباط با کشورهای که میدان دیپلماسی ایران را گسترش می‌دهند و توجه به همسایگان، صحبت فرمودند.

با توجه به شکل‌گیری نظم نوین جهانی در عرصه بین‌المللی، تحولات منطقه‌ای و همچنین توصیه‌های رهبر فرزانه انقلاب، ضرورت توسعه میدان دیپلماسی کشور در دولت چهاردهم برای تأمین منافع ملی یک توصیه منطقی و حتی ضروری است. توسعه دیپلماسی ایران با کشورهای آفریقایی و آسیایی فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را برای ایران فراهم خواهد کرد. این روابط موجب افزایش تجارت، صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به منابع جدید مواد خام خواهد شد. همچنین جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجربیات خود در زمینه‌هایی، مانند نفت و گاز، سدسازی، جادسازی و حمل‌ونقل می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های کشورهای آفریقایی و آسیایی کمک کند و آفریقا با داشتن ذخایر عظیم مواد معدنی و منابع کشاورزی به مثابه شریک تجاری استراتژیک برای ایران عمل خواهد کرد. همچنین، با توجه به رشد اقتصادی در برخی از کشورهای آسیایی، ایران می‌تواند از طریق همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، به بازارهای جدیدی دست یابد. توجه به این کشورها می‌تواند به جمهوری اسلامی ایران کمک کند تا تحریم‌های ظالمانه و بی‌اساس غرب را دور بزند و به شبکه‌ای از روابط اقتصادی پایدار دست یابد. این امر می‌تواند به افزایش رفاه اقتصادی و امنیت ملی ایران نیز کمک قابل توجهی کند و در عین حال، به تقویت حضور ایران در عرصه‌های تجارت بین‌المللی منجر شود. بنابراین، توسعه دیپلماسی با کشورهای آفریقایی و آسیایی می‌تواند به منزله یک راهبرد مهم برای تقویت اقتصاد ایران و نیز

مقابله و خنثی‌سازی تحریم‌ها در نظر گرفته شود. در حوزه سیاسی، تقویت روابط با کشورهای آفریقایی و آسیایی می‌تواند به افزایش نفوذ سیاسی ایران در مجامع بین‌المللی کمک کند. این کشورها، که بسیاری از آنها عضو جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ هستند، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی نقش مهمی ایفا کنند و حمایت آنها به تقویت موقعیت ایران در برابر فشارهای بین‌المللی می‌انجامد.

از منظر فرهنگی، تبادل فرهنگی و علمی به افزایش درک متقابل و تقویت پیوندهای بین مردم کشورها منجر خواهد شد و به توسعه همکاری‌های بلندمدت و پایدار می‌انجامد و زمینه‌ساز تبادل دانش و تجربیات در زمینه‌های گوناگون خواهد شد.

از منظر علم و فناوری با تمرکز بر توسعه دیپلماسی علمی به منزله راهبردی منطقی، جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با کشورهای آفریقایی و آسیایی به شریک مطمئنی تبدیل خواهد شد و توسعه روابط علمی برای طرفین دستاوردهای ملموس نیز خواهد داشت. این رویکرد می‌تواند به تبادل دانش و تجربیات، همکاری‌های تحقیقاتی مشترک و دسترسی به بازارهای جدید برای فناوری‌های نوین منجر شود. همچنین، ایجاد شبکه‌های علمی بین‌المللی موجب ارتقای سطح دانش و تخصص محققان طرفین می‌شود و زمینه‌ساز انتقال فناوری و حتی جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای تولیدات علمی نیز خواهد شد. دیپلماسی علمی می‌تواند در حل مشکلات مشترک منطقه‌ای و جهانی، مانند تغییرات آب و هوایی و بیماری‌های همه‌گیر، نقش مهمی ایفا کند و از این طریق، ایران را به یک بازیگر فعال و مسئول در عرصه بین‌المللی بدل کند. افزون بر این، توسعه دیپلماسی علمی نفوذ فرهنگی و علمی ایران را در سطح بین‌المللی افزایش دهد و امکان مشارکت در پروژه‌های بزرگ علمی و فناورانه را فراهم آورد که این موضوع موجب توسعه پایدار و اقتصاد دانش‌بنیان کشور نیز می‌شود. مشارکت و همکاری‌های علمی و فناوری فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی و آسیایی این امکان را دارد که به ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و همکاری‌های چندجانبه طرفین منجر شود. این امر نه تنها برای پیشبرد اهداف علمی و فناورانه، بلکه برای تقویت نقش اساسی ایران در حوزه‌های راهبردی با دیگر کشورها نیز مفید خواهد بود.

۷

دریچه

شماره ۱۱۵۱ | دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳

صداقت

گامی برای افزایش کارآمدی



نوید کمالی
کارشناس مسائل راهبردی

امروزه، با گذشت حدود پنج دهه از پیروزی انقلاب و تجربه استقرار دولت‌هایی با گفتمان‌های گوناگون، دیگر بر کمتر کسی ضرورت ایجاد حکمرانی هوشمند، روزآمد، دانش‌محور و آینده‌نگر، آن هم در راستای حفظ و تأمین منافع ملی پوشیده است.

در این زمینه حتی رهبر معظم انقلاب نیز در خرداد ماه سال گذشته در مراسم خرداد حرم امام راحل با اشاره به ضرورت به‌کارگیری ابزارهای متناسب با زمان برای حل مسائل و چالش‌های روز کشور به این موضوع و ضرورت اشاره داشتند. پر واضح است که این امر مستلزم ایجاد ساختارهایی است که بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تجربی، دولت را در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک یاری دهند.

در این راستا تشکیل معاونت راهبردی ریاست جمهوری و ارتقای مرکز بررسی‌های استراتژیک، به منزله یکی از مهم‌ترین اقدامات مبنایی دکتر مسعود پزشکیان، نقشی کلیدی در ارتقای کارآمدی و چابکی نظام حکمرانی ایفا خواهد کرد، چرا که:

- تقویت حکمرانی هوشمند: معاونت راهبردی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تجربی به ویژه اندیشکده‌ها، نقش مهمی در تحقق حکمرانی هوشمند و آینده‌نگر ایفا خواهد کرد. این امر به عبور از سیاست‌گذاری‌های خلق‌الساعه و تمرکز بر تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و متناسب با تحولات جهانی منجر خواهد شد.
 - بهره‌گیری از نخبگان: ایجاد معاونت راهبردی فرصتی برای استفاده از توانمندی‌های علمی و تخصصی نخبگان جامعه، به ویژه نسل جوان پژوهشگران فراهم می‌آورد. این نخبگان می‌توانند با ایده‌های نوآورانه خود در شناسایی و حل مسائل پیچیده نقش کلیدی داشته باشند.
 - تعامل با اندیشکده‌ها: معاونت راهبردی می‌تواند با برقراری ارتباط نزدیک با اندیشکده‌ها و نهادهای جامعه مدنی، تحلیل‌های به‌دور از سوسوگیری‌های غیر حرفه‌ای و عمیقاً کارشناسی را در حوزه‌های گوناگون دریافت کند و به تصمیم‌گیران ملی ارائه دهد. این امر به اتخاذ سیاست‌های اثربخش و مبتنی بر خرد جمعی نخبگان کشور و تحقق آنچه وفاق ملی نامیده می‌شود، کمک می‌کند.
 - ارتقای کارآمدی دولت: تمرکز بر چابکی و بهره‌وری بهینه از منابع، از طریق جلوگیری از ایجاد ساختارهای جدید و استفاده از ظرفیت‌های موجود کشور، به ویژه نخبگان حاضر در بخش‌های گوناگون حاکمیت، یکی از محورهای کلیدی در تشکیل معاونت راهبردی است که به ارتقای کارآمدی دولت و نظام منجر می‌شود.
 - تطابق با تجربیات جهانی: بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای توسعه‌یافته در استفاده از اندیشکده‌ها و نهادهای راهبردی، به بهبود وضعیت حکمرانی و دستیابی به توسعه پایدار کشور کمک خواهد کرد.
- مسواذ فوق به خوبی نشان می‌دهند تشکیل معاونت راهبردی ریاست جمهوری، گامی اساسی در جهت تقویت توان استراتژیک دولت چهاردهم و ارتقای کارآمدی نظام حکمرانی کشورمان خواهد بود.

پیشخوان

نه مردم به حاکمان



«ایان برمر» کارشناس و تحلیلگر سیاسی مطرح آمریکایی، در یادداشتی برای هفته‌نامه «تایم» می‌نویسد: «در سال جاری، انتخابات‌های متعددی در کشورهای بزرگ برگزار می‌شود و زمان خوبی است که به چگونگی تغییر دموکراسی‌ها نگاه کنیم. اگر فراتر از عملکرد رای دهندگان در اروپا و آمریکا نگاه کنیم، شاهد روند انکارناپذیری هستیم که به وضوح در کانون توجه قرار می‌گیرد: مردم از مدیران فعلی خسته شده‌اند.» این تحلیلگر آمریکایی می‌افزاید: «روند دموکراتیک جهانی در سال جاری، نه قاطع گشتن به وضعیت موجود است. انتخابات فرانسه بیشتر از آنکه پیروزی برای چپ یا راست باشد، رد کردن رئیس‌جمهور منفور، یعنی مکرون بود. در بریتانیا، رای دهندگان به حزب کارگر رای دادند تا به حزب محافظه‌کار که ۱۴ سال قدرت را در دست داشت، «نه» بگویند. در ایالات متحده هم، کمپین بایدن خیلی پیشتر از عملکرد فاجعه‌بارش در مناظره و سو‌قصه به ترامپ، با مشکل جدی مواجه بود. حزب لیبرال کانادا، به رهبری «جاستین ترودو» هم با ۱۸ امتیاز از محافظه‌کاران مخالف عقب‌تر است. محبوبیت «اولاف شولتز» صدراعظم آلمان، از ۷۳ درصد در مارس ۲۰۲۲ به تنها ۲۸ درصد در ژوئن رسیده است. حکمرانان فعلی، صرف‌نظر از اینکه در چه کشوری حکومت می‌کنند، روزگار سختی را می‌گذرانند و آتش خشم رای‌دهندگان همچنان شعله‌ور است.»

بحران بی‌خانمانی



روزنامه آمریکایی «واشنگتن‌پست» در مطلبی به ابعاد جدید بحران بی‌خانمانی در آمریکا اشاره کرده و می‌نویسد: «لوله‌کش، مدیر پیتر افروشی و حتی کارگران کارخانه‌ها و شرکت‌هایی، نظیر آمازون چهره جدید و بعید بی‌خانمانی هستند: آمریکایی‌های شاغل که مشاغل با درآمد مناسب دارند، اما به سادگی نمی‌توانند سرپناهی برای زندگی داشته باشند.» این روزنامه می‌افزاید: «بی‌خانمانی در آمریکا که در سال گذشته به بالاترین حد خود رسیده بود، در میان افراد دارای شغل رو به وخامت می‌رود و بر اساس گفت‌وگو با افراد بی‌سرپناه و افزایش آمار تخلیه منازل به دست پلیس، تهیه مسکن برای کسانی که دستمزد حداقلی می‌گیرند، غیرممکن تر می‌شود. آمارها حاکی از افزایش محسوس بی‌خانمانی در بسیاری از مناطق ایالات متحده است.» در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «سال‌ها افزایش سریع اجاره‌بها و کمبود مسکن مقرون‌به‌صرفه شرایطی را ایجاد کرده که حتی بازار کار قوی و افزایش دستمزدها نتوانسته فشارهای مالی تورم را جبران کند. شاید بی‌خانمانی موضوع اصلی در انتخابات ریاست جمهوری آتی نباشد، اما هزینه‌های بالای مسکن همچنان یکی از علل اصلی ناامیدی آمریکایی‌ها از یک اقتصاد قوی دیگر است. نظرسنجی اخیر سی‌ان‌ان نشان داد، آمریکایی‌ها، هزینه مسکن را بعد از قیمت مواد غذایی و پیش از بنزین، خدمات درمانی و وام‌های دانشجویی مشکل اقتصادی بزرگ پیش روی خانواده‌های‌شان می‌دانند.»

شورش در کاراکاس

نگاهی به نقش ایالات متحده آمریکا در آشوب های ونزوئلا

زهراتوچیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

تنها چند دقیقه پس از اینکه شورای ملی انتخابات ونزوئلا اعلام کرد مردم این کشور «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور کنونی را برای بار سوم و یک دوره شش ساله دیگر برای ریاست جمهوری انتخاب کردند، وزیر خارجه آمریکا «آنتونی بلینکن»، سخنان خود را در نشست کشورهای هند و اقیانوس آرام قطع کرد و گفت: «ایالات متحده نگرانی جدی دارد که نتایج اعلام‌شده منعکس‌کننده آرای مردم ونزوئلا نباشد!»

بحران در خیابان‌های کاراکاس

با وجود آنکه مخالفان، هزاران ناظر را در مراکز رای‌گیری در سراسر این کشور مستقر کرده بودند، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، «ماریا کورینا ماچادو» هم نتیجه را زیر سؤال برد و رقیب مادورو، «گوئزالس» را پیروز انتخابات معرفی کرد. پس از آن بود که هزاران نفر در اعتراض به نتیجه انتخابات به خیابان‌های کاراکاس آمدند. جریان‌های غرب‌گرا و شکست‌خورده در صندوق رأی هم با استناد به یک نظرسنجی، مدعی تقلب در انتخابات شدند و دستور آشوب‌های خیابانی

را صادر کردند. تصاویر منتشرشده از ونزوئلا تیرهایی را نشان می‌دهد که در بزرگراه‌ها به آتش کشیده شده‌اند. در برخی از نقاط شهر، پوسترهای مادورو پاره شده یا به آتش کشیده شده‌اند. معترضان همچنین سطل‌های آشغال را آتش زده‌اند. این تصاویر برای ما خیلی آشناست. طبیعتاً نیروهای امنیتی نیز برای مقابله با آشوب‌طلبان در خیابان‌ها حضور پیدا کرده‌اند و خیابان‌های کاراکاس به میدان درگیری و جنگ تبدیل شده است.

ردپای همیشگی آمریکا

بیش از یک قرن، هدف ثابت سیاست آمریکا در قبال ونزوئلا را بهربرداری از منابع عظیم نفتی این کشور آمریکای جنوبی تشکیل می‌داد. در همین راستا، واشنگتن در میانه‌های قرن بیستم از یک دیکتاتور سرکوبگر دیگر به نام «مارکوس پرز جیمینز» (۱۹۴۸-۱۹۵۸) حمایت کرد. چند سال پس از اینکه ونزوئلا در سال ۱۹۵۸ به سمت دموکراسی روی آورد، بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی تحت حاکمیت دیکتاتورهای مورد حمایت آمریکا قرار داشتند؛ اما پس از انتخاب «هوگو چاوز» در سال ۱۹۹۸ و متعاقب آن، آغاز انقلاب بولیواری بود که مداخله واشنگتن در این کشور اوج گرفت. دولت «جرج دبلیو بوش»، که چاوز در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد او را «شیطان»

نامید، از یک کودتای نظامی نافرجام علیه چاوز در سال ۲۰۰۲ حمایت کرد. باراک اوباما به سیاست بوش برای دیوسازی از چاوز ادامه داد و دولت او را «مستبد» خواند. در سال ۲۰۱۵، اوباما ونزوئلا را در فهرست کشورهای امنیتی قرار داد که «تهدید جدی فوق‌العاده برای امنیت ملی» ایالات متحده ایجاد می‌کنند. ترامپ در جولای ۲۰۱۷، پس از پیروزی مادورو در انتخابات، تحریم‌های اقتصادی جدیدی علیه ونزوئلا اعلام کرد. در حالی که مادورو قول داد انقلاب بولیواری را ادامه دهد، دولت ترامپ ونزوئلا را به حمله نظامی تهدید کرد؛ اما مهم‌ترین اقدام ترامپ تلاش برای راه‌اندازی کودتا علیه دولت مادورو در سال ۲۰۱۹ بود. در بحبوحه اعتراض‌های خیابانی که فضای سیاسی-اجتماعی ونزوئلا را به شدت متشنج کرده بود، «خوان گویبدو» رئیس مجلس ملی وقت، پس از متهم کردن مادورو به تقلب در انتخابات و غضب قوه مجریه، خود را رئیس‌جمهوری موقت معرفی کرد. عملیات گویبدو با حمایت ترامپ و سازمان‌های آمریکایی انجام شد که به دنبال مشروعیت بخشیدن به این سیاستمدار مخالف دولت بودند. آمریکا و کشورهای غربی بلافاصله دولت خودخوانده گویبدو را به رسمیت شناختند. با این حال چند روز بعدتر، مادورو اعلام کرد کودتا علیه دولت شکست خورده است.

بلیط‌های سوخته

پایگاه خبری «ژئوپلیتیکال اکونومی» در گزارشی فاش کرد: «نظرسنجی بعد از انتخابات که ادعا پیروزی جریان‌های مخالف را دارد، از طرف مؤسسه‌ای طراحی شده که ارتباط نزدیکی با دولت آمریکا و سازمان سیا دارد و برای تبلیغات رسانه‌ای دولت این کشور فعالیت می‌کند.» بنا بر این گزارش، این مؤسسه که با عنوان «ادیسون ریسرچ» فعالیت می‌کند، پیش از این نیز در ناآرامی‌های اوکراین، گرجستان و عراق فعالیت داشته است. این مؤسسه که مقر آن در نیوجرسی آمریکاست، هم‌زمان با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا مدعی شد، یک نظرسنجی انجام داده که نشان می‌دهد «ادموندو گونزالس» نامزد احزاب راست‌گرا و تحت حمایت آمریکا و کشورهای غربی ۶۲ آرا کسب کرده و «نیکلاس مادورو»، نامزد احزاب چپ‌گرا ۳۱ درصد آرا کسب کرده است. کودتای شکست‌خورده آمریکا در ونزوئلا در سال ۲۰۱۹، اضمحلال قدرت نرم آمریکا در دنیا بود؛ چرا که نشان داد واشنگتن برخلاف گذشته، قادر به دیدن کردن خواست خود در آمریکای لاتین، جایی که قبلاً آن را جزه قلمرو نفوذ خود قلمداد می‌کرد، نیست. این بار هم به زعم تحلیلگران مسائل بین‌الملل، روسیاهی به زغال می‌ماند و بعید است پروژه آمریکایی (تقلب در انتخابات) به ثمر بنشیند.

پنجره

بحران مهاجرین

نقض گسترده حقوق انسانی پناهجویان در کشورهای اروپایی

مرزی‌نمی‌دهند.

گزارش آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا (FRA) نشان داد، ارباب و ترس از انتقام در برابر رویه‌های پناهندگی مهاجران، بسیاری از آنها را از گزارش سوء استفاده‌ها و بدرفتاری‌ها علیه خود باز می‌دارد. در برخی کشورها، مانند قبرس برای طرح ادعایی که مقامات آن را نادرست بدانند، جریمه‌های مالی در نظر گرفته شده و این موضوعات آنها را از صحبت کردن در این باره منصرف می‌کند.

این گزارش همچنین خاطر نشان کرد، پس از صحبت با پناهندگان آفریقایی در ۱۳ کشور عضو به این نتیجه رسیده که حوادث نژادپرستانه در این کشورها به ندرت ثبت می‌شود؛ زیرا مهاجران معتقد هستند: «هیچ چیز تغییر نخواهد کرد.»

سال گذشته، گزارش مشابهی از کمیته پیشگیری از شکنجه (GPT) شورای اروپا، برهنه کردن، ضرب و شتم و بازداشت‌های طولانی مدت مهاجران را مورد توجه قرار داد. در ماه ژوئن (خرداد)، تحقیقات بی‌بی‌سی نیز نشان داد، گارد ساحلی یونانی طی سه سال، با وادار کردن پناهجویان به بازگشت به دریا، موجب کشته شدن دست‌کم ۴۰ پناهجو بوده و ۹ نفر را عمداً به آب پرتاب کرده است.

گزارش جدید آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا (FRA)، وضعیت پناهندگان و پناهجویان در مرزهای این اتحادیه را نقد کرد و نوشت: «پناهجویان در کشورهای اروپایی به طور گسترده در معرض رفتارهای نژادپرستانه نیروهای امنیت مرزی قرار گرفته و دولت‌های عضو این اتحادیه به ندرت چنین تخلفاتی را بررسی می‌کنند.»

این گزارش فاش کرد: «مهاجران و پناهندگان به طور گسترده در معرض رفتار تحقیرآمیز نیروهای امنیتی مرزی کشورهای عضو قرار می‌گیرند. ترس و ارباب از مجازات مانع از گزارش بدرفتاری نسبت به پناهندگان می‌شود.» این گزارش که بر کشورهای مرزی در بالکان و مدیترانه متمرکز شده است، اذعان کرد: «یونان، مجارستان و کرواسی سه کشوری هستند که حوادث بدرفتاری و تلفات جانی پناهندگان را در طول مدیریت مرزهای خود بررسی نکرده‌اند.»

این مطالعه همچنین نشان داد، این کشورها با وجود «ادعاهای معتبر» درباره بدرفتاری با پناهندگان و مهاجران، نه تنها هیچ‌گونه تلاشی برای یافتن قربانیان و شاهدان و شنیدن ادعاهای آنها انجام ندهاده‌اند، بلکه مانع کار و کلاس شده و به آنها اجازه دسترسی به شواهد کلیدی [مانند فیلم‌های نظارت

تحلیل

قدرت‌ناکافی

آمریکا دیگر توانایی جنگ در چند جبهه را ندارد

توصیه نشان‌دهنده تناقض مستقیم با راهبرد دوران ترامپ است که از ارتش آمریکا خواسته بود تمرکز خود را بیشتر بر ایندو و سیفیک (کشورهای میان دو منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام) متمرکز کند.

طبق این مقاله، کمیسیون راهبرد دفاع ملی در گزارش خود تأکید کرد: «از آنجایی که استراتژی دفاعی دولت بایدن عمدتاً قبل از جنگ میان روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ (اسفند ۱۴۰۰) و بسیار پیشتر از جنگ اسرائیل در غزه نوشته شده بود، استراتژی آمریکا برای مقابله با تهدیدهای فزاینده در اروپا و خاورمیانه «ناکافی» است. نیروهای مشترک نظامی آمریکا در حال حاضر در نقطه شکست قرار دارد و افزودن بار نظامی بیشتر بر روی ارتش، بدون افزودن منابع برای بازسازی آمادگی آن، به شکست‌های متعدد منجر می‌شود.» طبق نتایج به دست آمده از تحقیقات این کمیسیون، ارتش آمریکا توانایی و ظرفیت لازم را برای اطمینان از اینکه می‌تواند در جنگی بازدارنده بوده و پیروز شود، ندارد. این کمیسیون همچنین از پنتاگون و کاخ سفید خواست تا دستورالعمل‌های عملیاتی ارتش آمریکا برای مقابله با همکاری‌های روزافزون چین و روسیه را بررسی کنند.

ردپای واشنگتن

«الکسی ولوتسکوف» عضو هیئت نظارت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا گفت: «اعتراضات بعد از انتخابات در کاراکاس، قطعاً توسط آمریکا تأمین مالی شده، چرا که واشنگتن همواره از اپوزیسیون این کشور حمایت کرده است.» وی که عضو مجلس عوام روسیه است، افزود: «ما از نزدیک شاهد بودیم که معترضان با یک پلیس موتورسیکلت سوار درگیر شدند و موتور او را گرفتند. این امر ثابت می‌کند شورشیان تلاش می‌کنند منافع اقتصادی کسب کنند. زورگیری و سرقت با حمایت‌ها، شعارها و تأمین منابع مالی از سوی آمریکا، که در ونزوئلا ممنوعت دارد و از مخالفان و شورشیان حمایت می‌کند، چیزی نیست که بتوان آن را مخفی کرد.»



تحریم المپیک

در پی تمسخر مسیحیان در مراسم افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس، «سهاک ماشالیان» اسقف اعظم ارمنی، خواستار تحریم این بازی‌ها شد. به گزارش خبرگزاری «تاس»، این اسقف مسیحی ضمن محکوم کردن تمسخر مسیح (ع) و مسیحیان اعلام کرد، المپیک دیگر نمادی از صلح نیست و رویکرد این مسابقات ضد مسیح و مسیحیت است، اما جامعه مسیحیت در مقابل این بی‌احترامی‌ها و اهانت سکوت کرده است. سهاک ماشالیان همگان را به خداوند یکتا قسم داد و درخواست کرد تا پیروان مسیح سکوت خود را بشکنند و اعتراض خود را نشان دهند. وی افزود: «من اعتراضم را به کمیته اجرای بازی‌های المپیک ارسال خواهم کرد.»



فقط دیپلماسی

«ودانت پاتل» معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در پاسخ به پرسشی درباره روی کار آمدن پزشکیان و تغییر روابط واشنگتن و تهران، گفت: «ما انتظار نداریم که انتخاب رئیس‌جمهور جدید به تغییرات اساسی در جهت‌گیری ایران منجر شود. رویکرد ما تغییر نکرده است. ما دیپلماسی را بهترین راه برای دستیابی به یک راه‌حل مؤثر و پایدار برای برنامه هسته‌ای ایران می‌دانیم. هیچ چیزی در مورد این انتخابات، این رویکرد را تغییر نداده است. در حال حاضر، از مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران بسیار فاصله داریم. دیپلماسی با ایران در مواردی نتیجه مثبت داشته است. سال گذشته دیپلماسی به آزادی شهروندان آمریکایی زندانی در ایران منجر شد.»



وزیر باید سیاست گذار خوبی باشد



گروه اقتصاد

صبح صادق

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس گفت: «با کمی تدبیر متوجه می‌شویم صرف جوان‌گرایی راهکار حل مشکلات نیست. در تمام دنیا سیاست‌گذاری در سطوح بالای تصمیم‌گیری بر عهده افراد با تجربه و کاردان است. اصولاً همواره تصمیمات بزرگ و مهم را به افراد با تجربه، با سابقه، کارکننده و کاردان می‌سپارند و جوانان را برای پست‌هایی، مانند مدیر کل به کار می‌گیرند که از نیروی جوانی و انرژی آنها برای کارهایی استفاده شود که نیازمند پیگیری است.»

«مرتضی عزتی» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره ارزیابی انتخاب وزرا در پاسخ به این پرسش که مؤلفه‌های مهم در انتخاب کابینه آقای پزشکیان را چه عواملی می‌دانید، گفت: «ارزیابی وزرا موضوع بسیار مهمی است که نباید در آن کمترین غفلتی صورت بگیرد، چرا که فرصتی برای آزمون و خطا نداریم و برنامه‌ریزی‌ها و انتخاب‌ها باید کاملاً علمی و اصولی باشد.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «رئیس جمهور منتخب مردم باید توانمندی‌های وزرا را در نظر بگیرد، اما اصلی‌ترین موضوعی که باید در دستور کار رئیس جمهور قرار گیرد، توانمندی علمی و داشتن درک درستی از مسائل جامعه، چرایی رسیدن کشور به وضعیت اقتصادی کنونی حتی در سایر حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و... است. بنابراین، توانمندی علمی، تخصص و درک درست و ارزیابی صحیح از وضعیت موجود یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انتخاب رئیس جمهور به شمار می‌رود.»

وی در این باره مثال‌های زد و گفت: «اگر آقای پزشکیان اینگونه عنوان می‌کند که علمی برخورد کردن با مسائل راهکار رفع چالش‌ها و معضلات است، مسائل را باید به گونه‌ای پیش ببرند که علم در آنها نقش داشته باشد.»

مرتضی عزتی در این باره تصریح کرد: «به این معنا که رئیس جمهور باید در انتخاب وزرا و مدیران ارشد کشور توانایی علمی بالاتر را لحاظ کنند؛ یعنی کسانی به عنوان وزیر برگزیده معرفی شوند که می‌توانند با شناخت ساختارهای موجود جامعه با استفاده از توانایی علمی خود مشکلات را رفع کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس درباره انتخاب‌هایی که هیچ‌گاه درست نبوده نیز گفت: «اینکه فلان شخص در این دولت یا آن دولت چند سال وزیر بوده، کفایت نمی‌کند و نباید ملاک انتخاب و معرفی وزرا باشد. برای موفقیت در هر کاری باید درست برنامه‌ریزی کنیم و زحمت آن را نیز متقبل شویم. اینجا نیز درست کار کردن داشتن ارزیابی درست از رزومه و سوابق افراد است.»

عزتی معتقد است: «رئیس جمهور در انتخاب وزرا باید به این نکته دقت داشته باشد کسانی را روی کار بیاورد که توانایی علمی برای اجرای سیاست‌های مناسب را دارند. چالش‌ها و معضلات کشور امروز به قدری آشکار است که برای پیدا کردن آن کسی به سختی نمی‌افتد، یعنی همه چیز هویدا است ضمن اینکه شناختن روابط و وزارتخانه نیز سخت نیست.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «برای نمونه اینکه بگوییم فلان فرد دو دوره مدیر یا وزیر بوده و وزارتخانه را به خوبی می‌شناسد، کافی نیست. در وضعیت فعلی کشور شناخت از وزارتخانه برای معرفی یک وزیر کافی نیست،

به ویژه در بخش اقتصاد و بخش خصوصی با تمرکز بر روابط تولید در بخش خصوصی، صرف داشتن تجربه حضور در وزارتخانه برای تصدی مسئولیت یک وزارتخانه کفایت نمی‌کند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است: «در صورتی که وزیر پیشنهادی موارد اشاره شده را به خوبی بشناسد و برای توفیق هر یک از محورهای یاد شده برنامه داشته باشد و سیاست‌گذاری مناسبی در دستور کار قرار دهد که به رشد بخش خصوصی و رونق و رشد اقتصادی منجر شود، چنین انتخابی درست است.»

وی در این باره تصریح کرد: «وزیری باید راهی وزارتخانه‌های اقتصادی شود که به بخش خصوصی فرصت حضور و عرض اندام در فضای اقتصادی کشور را بدهد. در وضعیت کنونی، شناخت بخش خصوصی مهم‌تر از داشتن تجربه پست و مقام دولتی است.»

این اقتصاددان بیان داشت: «همه می‌دانیم وزارتخانه ساختاری دارد و بر آن اساس کار خود را انجام می‌دهد، لذا وزیر انتخاب شده در همان ساختار و چارچوب کار می‌کند؛ اما مسئله مهم سیاست‌گذاری برای رشد و توسعه اقتصادی است، پس وزیر باید سیاست‌گذار خوبی باشد تا نابسامانی‌ها را رفع و اقتصاد را در بهترین شکل ممکن مدیریت کند.»

این استاد اقتصاد با توجه دادن رئیس جمهور به اینکه باید به رزومه مدیران به‌خصوص در بخش اقتصادی توجه شود، گفت: «برای نمونه، معیار انتخاب وزرای اقتصادی باید رشد اقتصادی باشد. اگر وزیری داریم که با سیاست‌گذاری‌های درست زمینه‌ساز رشد‌های اقتصادی خوب بوده، نه رشد‌های ساختگی، شایسته انتخاب شدن است.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی معتقد



است: «وزیری که در دوره‌های پیشین مدیریت توانسته رشد ۸ درصدی ایجاد کند و عامل حل مشکلات عدیده اقتصاد بوده می‌تواند وزیر شود، پس رئیس جمهور در انتخاب وزرا باید چنین معیارهایی را لحاظ کند. به‌صرف اینکه کسی قبلاً وزیر بوده، اما عملکرد موفق نداشته، چنین فردی ارزش تکرار دوباره و وزیر شدن ندارد.»

وی در ادامه بحث درباره موضوع جوان‌گرایی کابینه نیز گفت: «جوان بودن کابینه تا هیچ مزیتی برای وضعیت فعلی ما ندارد. با کمی تدبیر متوجه می‌شویم صرف جوان‌گرایی راهکار حل مشکلات نیست. در تمام دنیا سیاست‌گذاری در سطوح بالای تصمیم‌گیری بر عهده افراد با تجربه و کاردان است. اصولاً همواره تصمیمات بزرگ و مهم را به افراد با تجربه، با سابقه، کارکننده و کاردان می‌سپارند و جوانان را برای پست‌هایی، مانند مدیر کل به کار می‌گیرند که از نیروی جوانی و انرژی آنها برای کارهایی استفاده شود که نیازمند پیگیری است.»

مرتضی عزتی گفت: «جوان‌گرایی در بخش‌هایی، مانند نظارت بر روند اجرای یک پروژه باید پیاده شود، اما در رده‌های بالای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری جوان‌گرایی معنا ندارد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است: «هیچ جای دنیا جوان‌گرایی را که در فرهنگ سیاسی ما جا افتاده، اعمال نمی‌کنند. به بیان بهتر، جوان‌گرایی که طی سال‌های اخیر مطرح شده و مسئولان را به آن وادار کرده‌اند، سیاست انحرافی است که به انحراف در تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود. متأسفانه، برخی با اهداف خاص این مطالب را در دهان مقامات و مسئولان گذاشته‌اند؛ در حالی که به هیچ وجه برای سیاست‌گذاری بزرگ و کارهایی که نیازمند تأمل و تدبیر بیشتر است، جوان‌گرایی معنا ندارد.»

یادداشت

شناخت دقیق مشکلات و ظرفیت‌ها

جعفر قادری

کارشناس اقتصادی



انتخاب وزرا از جمله موضوعات مهمی است که طی روزهای گذشته خبرساز شده و نظرهای گوناگونی درباره این موضوع ارائه شده است تا رئیس جمهور در انتخاب و معرفی وزرا ملاحظات لازم را مد نظر قرار دهد. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، انتخاب افرادی کاردان و وظیفه‌شناس، متعهد و متخصص در اموری است که برعهده آنها گذاشته می‌شود.

چالش‌های اقتصادی کشور محصول تجمع سوء مدیریت‌ها و تحریم‌هاست. حل مشکلات معیشتی و اقتصادی جامعه امروز ضرورتی انکارناپذیر است و بخش قابل توجهی از خواسته و مطالبه مردم به شمار می‌آید. مشکلات و معضلات اقتصادی به خودی خود حل نمی‌شوند، بلکه با تدبیر، اتخاذ و اعمال راهکارهای درست و سیاست‌گذاری‌های مناسب مرتفع می‌شوند. آقای پزشکیان به ویژه در حوزه وزرای اقتصادی باید نسبت به این موضوع دقت نظر لازم را داشته باشد تا پاسخ درخور و درستی به خواسته‌های مردم - که بخش اعظم آنها خواهان کاهش نرخ تورم هستند - داده شود. با اینکه مسئله استفاده از جوانان در عرصه‌های مدیریتی کشور امری خوب است، اما باید به این نکته توجه کرد که نباید برخی مسائل به دولت تحمیل شود.

گفتنی است، در سطوح کلان مدیریتی برای رتق و فتق امور و فائق آمدن بر چالش‌هایی که متأسفانه کهنه‌شده و بخش‌های گوناگون اقتصادی را از خود متأثر کرده‌اند، باید راهکارها و انتخاب‌هایی درست، مانند مدیرانی مجرب و متخصص و آشنا به امور کشور داشت. آشنایی مدیران مجرب و کاردان با اولویت‌های کشور، به ویژه در بخش اقتصادی موضوع بسیار مهمی است که نباید از دید رئیس جمهور مغفول بماند. وزرایی که با ظرفیت‌های کشور، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی از نزدیک آشنا باشند، ضمن اینکه برای آزمون و خطا راهی وزارتخانه‌ها نشده باشند و با توجه به نجارب درست و غلطی که طی سال‌های گذشته داشته‌ایم، راه درستی را از بیراهه تشخیص دهند، بی‌تردید این نوع انتخاب می‌تواند امیدواری نسبت به حل مشکلات را افزایش دهد. در غیر این صورت ناامیدی نسبت به حل مشکلات جامعه، به ویژه در بخش اقتصادی معضل آفرین می‌شود. مدیرانی باید راهی وزارتخانه‌ها و نهادهای اقتصادی و صنعتی کشور شوند که برای کارکردن و رشد اقتصادی مسئولیت را پذیرفته باشند. این مدیران باید بدانند مشکلات اساسی مانند تورم، رشد نقدینگی، حمایت از تولید و جهش تولید و زمینه‌سازی برای رشد اقتصادی باید اولویت کاری باشد. ضمن اینکه حل تورم موضوع بسیار مهمی است. رئیس جمهور در جریان رقابت‌های انتخاباتی خود به این موضوع اشاره کردند و شاهد بودند که سایر نامزدهای انتخاباتی نیز مشکل تورم در اقتصاد ایران را معضلی بزرگ با اساسی‌ترین چالش کشور می‌دانند که افزون بر تحت‌الشعاع قرار دادن معیشت مردم، تولید را تضعیف کرده است. حل تورم یک اولویت مهم است، چرا که با رفع تورم هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و زمینه‌های رشد اقتصادی، رفاه خانوار با ایجاد اشتغال در بخش‌های مولد کشور فراهم می‌شود. آنچه در این خصوص حائز اهمیت است، انتخاب وزرا و مدیرانی است که با مسائل کشور آشنا باشند و دردمند و دغدغه‌مند. در این صورت مردم نسبت به رفع مشکلات در میان‌مدت مطمئن می‌شوند ضمن اینکه در هنگامه امیدواری در حل مشکلات دوشادوش دولت همکاری‌های لازم را خواهند داشت.

افزوده

قرارداد سلف

یکی از انواع حواله، «قرارداد سلف» است. در قرارداد سلف، فروشنده متعهد می‌شود یک کالا را با قیمتی مشخص و در زمان تعیین شده در آینده به خریدار تحویل دهد. مبلغ معامله و قیمت کالا نیز در زمان عقد قرارداد مشخص شده و خریدار تمامی آن را در زمان عقد قرارداد به فروشنده پرداخت می‌کند. به عبارت دیگر، در قرارداد سلف، فروشنده محصول خود را با دریافت بهای آن، به خریدار پیش‌فروش می‌کند. بنگاه‌های اقتصادی با هدف تأمین مالی و دولت با هدف جبران کسری بودجه می‌توانند از قراردادهای سلف استفاده کنند.



شاخص

بدهی ۳۵ تریلیون دلاری

داده‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد، بدهی دولت این کشور در ۲۶ ژوئیه برای اولین بار در تاریخ ایالات متحده به رکورد ۳۵/۰۰۱ تریلیون دلار رسیده است. بدهی دولت آمریکا دو بخش دارد؛ بخش درون‌دولتی و بخش عمومی که حجم آنها در ژوئیه ۲۰۲۴ به ترتیب به ۷/۲ تریلیون دلار و ۲۷/۸ تریلیون دلار رسید. بخش اول به دلیل بدهی ایالات متحده به نهادهای دولتی داخلی، مانند صندوق‌های بازنشستگی به وجود آمده است. بخش دوم مربوط به بدهی این کشور به دولت‌های خارجی، افراد، شرکت‌ها و سیستم فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) می‌شود.



منهای نفت

صادرات میلیون دلاری

بنا بر گفته رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان گیاهان دارویی، کل گردش مالی سالانه گیاهان دارویی ۱۳۰ میلیارد دلار اعلام شده و برآوردها حاکی از آن است که گردش مالی گیاهان دارویی تا سال ۲۰۵۰ به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد. در حال حاضر، سهم ما با همین تنوع و کیفیت گیاهان دارویی کمتر از نیم درصد است؛ اما با ایجاد زنجیره ارزش حداقل می‌توانیم ۱۰ درصد گردش مالی دنیا، معادل ۱۳ میلیارد دلار داشته باشیم. بنا بر آمار سالانه، کل صادرات گیاهان دارویی ۶۰۰ میلیون دلار است که از این مقدار ۳۰۰ میلیون دلار زعفران و مابقی گیاهان دارویی است.



مردم باید انتخاب کنند!

سیر تدوین قانون اساسی در دست مردم - ۷

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام (ره) علیه عملکرد این جریان‌ها در یک سال گذشته از انقلاب افشاکاری می‌کنند و با اشاره به تداوم فتنه‌گری‌ها هشدار می‌دهد: «الآن هم مایوس نیستند، آنها که نگذارند این رئیس جمهور که، مردم خودشان باید تعیین کنند، نگذارند تعیین بشود. ۱۲۴ نفر بیایند و داوطلب بشوند برای رئیس جمهور، معلوم است معنایش چیست. ۱۲۴ نفری که مردم اکثرشان را نمی‌شناسند. شاید ده تا شان را بیشتر مردم نشناسند... این خودش یک نحوه اخلاقی است که در یک کشور، صد و بیست و چند نفر، اینها داوطلب بشوند.» از همین رو کمیته نظارت بر تبلیغات انتخاباتی با همکاری وزارت کشور با کسب اجازه از امام (ره)، صلاحیت نامزدها را بررسی کرد و به استناد مدارک موجود در سفارت آمریکا در یک مرحله ۷۳ نفر از دور رقابت‌های انتخاباتی کنار رفتند. برخی از نامزدها نیز انصراف داده و در نهایت وزارت کشور در مجموع ده نفر را به‌عنوان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اول معرفی کرد که عبارت بودند از: ۱- جلال‌الدین فارسی، ۲- ابوالحسن بنی‌صدر، ۳- صادق قطب‌زاده، ۴- دریاوار سیداحمد مدنی، ۵- کاظم سامی، ۶- مسعود رجوی، ۷- صادق طباطبایی، ۸- داریوش فروهر، ۹- حسن ابراهیم حبیبی و ۱۰- محمد مکرری.

حضرت امام (ره) در رهنمودهای شان استمرار نهضت را به شرکت در انتخابات دانستند و این ملت بودند که با لبیک به امام (ره) پای صندوق‌های رأی آمدند. اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ مقرر برگزار شد. برای این انتخابات حدود ۲۰ هزار شعبه اخذ رأی در نظر گرفته شده بود که ۱۶۵۱ شعبه در تهران و مابقی در سایر استان‌ها قرار داشت. در نهایت، از میان ۲۰ میلیون و ۹۹۳ هزار و ۶۴۳ نفر واجد شرایط، ۱۴ میلیون و ۱۵۲ هزار و ۸۸۷ نفر در انتخابات شرکت کردند و آقای ابوالحسن بنی‌صدر با کسب ۱۰ میلیون و ۷۵۳ هزار و ۷۵۲ رأی (۶۷.۴ درصد آرا) اولین رئیس جمهور ایران شد. در این انتخابات، میزان مشارکت حدود ۷۰ درصد بود که در نوع خود کم‌نظیر بوده و از حضور مردم در پای کار نظام جمهوری اسلامی حکایت داشت.



از طرفی شناسایی بیش از ۱۲۰ نفر محتاج به زمانی طولانی است و تأخیر در این حال استثنایی به صلاح ملت و کشور نیست، به این جهت و جهات دیگر اینجانب امر صلاحیت و انتخاب را به ملت واگذار نمودم که خود سرنوشت خود را تعیین کنند.» وزارت کشور پس از اعلام نظر امام خمینی (ره) اسامی ۱۰۶ نفر را از میان ۱۲۴ نفر نامزد اعلام کرد. در این اعلامیه اعلام شده بود، ۱۸ نفر به دلیل همکاری با حکومت گذشته، ساواک و مخدوش بودن شناسنامه و سوابق کفبری یا مخدوش بودن سن از فهرست نامزدهای انتخاباتی حذف شدند. در این زمان، مهم‌ترین نگرانی حضرت امام (ره) در انتخابات، تلاش جریان‌های ضدانقلاب وابسته به بیگانه است تا روند مردم‌سالاری را در این کشور مخدوش کنند و حضور پرشور و آگاهانه ملت را تحت تأثیر قرار دهند. این از رو در دیدار با

جمهوری، شورای نگهبانی شکل نگرفته بود که ناظر بر انتخابات باشد، لذا مطابق قانون در این شرایط نظارت بر انتخابات در اختیار رهبری قرار داشت. در مهلت رسمی تعیین شده برای نام‌نویسی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، ۱۲۴ نفر تقاضای خود را مبنی بر نامزدی اعلام کردند. حضرت امام (ره) در ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸ پیام مهمی درباره فرآیند تأیید و رد صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری صادر و این امر مهم را به مردم واگذار کردند. در بخشی از این پیام تاریخی آمده است: «با اینکه در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت، تصدیق صلاحیت رئیس جمهور و واجد بودن شرایط او به عهده اینجانب است، به واسطه بعضی مصالح و جهات لازم‌المرامه، از آن جمله وضع استثنایی که کشور دارد، لازم است در این امر مهم حیاتی تأخیر نشود.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

یکی از جلوه‌های مرام مردم‌سالارانه حضرت امام (ره) را می‌توان در انتخاب مسئولان کشور با رأی مردم دنبال کرد. حضرت امام (ره) به شدت خواهان نقش‌آفرینی مردم در انتخابات بودند و جزء مشوقان ردیف اول ملت قرار داشتند و همه تلاش خود را کردند تا تکلیف متولیان قوه مجریه و مقننه در اسرع وقت به دست مردم تعیین شود. انتخابات ریاست جمهوری، اولین انتخاباتی بود که پس از رسمیت یافتن قانون اساسی و مطابق با آن برگزار می‌شد. طبیعی بود که مردم باید به میدان می‌آمدند و آن کسی را که مطلوب خود بود، برمی‌گزیدند. این انتخابات می‌توانست نماد برجسته‌ای در فضای بین‌المللی برای مردم‌سالار بودن نظام اسلامی باشد. به همین دلیل، حضرت امام (ره) تأکید داشتند این انتخابات نیز همچون دیگر عرصه‌های حضور مردم، با حضور حداکثری همراه باشد.

با استعفای دولت موقت، مسئولیت برگزاری انتخابات به شورای انقلاب و وزارت کشور منسوب آن سپرده شد. در جهت اجرایی کردن فرآیند انتخابات ریاست جمهوری شورای انقلاب در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۵۸، «لایحه قانونی انتخاب اولین رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران» را به تصویب رساند. بر اساس اطلاع وزارت کشور، انتخابات در روز پنجم بهمن ۱۳۵۸ برگزار می‌شد و زمان آغاز نام‌نویسی کاندیداهای ریاست جمهوری ۱ دی ۱۳۵۸ اعلام شده بود و داوطلبان فرصت داشتند تا تاریخ هشتم دی ۱۳۵۸ با مراجعه به وزارت کشور درخواست خود مبنی بر نامزدی انتخابات را اعلام کنند. اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط مشخصی را برای رئیس جمهور تعیین می‌کند و مقرر می‌دارد: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

در جریان برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست

تقویم انقلاب

منافقین در کنار صدام



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

تقویم تاریخ انقلاب اسلامی گواهی می‌دهد که در بهار سال ۱۳۶۱ مناطق اشغال شده به دست رژیم متجاوز بعث حاکم بر عراق یکی پس از دیگری آزاد می‌شد و به موازات آن هم نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی به سازمان منافقین خلق - که مکمل صدام در داخل کشور عمل می‌کرد - ضربات کاری وارد می‌کردند. گفتنی است، در طول سال ۱۳۶۰، منافقین در داخل کشور مرتب درصدد ضربه زدن به جمهوری اسلامی بودند و در کسب اطلاعات و انجام عملیات دست برتر را داشتند. «سردار محسن رضایی» فرمانده کل سپاه وقت که با حفظ سمت مسئولیت اطلاعات سپاه را هم عهده‌دار بود، در کتاب خاطراتش در این باره آورده است: «سازمان منافقین پیچیده‌ترین سازمانی بود که اطلاعات سپاه با آن مواجه می‌شد؛ زیرا آنها خودشان را بسا محیط فرهنگی ایران تطبیق داده بودند، مذهبی‌ها را می‌شناختند و خودشان سال‌ها در میان مذهبی‌ها زندگی کرده بودند و بعضاً پدر و مادرهای شان مذهبی بودند. از طرف دیگر، قبل از انقلاب تجربه مبارزه را داشتند و آن را بعد از انقلاب به کار می‌گرفتند.» با همه سختی‌هایی که وجود داشت، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی نظام جمهوری اسلامی هم در طول سال ۶۰ روند رو به رشدی را طی کرده بودند؛ به گونه‌ای که پس از ضربه ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۰ به خانه تیمی که موسی خیابانی و دیگران در آن کشته شدند، ابتکار عمل را به دست گرفتند و در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ ضربه سنگین دیگری به سیستم منافقین وارد کردند. آنها به طور قاطع دست برتر را داشتند و در ادامه پس از آذاسازی خرمشهر عملیات سنگین دیگری در ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ انجام دادند و چنان ضربه‌ای وارد کردند که سردار محسن رضایی در این باره می‌گوید: «سال ۱۳۶۱ [منافقین] از امکان براندازی جمهوری اسلامی بود.» در واقع، سازمان منافقین به این نتیجه رسیدند که براندازی جمهوری اسلامی ایران کار ساده‌ای نیست و باید از کشور خارج شوند و به اصطلاح خودشان استراتژی خروج از ایران را در دستور کار قرار دهند. این گروهک تروریستی با این راهبرد بیشتر نیروهایش را به بیرون از ایران برد تا در چارچوب قدرت‌های بین‌المللی علیه ایران برنامه‌ریزی کنند. آماده‌ترین موقعیت بین‌المللی برای آنها قرار گرفتن در کنار صدام و رژیم بعث حاکم بر عراق بود. بر همین اساس، «مسعود رجوی» به بغداد رفت و با صدام وارد گفت‌وگو شد و با دولت رژیم بعث حاکم بر عراق توافق‌نامه همکاری امضا کرد. البته بخشی از نیروهای سازمان منافقین در ایران برای عملیات‌های نفوذی مانده بودند که پس از آن توافق‌نامه در جمع‌آوری اطلاعات و در امور جاسوسی برای ارتش متجاوز بعث فعال شدند و سعی کردند برای ایران و نیروهای رزمنده مشکلاتی به وجود آورند؛ از جمله اینکه آنها اطلاعات زیادی از داخل ایران به پشت جبهه می‌بردند و به ارتش بعث عراق منتقل می‌کردند. به این ترتیب امکان اطلاعاتی فوق‌العاده‌ای به نفع عراق فراهم شده بود؛ یعنی درگیری نیروهای سپاه و بسیج از خیابان‌های تهران به میدان نبرد و جبهه و جنگ کشیده شده بود و آنها در داخل هم نقش ستون پنجم را ایفا می‌کردند.

حافظه

استعمار غیر مستقیم

مروری بر چرایی دست کشیدن بریتانیا از استعمار مستقیم

مستقیم مستعمرات دست بردارند. به هر حال، حاصل بیش از چهار سده استعمار، ثروتی بود که برای این جزیره به همراه داشت. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحلیلی به این مهم چنین اشاره می‌کنند: «ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به‌دست آورد و توانست به وسیله آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، به‌خاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره هند به‌دست آورده بودند؛ شبه قاره هند و کشور سیام سابق و بقیه کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه بسیار پر ثروتی بود - مثل یک انار آلبومبونی فشرودند و همه رفت توی خزانه دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمی‌شود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خوب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا می‌کند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام می‌داند، استثمار را گناه می‌داند، غارت را ممنوع می‌داند، غصب را حرام می‌داند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع می‌داند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد.»

در نیمه دوم قرن بیستم و در راستای فرآیند مستعمره‌زدایی قدرت‌های اروپایی، بیشتر مستعمرات و مناطق تحت سیطره امپراتوری بریتانیا استقلال یافتند. این فرآیند با بازگشت هنگ کنگ به چین در سال ۱۹۹۷ به پایان رسید. بسیاری از مستعمرات سابق امپراتوری، پس از استقلال به عضویت اتحادیه کشورهای همسود بریتانیا درآمدند. شانزده کشور، عضو اتحادیه «قلمروهای هم‌سود» نامیده می‌شوند که در آنها ملکه الیزابت دوم، ریاست دولت را به عهده دارد. چهارده سرزمین هنوز به طور مستقیم تحت حاکمیت دولت بریتانیا هستند که به آنها «سرزمین‌های فرادریایی بریتانیا» می‌گویند. این سرزمین‌ها تنها باقی‌مانده‌های امپراتوری بریتانیا هستند که به استقلال نرسیده‌اند یا به ماندن جزء سرزمین‌های بریتانیا رأی داده‌اند. مساحت تخمینی این سرزمین‌ها ۶۶۷۰۰۱۸ مایل مربع و جمعیت تخمینی آن ۲۶۰ هزار نفر است.

بریتانیا در مستعمرات آفریقایی خود تا آخرین نفس در مقابل جنبش‌های استقلال‌طلبانه مقاومت کرد. تلاش برای سرکوب جنبش «ماتو مانو» در کنیا طی دهه ۱۹۵۰، از نمونه‌های این برخورد هاست. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، زمانی که سیاستمداران بریتانیایی دریافتند که توانایی مالی و نظامی حفظ مستعمرات خود را در آفریقا ندارند، تصمیم گرفتند از حاکمیت

دهلیز

تداوم فلاکت

نگاهی به وضعیت کشور پس از سقوط دیکتاتور اول پهلوی

زمامداران جدید گرچه خود را دلسوز ملت نشان می‌دادند، در واقع همان دست‌نشاندهگان سیاست انگلیس بودند؛ چنانکه با امضای پیمان سه‌جانبه‌ای که به امضای اسمیرنوف سفیر شوروی، بولارد وزیر مختار انگلیس و علی سبیلی وزیر خارجه ایران رسید، این زمامداران عملاً به متفقین جنگ پیوستند و با این تعامل خود، باعث شدند اشغالگران کشور، دوست، هم‌پیمان و متحد کشور معرفی شوند. در مقابل، روس و انگلیس متعهد شدند استقلال و تمامیت ارضی ایران را محترم بدارند. فروغی که در این بین نقش واسطه را برعهده داشت، پس از انجام نمود و در هیجدهم اسفند ۱۳۲۰ علی سبیلی جای او را گرفت. قحطی و گرسنگی، شیوع انواع بیماری‌ها - از جمله تیفوس - و ناامنی مردم را به ستوه آورده بود. ارتش شاهنشاهی، علی‌رغم تمهیداتی که رضاخان برای آن تدارک دیده بود، فرو ریخت. دولت اجازه یافت اسکناس منتشر کند؛ اما آن را در اختیار متفقین قرار داد تا به جای غارت آشکار مایحتاج مردم، هر چه را که می‌خواهند با پرداخت پول در اختیار گیرند. محافظت راه‌ها و وسایل نقلیه را اشغالگران متفق به‌عهده گرفتند. تنها راه خشکی که شوروی را به متفقین غربی پیوند می‌داد، ایران بود؛ اما استالین و مولوتوف از حضور ارتش سرخ در ایران منظور دیگری نیز داشتند و آن راه‌یابی به قیانوس هند بود.»



سرنوشت نظام سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه با پریشانی‌های بسیاری رقم خورد و در فاصله کوتاهی به تغییر خاندان سلطنت و برقراری حکومت استبداد پهلوی انجامید. مردم ایران هنوز طعم حکومت مشروطه را نچشیده بودند که ناخواسته درگیر مشکلات و عوارض جنگ جهانی شدند. فقر عمومی، ناامنی گسترده، مداخلات بیگانگان، تهدید استقلال و تمامیت ارضی کشور، اختلاف و دوستی نخبگان سیاسی، تحولات جهانی و زمینه‌های نابسامانی داخلی، سرانجام قدرت را از احمدشاه قاجار گرفت و به دست رضاخان میرپنج سپرد. رضاخان تنها نظام مشروطه سلطنتی را استحکام و قوام بخشید، بلکه بی‌سابقه‌ترین دیکتاتوری تاریخ ایران را عملی کرد. پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، حکومت رضاخان نیز به پایان رسید و پسر ارشد او - البته پس از رضایت اشغالگران - بر تخت پادشاهی تکیه زد.

«دکتر جلال‌الدین مدنی» نویسنده کتاب تاریخ معاصر ایران در توصیف دوران آغازین حکومت یافتن محمد رضا پهلوی می‌نویسد: «مردم فریاد انتقام از عاملان فجایع دوره گذشته را اسر دادند. به آنان قول داده شد حقوق‌های ضایع شده جبران خواهد گردید و همچنین وعده محاکمه جنایتکاران، استرداد املاک غصب شده و نیز رعایت قانون اساسی داده شد و بدین‌سان فضای پر تلاطم کشور را برای پذیرش سلطنت جدید مهیا ساختند.

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۹

رابطه فرد و اجتماع

مسعود پور فرد

کارشناس سیاسی

شهیدسیدمحمدباقر صدر وقتی می‌خواهد رابطه فرد و اجتماع را تبیین کند، ابتدا به کنش و واکنش های انسان‌ها توجه دارد و رفتارها را به سه شکل مطرح می‌کند:

یک- عمل طبیعی که علت فاعلی تعیین‌کننده اصلی است(تک‌بعدی)؛ دو- عمل فردی که افزون بر علت فاعلی، علت غایی نیز دارد، چون از اراده سر می‌زند، هدف به خصوصی دارد(دو بعدی است)؛

سه- عمل اجتماعی که دارای علت فاعلی و هم علت غایی و هدفدار است و نیز علت مادی یا علت تأثیری نیز دارد(در واقع، سه بعدی است). مطابق با این دسته‌بندی، عملی که بعد سوم را پیدا کند، عمل اجتماعی اطلاق می‌شود. شهید صدر پس از طرح این موضوع، به این مطلب اشاره می‌کند که در بحث جامعه ما یک وجود داریم با دو شان و دو چهره؛ یک شئانیت و چهره فردی و دیگری شئانیت و چهره اجتماعی که با استفاده از نظریه ملاحظه‌در بحث نفس انسان^(۱) این موضوع را مطرح می‌کند. همین چهره دوم «امت یا جامعه» را می‌سازد. پس در اینجا ما دو وجود مستقل به نام «فرد» و «جامعه» نداریم که بخواهیم توجه کنیم کدام یک اصالت دارند؟ فرد یا جامعه؟ بلکه یک وجود داریم با دو چهره؛ یکی چهره فردی و دیگری اجتماعی که در سراسر حیات بشری در جریان است و از آن به نظریه «المثل الاعلی» تعبیر کرده است. در ادامه می‌گوید آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» مقصود از تغییر «بأنفسهم»، تعبیر به محتوای درونی خودقوم می‌کند؛ زیرا تغییر یک فرد یا دو فرد یا سه فرد مشکل اساسی «تغییر ما بالقوم» را حل نمی‌کند.^(۲)

آنچه اهمیت دارد، چهره اجتماعی است، پس یک وجود با دو شئانیت را می‌پذیرد. از نظر صدر، درست است که جامعه از افراد تشکیل می‌شود و دارای وجدان و اراده و خواست مستقل از افراد است که بر افراد اعمال می‌کند؛ ولی استقلال نسبی افراد محفوظ است. بنابراین، فرد می‌تواند جامعه خودش را عوض کند و نیز فرد می‌تواند با وجود مسیر و جریان جامعه در جهت خلاف آن حرکت کند. این همان مسئله‌ای است که انسان در مقابل جبر جامعه، آزادی و استقلال‌اش در حد زیادی محفوظ است. با این مباحث، ویژگی‌ها و عناصر جامعه از نظر صدر را می‌توان این گونه احصا کرد:

- جامعه کامل بر اساس مبانی فکری آرمانی و عقیدتی خاصی است.
- جامعه دارای تولد خاصی است که با شئانیت امتی (اجتماعی) به وجود می‌آید و دارای حیات است.
- جامعه حرکت و پویایی دارد.
- سنن الهی بر جامعه و حرکت آن، یعنی تاریخ حکومت دارد.
- این سنن حوزه بسیار گسترده و هماهنگ با آزادی و اختیار انسان دارد.
- جامعه دارای اجل یا مرگ (حیات اجتماعی)، یعنی مرگ چهره امتی افراد است.
- جامعه دارای احضار جمعی تا روابط ناحق به حق برگردد، تعبیر به روز نقابن شده است.
- هر جامعه‌ای کارنامه عمل مخصوصی دارد.

سیدمحمدباقر صدر عناصر جامعه را براساس آیه خلافت توضیح و تبیین می‌کند؛ یک- انسان؛ دو- طبیعت و سه- پیوند با استخلاف.

منابع در دفتر نشریه موجود است.



پاسخ سخت عاقلانه است؟

ترور یک مقام رسمی با گذرنامه دیپلماتیک در تهران با محکومیت‌های گسترده جهانی مواجه است و بسیاری از رهبران کشورهای جهان این اقدام صهیونیست‌ها را به شدت محکوم کرده و بعضاً این کار را «نفرت‌انگیز»، «دامن زدن به ناآرامی‌ها»، «حماقتی که می‌تواند کل منطقه را به آتش بکشد» و «بازی با آتش» خوانده‌اند! صرف محکوم کردن وی‌بی‌پاسخ گذاشتن این مسئله همان برنامه عاقلانه‌ای است که از ما انتظار می‌رود یا باید در مقابل این موضوع پاسخ سخت داده شود؟ اصل مطلب این است که درباره این موضوع دو دیدگاه حاکم است: یک طیف که می‌گویند دشمن هر غلطی کرد، نباید پاسخ داد که این وجه هیچ معقولیت دینی، اجتماعی و عقلانی ندارد؛ چرا که دشمن را جری‌تر و خط‌جولان آن را در کشور وسیع‌تر می‌کند. این گروه همان افرادی هستند که زمانی مقامات رژیم صهیونیستی درباره آنها گفته بودند بهترین سرمایه‌های اسرائیل در ایران هستند! اما باز آمریکا و آن چند کشور غربی از حمایت از صهیونیست‌ها سخن گفته‌اند.

طیف دومی هم دیده می‌شود که معتقدند، بلافاصله پس از حمله دشمن باید تل‌آویو و حیفا و مراکز هسته‌ای و نظامی آن را آماج حملات موشکی و پهپادی قرار داد و نگران پیامدهای آن هم نبود. ما هم می‌دانیم موضع‌گیری این طیف از سر غیرت و وطن‌پرستی است، اما معقول نیست؛ چون هیچانی و احساسی است و احساس هم بعد از مدتی می‌خوابد، اما چه باید کرد؟

به قطع و یقین این بار و بنابر فرمان رهبر معظم انقلاب مبنی بر خون‌خواهی از میهمان باید انتقام گرفت؛ البته انتقام با حساب و کتاب و سنجیدن همه شرایط. نباید بدون محاسبه و در نظر گرفتن همه جوانب دل به دریا زد. این‌جا زمان هم

احسان بهاری

کارشناس سیاسی

در بخشی از اطلاعیه شماره ۲ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پس از شهادت «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس آمده است: «بی‌تردید این جنایت رژیم صهیونیستی با پاسخ سخت و دردناک جبهه مقتدر و عظیم مقاومت، به‌ویژه ایران اسلامی مواجه و برکات مجاهدت‌های شهید القدس دکتر اسماعیل هنیه در دفاع از آرمان و حقوق ملت فلسطین یاری‌بخش آنان خواهد بود.» این «پاسخ سخت» برگرفته از پیام رهبر معظم انقلاب است که فرمودند: «ما در این حادثه تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او (اسماعیل هنیه) را وظیفه خود می‌دانیم.»

هدف از آوردن این مقدمه پاسخ دادن به این پرسش است که آیا وقتی از پاسخ سخت صحبت می‌کنیم، از یک امر احساسی صحبت می‌کنیم؟ یا اینکه این موضوع فراتر از احساسات و عقلانیت محض است؟

هر چند انتقام در ساختار مقابله به مثل و عدالت تقابلی، حقی ثابت است که عقل فطری و نقل و حیوانی آن را می‌فهمد و امضا می‌کند و عاقلان و مؤمنان به آن ایمان و گرایش دارند و انجام می‌دهند. «انتقام» یک سنن الهی در ساختار نظام احسن است که مبتنی بر عدالت است و همان‌گونه که خدا انتقام می‌گیرد، مردمان نیز از این حق الهی برخوردار هستند تا در چارچوب عدالت انتقام بگیرند و مجرم را کیفر دهند.

با این حال، موضوعی که این روزها آب و تاب رسانه‌ای به خود گرفته، این است که با وجود اینکه

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۱۰۰

هنر بصیرت‌افزایی

امیرقلی‌زاده

کارشناس سیاسی

بشر در طول تاریخ حیات اجتماعی‌اش هیچ وقت بدون هنر زندگی نکرده و هنر از آغاز زندگی تا به امروز همچنان با او همراه او بوده است. به عبارت دیگر، از زمانی که انسان را می‌شناسیم، به همان میزان هنر را در کنار او می‌بینیم. هنرمند نیز مانند هر انسانی در جامعه زندگی می‌کند و با بقیه مردم به زندگی روزانه‌اش مشغول است و فرقی با دیگر افراد ندارد؛ اما دو تفاوت اساسی در این موضوع وجود دارد که هنرمند را از دیگر افراد جامعه شاخص‌تر می‌کند. یکی ابزار کار و زبان بیانی او و دیگری حساسیتش نسبت به پدیده‌ها و اتفاقاتی که دور و برش می‌افتد و نسبت به آن واکنش و رویکردی متفاوت با دیگر افراد دارد و با استفاده از خلاقیت، استعداد و ذوقش این واقعیت را به اثر هنری تبدیل می‌کند. وقتی که مسائل و موضوعات گوناگون در قالب هنر جای گرفت، می‌تواند تأثیر آن از خود واقعیت زیباتر و بیشتر و بهتر باشد. با توجه به همین ویژگی‌ها با اینکه جهاد تبیین برای همه مردم لازم است، هنرمدان هم به طور قابل توجهی مورد خطاب برای جهاد تبیین هستند.

استفاده از قالب‌های هنری در تبیین و تبلیغ مسائل مبتلا به جامعه سبب مزیت تبیین می‌شود و ضمن افزایش اثرگذاری بیشتر، ماندگاری تبیین را نیز بالا می‌برد. قالب‌های هنری در فراگیری و سرعت انتقال داده‌های تبیینی نیز نقش دارند. همچنین هزینه پایین انتقال پیام به مخاطبان را می‌توان از دیگر مزایای مهم تبیین با بهره‌گیری

مهم است. نباید این انتقام دیر گرفته شود. شاید برای درک این موضوع، بهتر باشد از دریچه نگاه آن مسئولانی به موضوع نگاه کنیم که اداره امور مربوطه در دست‌شان است. آنها قطعاً از من و شما و هر کارشناس دور از گودی به امور واردترند و چم و خم کار را بهتر می‌دانند. هم واقعاً کارشناسند و هم اطلاعات و دانش کافی را در اختیار دارند. ما مطلع شدیم در این یک هفته‌ای که گذشت، با دقت و وسواس مشغول بررسی شرایط برای یافتن بهترین راه برای گرفتن انتقام‌بوده‌اند.

این روزها گزارش‌هایی که از رسانه‌های عبری‌زبان و به صورت روزانه به بیرون درز می‌کند، نشان می‌دهد، صهیونیست‌ها در شرایط بسیار پیچیده، سخت و بی‌سابقه‌ای هستند. تعداد این گزارش‌های رسمی آقدر زیاد است که دنبال کردن همه آنها، سرگیجه می‌آورد! خلاصه و چکیده این گزارش‌ها این است که در پی تنش‌های بین رژیم صهیونیستی و ایران، فروش گسترده سرمایه‌گذاران موجب سقوط بورس تل‌آویو شده است. تا جایی که ۴۵ هزار پروژه تجاری زیان دیده است و کارخانه‌های آمونیاک‌سازی و مواد شیمیایی در شمال فلسطین اشغالی به سبب ترس از حملات موشکی از سوی حزب‌الله متوقف شده‌اند. همچنین سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی پنجشنبه شب از آماده‌باش کامل ارتش این رژیم از بیم حملات محور مقاومت خبر داد و فرودگاه‌های خطوط هوایی بین‌المللی ترجیح دادند به دنبال تشدید تنش‌ها و افزایش نگرانی‌های امنیتی، کلیه پروازهای خود به مقصد این رژیم را لغو کنند.

نکته مهم این روزها این است که باید نسبت به شایعه و اخبار دروغ آگاهی کامل‌تری پیدا

آفاق

نسبت مصلحت با تفکر انقلابی - ۲۲

مانع سکولاریته

بگیرند که در آن هنگام بنا به تشخیص ولی فقیه جامع‌الشرایط، این احکام بسیار مهم بر احکام دیگر مقدم می‌شوند و این در ذات فقه شیعه وجود داشته و مسئله‌ای نو پدید نیست. در مسئله مصلحت‌نظام

با وضعیت‌هایی مواجه می‌شویم که دفاع از نظام و حفظ آن متوقف بر امری است که اگر نادیده گرفته شود، اصل و اساس نظام به خطر می‌افتد. مانند هنگامی که جامعه اسلامی مجبور باشد به منظور دفاع از حق کارگران که بخش عظیمی از کشور را تشکیل می‌دهند، کارفرما را بر خلاف احکام اسلامی به رعایت برخی شرایط، همچون حق بیمه مجبور بکند. این وضعیت نه تنها به سکولار شدن فقه منجر نمی‌شود، بلکه حاکی از توانایی فقه اسلامی بر مدیریت وضعیت‌های بغرنج است.

البته تشخیص بغرنج بودن و اضطراری بودن یک وضعیت هم باید ضابطه‌مند و قانونی باشد، والا شاهد روند عرفی شدن دین خواهیم بود.

به طور خلاصه باید گفت، عرفی شدن و سکولار شدن فقه به این معناست که فقه در مواجهه با اتفاقات زمانه و مسائل نوپدید، به تدریج از ضوابط و چارچوب‌های خود کوتاه‌آمده و به روندهای عرفی و مصلحت‌سنجی‌های بی‌قاعده و خارج از ضابطه تن دهد. چنین حالتی فقه را از مدیریت روابط اجتماعی به عقب می‌راند و آنچه از دین باقی می‌ماند، همان احکام فردی همچون نماز و روزه است. در چنین وضعیت، با جامعه‌ای مواجه می‌شویم که بهترین قرائت‌ها را برای نماز دارد و با شکوه‌ترین مساجد را می‌سازد، اما سنگین‌ترین پیمان‌های اقتصادی و سیاسی را با طاغوت می‌بندد؛ همان طاغوتی که خداوند در قرآن به مبارزه با آن دستور داده است.

محمد رضا ملایی

پژوهشگر اندیشه

سیاسی



در ادامه مباحث گذشته، طرح این پرسش راه‌گشای مباحث آتی است که احکام حکومتی که بر مبنای مصلحت اسلام و نظام صادر می‌شود، چه کارکردی دارد؟ این پرسش از این نظر مهم است که برخی از روشنفکران معتقدند، ولایت فقیه با مصلحت‌اندیشی و صدور حکم حکومتی بر مبنای مصلحت، عملاً فقه شیعه را وارد فرآیند عرفی‌سازی کرده و روند سکولاریزاسیون فقه شیعه را تسریع می‌کند.

مهم‌ترین اشکال ادعای فوق، تلقی نادرست از کارکرد احکام حکومتی است که بر مبنای مصلحت نظام و اسلام و مسلمانان صادر می‌شود. همانطور که گذشت، مصلحت در حکمرانی دینی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون‌شان یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمی‌شود با شیوه‌های سیاسی – شیوه‌های سیاست‌گران و سیاستمداران – در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا.»

نکته گرام

اصلاح خلیل، نویسنده معروف عرب- صهیونیست: اسماعیل هنیه در مذاکرات آتش‌بس، نقش «منحصر به فردی» داشت که بخش نظامی حماس را به توافق و تبادل اسرا نزدیک می‌کرد. حذف وی، دقیقاً در راستای توقف عملی مذاکرات، عدم بازگشت گروگان‌ها و تداوم جنگ غزه است. نتایج‌ها به دنبال تداوم جنگ غزه است.

داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه: شهادت اسماعیل هنیه و پیش از ۶۰ نفر از اعضای خانواده وی در کنار چهل هزار شهید فلسطینی دیگر پس از عملیات طوفان الاقصی، ضامن پیروزی قاطع مردم مظلوم ولی مقتدر فلسطین و اعتلای پرچم جبهه مقاومت خواهد بود.

مرتضی غرقی، فعال رسانه: ناوهای آمریکایی در منطقه در حمایت از رژیم صهیونیستی در حال جنگ و دندان نشان دادن به نیروهای مقاومت هستند، ممکن است نیروهای مقاومت در اقدامی تلافی جویانه، این ناوها را هدف قرار دهند، آمریکا تاکنون هزینه حمایت از رژیم صهیونیستی را پرداخت نکرده، این موضوع شاید آمریکا را بیدار کند.

محمد رضا عارف، معاون اول رئیس جمهور: جلسات تعیین و معرفی کابینه در حال انجام است و ان‌شاءالله امیدوار هستیم قبل از اینکه به ضرب الاجل قانونی برسیم، آقای رئیس جمهور کابینه را که از افراد شایسته خواهند بود، معرفی کند و در این بین شایستگی افراد اولویت اصلی است.

سیدعباس عراقچی، دبیر شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران:

شهادت رهبر شجاع فلسطین، جناب آقای اسماعیل هنیه، در اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی را به ملت بزرگ فلسطین و همه مبارزان جبهه مقاومت تسلیت می‌گویم. بدون تردید، رژیم اشغالگر تاوان سنگینی پس خواهد داد و البته به هدف شوم خود برای سدن کرد راه دولت در ابتدای شروع به کار نخواهد رسید.

علی باقری کنی، سرپرست وزارت امور خارجه: ترور بردلانه رهبر پرافتخار مقاومت فلسطین، اسماعیل هنیه، یار دیرین شهید قدس، سپهبد حاج قاسم سلیمانی، مردم و مقاومت قهرمان فلسطین، جهان اسلام و همه انسان‌های آزادی‌خواه را در مسیر پر عزت جهاد علیه اشغالگری و نسل‌کشی، مصمم‌تر خواهد کرد.

سیدعباس صالحی، نماینده ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات: آقای پزشک‌کیان در دو سخنرانی تفهیم و تحلیف به خوبی نشان داد که می‌تواند نقطه‌های اشتراک جناح‌های سیاسی را حداکثری ببیند و بازگو کند. بخش مهمی از توفیق دولت وفاق، در دیدن همین نقطه‌های مشترک است. ادبیات همدلی را توسعه دهیم.

سراج میردامادی، فعال فضای مجازی: «برتراند راسل» فیلسوف مشهور بریتانیایی در نامه‌ای پیش از مرگش ۱۹۷۰: «ترژدی مردم فلسطین این است که قدرتهای خارجی کشورشان را به ملت دیگری دادند تا دولت جدیدی تاسیس کنند و نتیجه این شد که صدها هزار فلسطینی بیگناه به پناهجو به سایر کشورهای همسایه تبدیل شدند که با هر بحران جدید فقط آمار این پناهجویان افزایش پیدا می‌کند. دنیا تا کی باید این نمایش ظالمانه را تحمل کند؟»

غزال دانش بنیان‌ها

غزال و یونیکورن به چه شرکت‌هایی می‌گویند؟



امیر مهدی صالحی

کارشناس فناوری اطلاعات

در رویداد ملی غزال‌های دانش بنیان از شرکت‌های بزرگ و پیشرو دانش بنیان تجلیل شد. در حال حاضر، نیمی از فروش دانش بنیان کشور در دست این شرکت‌هاست که با عنوان «غزال» شناخته می‌شوند. در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما رویدادی برای معرفی شرکت‌های بزرگ دانش بنیان برگزار شد.

«غزال‌های دانش بنیان» عنوانی است که به شرکت‌های دانش بنیان پیشرو و با سرعت رشد بالا داده شده است. شاخص اصلی شرکت‌های غزال، برخورداری از رشد پایدار است. این شرکت‌ها باید رشد فروش دانش بنیان بیش از ۳۰ درصدی در پنج سال داشته باشند. شاخص‌هایی هم برای نرخ رشد اشتغال و نرخ رشد صادرات آنها نیز در نظر گرفته شده است.

در حال حاضر، ۱۰ هزار شرکت دانش بنیان موجود، ۱۷۰ شرکت قابلیت ورود به باشگاه غزال‌های دانش بنیان را خواهند داشت. مجموع فروش این شرکت‌ها ۴۷.۵ درصد، یعنی حدود نیمی از کل فروش دانش بنیان در کشور است.

در دنیا، مفاهیمی برای شناسایی این شرکت‌ها بر حسب رشد پایدار آنها با ابعاد اقتصادی آنها وجود دارد. «یونیکورن» به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که بیشتر از ۱ میلیارد دلار فروش دارند و غزال‌ها شرکت‌هایی هستند که رشد پایداری را به همراه دارند.

یونیکورن چیست؟

موش، فیل، غزال و اسب تکشاخ (یونیکورن) اصطلاحاتی است که در دنیای استارت‌آپی به شرکت‌های در حال رشد اطلاق می‌شود. یونیکورن در معنای لغوی اسب تکشاخ و موجودی افسانه‌ای و فانتزی است که در عرصه کارآفرینی به اصطلاحی برای نشان دادن ارزش یک کسب‌وکار تبدیل شده است. شرکت یونیکورن در دنیای اقتصاد به معنای این است که یک استارت‌آپ یا کسب‌وکار نوپا و کوچک که با سرمایه ناچیز کار خود را شروع کرده است، طی گذشت زمانی از شروع فعالیت خود به ارزش تجاری بیش از یک میلیارد دلار دست یابد.

از ورود این مفهوم به دنیای استارت‌آپ‌ها، کمتر از ۱۰ سال می‌گذرد. امروزه، بیش از ۴۵۰ استارت‌آپ مرز یک میلیارد دلاری شدن را رد کرده‌اند و همچنین اصطلاحات نوظهور دکاکورن و هکتاکورن برای توصیف استارت‌آپ‌های ۱۰ و ۱۰۰ میلیارد دلاری به ادبیات کارآفرینی اضافه شده است.

نگاهی به مبالغ سرمایه‌گذاری استارت‌آپی نشان می‌دهد، میزان آن رابطه مستقیمی با تعداد یونیکورن‌های هر کشور دارد. بنا به گزارش‌ها، مبلغ سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های ایران کم است و یکی از دلایل آن را می‌توان تورم موجود در کشور و نامناسب بودن بسترهای سرمایه‌گذاری دانست؛ اما از طرفی، به رسمیت شناختن درایوی‌های نامشهود در بورس که به تازگی محقق شده است، می‌تواند مسیر همواری را برای جذب سرمایه باز کند.

یکی دیگر از دلایل شکل‌نگرفتن یونیکورن در زیست‌بوم نوآوری ایران این است که زنجیره ارزش محصولات در بسیاری از صنایع، آن‌طور که باید شکل نگرفته است و نتیجه آن را می‌توان در آمار

بالای خام‌فروشی در کشور نیز دید. به دلیل اقبال نکردن صنایع به فناوری‌های دانش بنیان و تحقیق و توسعه، نوآوری‌ها نمی‌تواند رشد کند و به یونیکورن تبدیل شود.

در یک سال اخیر، رویکردهای حمایتی از شکل‌گیری زنجیره ارزش، در حال تغییر از یارانه انرژی به اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه است که می‌تواند نقش مثبتی در افزایش فعالیت‌های نوآورانه، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها و دانش بنیان‌ها ایفا کند.

غزال چیست؟

غزال عبارت دیگری است که در دنیای استارت‌آپی به شرکت‌های نوآور و با رشد سریع اطلاق می‌شود. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری غزال دانش بنیان را شرکتی با رشد سریع و تأثیرگذاری بالا معرفی کرده است. به گفته «رضا اسدی‌فرد» معاون توسعه شرکت‌های دانش بنیان، غزال به شرکتی گفته می‌شود که حداقل ۲۰۰ میلیارد فروش دارند و حداقل ۲۰۰ نفر در آنها کار می‌کند. افزون بر این، این شرکت‌ها در بازه‌های سه یا پنج ساله باید رشد خوب و فراتر از تورم از خود نشان دهند. شرکت‌های غزال می‌توانند در سفرهای خارجی

گزارش

نوجوان دیجیتال چه ویژگی‌هایی دارد؟

میر سبحان سادات

روانشناس

سال تفاوت وجود دارد.

متوسط استفاده از اینترنت در سال ۲۰۲۴ میلادی حدود دو ساعت و نیم در جهان است که طبق این میانگین جهانی سنین بین ۱۴ تا ۲۷ سال بیشترین میانگین استفاده از اینترنت را نسبت به بقیه بازها دارند. نوجوان امروز دنیای بدون اینترنت را درک نکرده است و برایش قابل تصور نیست که اینترنت وجود نداشته باشد. سرعت بالای زندگی، ارتباطات بالا و ولی تنها، مصرف‌گرایی، تنوع‌گرایی، صبر پایین و اجتماعی، ولسی دوری از اجتماع را می‌توان از ویژگی‌های نوجوان دیجیتال بشمرد.

نوجوان دیجیتال به نسل جوانی اطلاق می‌شود که از سنین پایین با فناوری‌های دیجیتال و اینترنت آشنا شده و در زندگی روزمره خود به طور گسترده‌ای از آنها استفاده می‌کند. نوجوانان دیجیتال به راحتی می‌توانند به حجم زیادی از اطلاعات دسترسی پیدا کنند و به سرعت

اطلاعات مورد نیاز خود را جست‌وجو کنند، این نوجوانان معمولاً مهارت‌های بالایی در استفاده از دستگاه‌های دیجیتال، نرم‌افزارها و برنامه‌های کاربردی دارند.

نوجوان دیجیتال به طور فعال در شبکه‌های اجتماعی حضور دارد و با دوستان و آشنایان خود ارتباط برقرار می‌کند. نوجوانان دیجیتال به بازی‌های برخط، تماشای ویدئوها، گوش دادن به موسیقی و دیگر فعالیت‌های سرگرم‌کننده در فضای مجازی علاقه‌مند هستند.

بسیاری از نوجوانان دیجیتال به تولید محتوا، مانند ویلاگ‌نویسی، ویدئوهای یوتیوب یا پست‌های اینستاگرام علاقه دارند و از این طریق خود را ابراز می‌کنند. این نسل معمولاً نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه‌تر است و از طریق رسانه‌های اجتماعی نظرات خود را بیان می‌کند.

استفاده مداوم از فناوری ممکن است به

چالش‌هایی، مانند اضطراب، افسردگی و مشکلات خواب منجر شود و روابط اجتماعی آنها بیشتر از طریق فضای مجازی شکل می‌گیرد تا تعاملات حضوری.

روش‌های یادگیری آنها تغییر کرده و به سمت یادگیری برخط و استفاده از منابع دیجیتال سوق یافته است. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق فناوری بر زندگی نوجوانان امروزی است و می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای آنها ایجاد کند.

بسیار ششیده‌ایم که فرزندی به پدرش بگوید فلان مقدار پول را در زمان کم دو برابر کنیم؛ سرعت امروز فناوری سبب شده است صبر از نوجوان ما گرفته نشود. گفتنی است، رفتارهای ناهنجار، خود رأی بودن و اتکالی بیش از حد به خود از خصیصه‌های نوجوان دیجیتال امروزی است.

خبر خوب

اطفا با مواد معدنی

پودر آتش‌نشانی دوستدار محیط آمد



متخصصان در یک شرکت داخلی توانسته‌اند با استفاده از نوآوری، پودر آتش‌نشانی از مواد معدنی تولید کنند. یکی از ابزارهای مهم در کنترل و مهار آتش‌سوزی‌ها پودرهای آتش‌نشانی هستند که به مثابه یک وسیله ایمنی حیاتی در بسیاری از اماکن استفاده می‌شود و شیمیایی بودن آنها مضراتی، نظیر تحریک پوست و ریه به دنبال دارد. متخصصان یک شرکت موفق شده‌اند با نوآوری پودر آتش‌نشانی را از مواد معدنی تولید کنند. این مجموعه نوآور در حال حاضر در مسیر دانش بنیان شدن قرار دارد و مجوز تولید کود آلی مایع را اخذ کرده است.

پژواک

رقیب گوگل

جست‌وجوی هوشمند در اینترنت



شرکت «اپن‌آی‌آی» موتور جست‌وجوی مبتنی بر هوش مصنوعی خود با دسترسی آبی به داده‌های اینترنت را معرفی کرد. این موتور جست‌وجو به جای بازگرداندن یک فهرست ساده از پیوندها، سعی می‌کند آنها را سازماندهی و معنا کند. این موتور جست‌وجو در یکی از مثال‌ها یافته‌های خود را درباره جشنواره‌های موسیقی خلاصه می‌کند و سپس توضیحات کوتاهی از رویدادها و به دنبال آن یک پیوند ارائه می‌کند. در مثالی دیگر، زمان کاشت گوجه‌فرنگی را قبیل از تجزیه انواع گیاه توضیح می‌دهد. پس از اعلام اپن‌آی‌آی، سهام شرکت آلفابت، مادر گوگل ۲ درصد کاهش یافت.

نرم افزار

ویژه اربعین

راهپیمایی امسال راحت باش



تنها نرم‌افزار آموزش زبان عربی ویژه پیاده‌روی اربعین که به کمک آن ضمن شناخت فرهنگ، مردم و شخصیت‌های عراق، به راحتی با آنها تعامل و ارتباط برقرار کرده و با آنها صحبت کنید. در قسمت مکالمات این نرم‌افزار بیش از ده نوع مکالمه پر استفاده به صورت کامل فارسی به عربی به همراه راهنمای تلفظ قرار داده شده است.

با توجه به اهمیت احترام به شخصیت‌های مهم کشور همسایه و اهمیت بسیاری که برای مردم عراق دارد، در قسمت شخصیت‌ها نیز به صورت خلاصه و به همراه تصویر شخصیت‌های عراق معرفی شده است که می‌تواند برای اطلاعات عمومی شما مناسب باشد.

مرگ زینت مومن است

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی



امام حسین (ع) مکرر قبل از عاشورا، در شعرهایش درباره مرگ و معاد تذکر می‌دهد. همان جلسه اولی که با مروان خبیث و ولید داشت، فرمود: «انالله و انالیه راجعون»؛ رفت سراغ قیامت. آقا ما آمده‌ایم، یک روزی هم باید برویم. در اشعارش وقتی با حر ملاقات کرد. البته این اشعار مال امام حسین (ع) نیست، بلکه مال آقای است که از قبیله اوس بود. وقتی یکی از جنگ‌های پیغمبر می‌خواست شروع بشود، پیغمبر ایشان را دعوت کرد. برادرش به او گفت نرو، بروی کشته می‌شوی. از بین می‌روی. این داداش برای آن داداش در حالی که در رکاب پیغمبر می‌خواست برود، این شعر را خواند. حالا از بس شعر قشنگ است امام حسین (ع) این شعر را خوانده است؛ «سامضی و ما بالموت عار علی الفتی»؛ من می‌روم و مرگ برای جوانمرد عار نیست. تا آخرش که «اذا مانوی حقا و جاهد مسلما».

ببینید در مقابل لشکر حر، امام حسین (ع) این شعر را خواند که ما از مرگ ترس نداریم و زیباترین تشبیه را هم کرد...

امام حسین (ع) از میان همه تشبیهات می‌فرماید: «خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاة»؛ مرگ نسبت به فرزند آدم مثل گردنبند به گردن دختر جوان است... یک دختر جوان در شب عروسی یک گردنبند زیبا دارد، چقدر برایش مهم است، اگر گم بشود چقدر برایش ناراحت‌کننده است. امام حسین (ع) چه می‌خواهد بگوید؟ می‌خواهد بگوید مرگ زینت است. مرگ همراه است. مرگ ارزشمند است. من ترسی ندارم. شما کسی را می‌توانی بترسانی که یا از مالش بترساند یا از جانش. امام حسین (ع) نه مالش و نه جانش... وقتی ایشار می‌کند شما به چه چیز تهدیدش می‌کنید؟ لذا این نکته بسیار مهم است که حالا من مثال‌های فراوان دارم، مثلاً شب عاشورا خب حضرت زینب (س) واقعاً دیگر یک لحظه خیلی متأثر شد. اشک، لرزش بدن، برادر چه می‌گوید «یا دهر اف لک من خلیل»، دارد خداحافظی می‌کند، شعرهایش بوی مرگ می‌دهد. بلافاصله به خواهرش فرمود: «واعلمی، ان اهل الارض یموتون» بدان همه می‌میرند. بالاخره این جمعیت

آیه

وجوب دفاع از حرم اهل بیت (ع)



سید محسن حجازی کارشناس علوم دینی

قرآن کریم در سوره حج تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب دانسته است: «ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ آری، کسانی که شعائر خدا را بزرگ می‌شمارند، کارشان نشان پرهیزگاری دل‌هایشان باشد. (حج/۳۲) شعائر الهی را برخی مفسران به معنای مناسک و عظام دین اسلام تفسیر کرده‌اند. شعار به معنای علامت است و مهم‌ترین نقش شعار در اسلام معرفی مکتب و اعلان توحید و ارباب دشمن است. حقیقت تعظیم شعائر آن است که جایگاه این شعائر، برجسته شود و نزد انسان‌ها محترم شمرده شود. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۷) تعظیم شعائر در اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همه مسلمانان باید به آن متعهد باشند. بزرگان ما نیز تعظیم شعائر را یکی از مقررات اسلامی می‌دانند که انجام آن وظیفه همه مسلمانان است. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۳۵۹) اما تعظیم شعائر مصادیق متعددی دارد و در بسیاری از مسائل و ضرورت‌های دینی می‌توان حکم به وجوب آن داشت. دفاع از حرم و حرم اهل بیت (ع) به مثابه یکی از مهم‌ترین شعائر اسلامی، جزء همین ضرورت‌هاست و هر کسی به هر نحوی باید به تعظیم این شعائر کمک کند. امام خمینی (ره) در بیانات خود، دفاع از حریم اهل بیت (ع) را یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان دانسته و آن را با تعظیم شعائر اسلامی مرتبط می‌داند. رهبر معظم انقلاب نیز بر لزوم تعظیم شعائر اسلامی و دفاع از حریم اهل بیت (ع) تأکید کرده و آن را از وظایف اساسی مسلمانان برشمرده‌اند. یک روز نیاز بود که سلاح به دست گرفته شود و در مقابل دشمنان حرم ایستادگی شود و یک روز نیاز است با تبلیغ شعائر، مردم را در اهمیت به دستورات قرآن و اهل بیت (ع) کمک کرد. یک روز باید از جسم‌مان کار بکشیم، یک روز باید از توان مادی‌مان استفاده کنیم و یک روز باید برای رشد شعائر عظیم دین و اهل بیت (ع) از توان فکری و علمی‌مان استفاده کنیم. هر کسی هر توانی که دارد، باید به میدان بیاورد. اهل بیت (ع) به‌عنوان منابع روشنایی و هدایت در اسلام، نقش بسیار مهمی در حفظ و ترویج شعائر و آیین‌های دینی دارند. از طریق دفاع از حقوق و حریم اهل بیت (ع) ما در واقع به ترویج ارزش‌ها و اصول اسلامی که اهل بیت (ع) آنها را نشان می‌دهند، کمک می‌کنیم. برای نمونه، احترام و ادب نسبت به اهل بیت (ع) نه تنها به حفظ حریم آنان کمک می‌کند، بلکه به تعظیم شعائر دینی نیز کمک می‌کند. احترام به اهل بیت (ع) به معنای احترام به ارزش‌ها و اصولی است که آنها نماینده آنها هستند. همچنین، پیروی از آموزه‌ها و اقوال اهل بیت (ع) و انتقال این آموزه‌ها به دیگران، نقش مهمی در ترویج شعائر دینی و ارزش‌های اسلامی دارد. با دفاع از حریم اهل بیت (ع) و پیروی از آموزه‌های آنان، ما به واقع به ترویج و ارتقای شعائر و اصول دینی کمک می‌کنیم. بنابراین، دفاع از حریم اهل بیت (ع) نه تنها به تعظیم شعائر اسلامی کمک می‌کند، بلکه به حفظ و ترویج ارزش‌های اسلامی و تربیت اخلاقی و دینی جامعه نیز کمک می‌کند. در تعظیم شعائر و دفاع از حرم و حریم اهل بیت (ع) همیشه جوانان پیشگام بودند. جوانانی که با تأسی به انمه اطهار (ع)، حضرت ابوفاضل (ع)، حضرت علی اکبر (ع) و... تمام توان‌شان را صرف این امر کرده و می‌کنند.

مکتب

برترین اعمال نزد خداوند

سیدحسین خاتمی خوانساری



کارشناس سیاسی

کودکانی که در دوران کودکی از محبت و توجه والدین برخوردار بوده‌اند، در بزرگسالی دارای سلامت روانی بیشتری هستند و مهارت‌های اجتماعی و هیجانی بهتری دارند. این کودکان همچنین از خودباوری بالاتری برخوردارند و در برقراری روابط بین‌فردی موفق‌تر هستند. کودکانی که از محبت والدین برخوردار هستند، سیستم ایمنی قوی‌تری دارند و در برابر بیماری‌ها مقاوم‌تر هستند. این عشق سرشار از نوازش، حمایت، غرور و از خودگذشتگی است. والدین برای فرزندان خود آرزوهای بزرگ دارند و تمام تلاش خود را برای تحقق این آرزوها به کار می‌گیرند. آنها لحظه‌های شادای و موفقیت فرزندان را جشن می‌گیرند و در هنگام ناراحتی و شکست، آنها را دلداری می‌دهند و به آنها امید می‌بخشند. والدین حاضرند برای فرزندان خود جان خود را فدا کنند و هیچ چیزی را بر محبت به آنها ترجیح نمی‌دهند. این عشق فراتر از هر چیز دیگری است و سرچشمه‌ای از صبر، گذشت و ایثار است که والدین را قادر می‌سازد تا در برابر هر چالشی که فرزندان با آن مواجه می‌شوند، استوار بمانند.

اهل بیت (ع) درباره ارتباط قوی احساسی و عاطفی به فرزندان توصیه‌های زیادی داشتند. پیامبر (ص) بچه‌ها را دوست می‌داشت و با آنان مهربان بود و بازی می‌کرد. ایشان درباره کودکان می‌فرمود: «اولادنا اکیادنا»؛ فرزندان ما جگر گوشه‌های ما هستند. (جامع‌الآخبار،

ص ۲۸۳) امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «گفت: خدایا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا آنان را با توحید خود سرشته‌ام [و بر یگانگی‌ام آفریدم] و اگر آنها را بمیرانم، با رحمتم به بهشتم داخل می‌گردانم.» اهل بیت (ع) به‌عنوان معلمان و راهنمایان ما، همواره برای ابراز محبت و اهمیت داشتن ارتباط نزدیک با کودکان تأکید داشتند. آنها نمونه‌ای برای ما در برقراری ارتباط محبت‌آمیز با کودکان بودند و روش‌هایی را نشان می‌دادند که به‌طور کلی می‌تواند به کودکان محبت و اهمیت داده شود.

در اتفاقات تلخ محرم و صفر سال ۶۱ هجری، یعنی مدتی قبل و بعد از شهادت امام حسین (ع) این ابراز محبت به کودکان و فرزندان در رفتار خانواده ایشان بسیار پر رنگ دیده شده است. روضه‌هایی که به ما یادآوری می‌کند، باید با فرزندان‌مان به بهترین و نیکوترین شکل رفتار کنیم. رفتار حضرت اباعبدالله (ع) با دخترکان خردسال‌شان آنقدر لطیف، محترمانه و عاطفی بود که بخش اعظمی از غلیان احساسات در ماجرای عاشورا را به خود اختصاص می‌دهد. اگر به روضه‌هایی که می‌شنویم به‌عنوان درس زندگی نگاه کنیم، می‌بینیم رفتار الهی و اخلاقی با فرزندان‌مان است که می‌تواند جامعه دینی برای ما بسازد. گاهی در تربیت فرزندان اشتباهاتی داریم که باید با تأسی به کتاب، سیره و سنت روش صحیح

سلوک

انقلاب روحی



آیت‌الله علی مشکینی: موعظه اخلاقی عبارت از بیان مطالبی است که در روح شنونده تأثیری بر جای گذارد که او را حرکت دهد، بیدار کند و به فکر بیندازد تا به کسب ملزومات خویش پرداخته و از منتهیات پرهیز کند. اعتقاد من بر این است که نیاز ما به موعظه اخلاقی بیش از علم اخلاق است. انمه (ع) نیز همواره درصدد بوده‌اند که با مواظ و نصایح خویش در یاران‌شان انقلاب روحی ایجاد کنند و هنگامی که چنین انقلابی ایجاد شد، زمینه اصلاح انسان نیز فراهم می‌شود.

احکام

مخالفت با ولایت فقیه

پرسش: آیا بر فقیه‌ای که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کند و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است؟ اگر با ولی فقیه مخالفت کند، فاسق به شمار می‌آید؟ در صورتی که فقیه معتقد به ولایت مطلقه فقیه دارد، ولی خود را از او شایسته‌تر به مقام ولایت می‌داند، اگر با اوامر فقیه‌ای که متصدی مقام ولایت امر است، مخالفت کند، فاسق است؟

پاسخ: اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو اینکه فقیه باشد، واجب است و برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت کند. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه‌های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. در غیر این صورت، مسئله به‌طور کلی تفاوت خواهد کرد.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۶۵

راهنا

نظام اقتصادی اسلامی

آیت‌الله محسن اراکی: در نظام اقتصادی اسلامی، یک چرخه اقتصادی داریم که اقتصاد جامعه به وسیله آن شکل می‌گیرد و از توزیع نخستین به تولید و سپس به توزیع ثانوی و پس از آن به مبادله و مصرف می‌رسد. این چهار حلقه، نظام اقتصادی اسلام را شکل می‌دهد. نظام اقتصادی چیزی فراتر از معاملات، مکاسب و احکام اسلام است و آن چرخه اقتصاد را جامع‌تر تعریف می‌کند. یکی از مهم‌ترین مباحث مبادله پول است که اساس مبادله را در بازار شکل می‌دهد. وقتی دانستیم که پول، یعنی واسطه مبادله که کارکردش دو چیز است؛ یک تعیین ارزش کالا و دوم تسهیل مبادله.



آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۶۵

قبیله عشق

فرمانده پیش قدم!



«مرتضی محمدی» شوهر خواهر و از دوستان نزدیک «شهید محمدرضا پوراسماعیلی» بود که تعریف می‌کرد:

«اوایل جنگ که بنی صدر رئیس جمهور بود، نیروها از همه نظر در مضیقه بودند. حتی امکاناتی که بتوانیم خاکریز بزنیم، نداشتیم. در عملیات بدر قرار شد کانالی حفر کنیم. محمدرضا فرمانده بود؛ اما من از این جهت که با هم نسبت داشتیم و صمیمی بودیم، به او گفتم: «محمدرضا بی کاری!» و بعد کلنگی دستش دادم که او هم مشغول زمین کندن شود. از اتفاق سردار کاظمی هم همان وقت از آنجا می‌گذشت. اسماعیلی همین که سردار رد شد، کلنگ را زمین انداخت. سردار حاج احمد کاظمی مدتی بعد در جلسه فرماندهان این موضوع را مطرح کرده بود که از اسماعیلی یاد بگیرید، خودش در کار کردن پیش قدم می‌شود و نیروهایش هم به دنبالش. این موضوع تا مدت‌ها بهانه شوخی ما بود.»

شهید محمدرضا اسماعیلی در هشتمین روز از ماه خرداد در نجف آباد به دنیا آمد. او فعالیت‌های انقلابی خود را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز کرده بود. وی با آغاز تحرک گروهک‌های ضد انقلاب به کردستان رفت و با شروع جنگ، در جمع نیروهای چهار صد نفری اعزامی از نجف‌آباد به فرماندهی سردار شهید حسینعلی (سروان) صفری عازم جبهه دوالفقاریه آبادان شد. قبل از عملیات الی بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر) به جبهه جنوب اعزام شد و در این عملیات که فرمانده دسته نیروی پیاده بود، از ناحیه پا مجروح شد. در عملیات محرم جانسین توپخانه شد و تا قبل از عملیات والفجر ۱، با همین عنوان خدمت کرد و بعد مسئولیت توپخانه را بر عهده گرفت.

در عملیات‌های والفجر ۱، ۲، ۴، خیبر، بدر و قادر، فرمانده توپخانه لشکر ۸ زهی نجف اشرف شد. شوخ طبعی، اخلاص، شجاعت، پایبند نبودن به دنیا و زرق و برق آن، مقتد به حفظ بیت‌المال، سختکوشی و پیگیری امور مربوط به آمادسازی سلاح و تجهیزات و نیرو برای حضور به موقع و مؤثر در عملیات، از ویژگی‌های بارز اسماعیلی بود.

در عملیات والفجر ۴ تعدادی قبضه‌های ۱۰۷ مم به لشکر نجف واگذار شد که مأمور راه‌اندازی آنها شد و در همان عملیات استفاده کرد. او پس از عملیات والفجر ۸ به لشکر ۲۵ کربلا رفت و به دلیل استعدادش مسئول توپخانه آن لشکر شد. علاوه بر اینکه فردی منظم و مقتد به رعایت اصول نظامی‌گری بود، زمانی که برای بررسی وضعیت خط و سرکشی به دیدهبان‌ها و رفع نیاز آتش نیروهای پیاده به خط مقدم می‌رفت، اگر حس می‌کرد که نیاز است یک تیر یا یک آرپی جی به سمت مواضع دشمن شلیک شود، دریغ نمی‌کرد. او سرانجام در عملیات کربلای ۱ (فتح مهران) بر اثر اصابت ترکش به سرش جام شهادت را سر کشید و به دیدار معبود خود رفت.

تروریست‌ها در دادگاه

نگاهی به چرایی و اهمیت محاکمه منافقین و حامیان آنان در کشور



فاطمه ساداتی

پژوهشگر

ماجرای این قرار است که در جهان کوچک امروز هر کشوری در مختصات اندیشه‌ای و نظامی و تعاملاتی خود جایگاهی دارد که از چشم دیگر کشورها پوشیده نیست. تاریخچه و عملکرد هر کشور و ملتی در قبال ملت‌های دیگر به خوبی گویای نوع روابط با دیگر کشورها در عرصه بین‌المللی است؛ چیزی که امروزه مردم جهان از انگلیس به عنوان کشوری سلطه‌گر و تفرقه‌انداز یاد می‌کنند، یا از آمریکا به منزله یکی از کشورهای که در صد سال اخیر در بیشتر جنگ‌ها دخالت مستقیم و غیر مستقیم داشته است، نام می‌برند.

برای برهم نخوردن نظم جهانی لازم است کشورها در یک محکمه جهانی نسبت به رفتارهای خود در قبال کشورهای و ملت‌های دیگر پاسخگو بوده و در صورت تجاوز و دشمنی از آنها بازخواست شود. اتفاقی که در سازمان ملل و در شورای امنیت تا حدودی رسیدگی می‌شود، اما کافی نیست. اگرچه سازمان ملل آمده است تا بی‌طرفانه مسائل مربوط به جامعه جهانی و کشورها را حل و فصل کند؛ اما در موارد آشکار و پنهان فراوانی نتوانسته است بر اساس اصل بی‌طرفی نسبت به برخی اتفاقات تصمیمات درستی بگیرد. واضح است که اعمال قدرت برخی از کشورهای که خود را ابر قدرت می‌دانند، در تصمیمات و نتایج سازمان ملل اثر گذاشته است. چنانچه در جنگ‌های نابرابر چند دهه اخیر همواره رد پای آمریکا وجود داشته است؛ اما سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی به واسطه قدرت این کشور در تصمیم‌گیری‌های جهانی نتوانسته‌اند این کشور را محکوم و مجازات کنند.

ظرفیت قضایی و مبارزه با تروریسم

هر کاری جای خودش را دارد و اگر دفاع نظامی و روند دیپلماسی بخشی از واکنش‌ها به اتفاقات اطراف ماست، چرا نباید از ظرفیت قضایی برای موضوعی، چون دخالت و مشارکت گروه‌ها و کشورهای در جنگ و شهادت تعداد بی‌شماری از هموطنان مان در داخل و خارج از کشور استفاده کرد؟ وقتی با جنایتکارانی طرف هستیم که سابقه آنان در آدم‌کشی و به راه انداختن جنگ در نقاط گوناگون دنیا تاریخچه پر و پیمانی است و هر جنگی را که در قرن اخیر نگاه کنیم نشانی از آنان می‌بینیم، برگزاری محاکم قضایی برای به دادگاه کشاندن جنایتکاران جنگی، که از سوی مجامع قضایی امکان پیگیری و پاسخ دارد و ضمن محکومیت، امکان جبران را هم فراهم می‌کند، می‌تواند مرهمی بر دل زخم‌دیده خانواده‌ها و بازماندگان باشد. هر چند در جریان جنگ نابرابر

که در یک سو جنایتکاران و حامیان آنان قرار دارند و در طرف دیگر مردم بی‌دفاع هستند، هیچ خسارتی جبران سال‌های از دست رفته و جان و مال‌های بی‌غما رفته را نمی‌دهد؛ اما می‌تواند رسواکننده چهره به ظاهر انسان‌دوست، اما در باطن ضد انسانی این جنایتکاران باشد.

ثبت در اذهان مردم

وضعیت اتهامات و روایت شاهدان در جریان برگزاری این دادگاه‌ها به فهم دقیق اتفاقات پیش آمده کمک می‌کند. اینکه کشوری در سایه قوانین و مقررات سازمان ملل و شورای امنیت به راحتی حامی جنایتکاران باشد و در مواردی نیز خود در رأس جنایتکاران مرتکب جنایت در کشوری دیگر شود، نشان‌دهنده ضعف دستگاه‌های بین‌المللی قضایی است و ثابت می‌کند ادعای برخی از این کشورها درباره برقراری صلح جهانی شوخی‌ای بیش نیست تا با بازی گرفتن این عناوین و استفاده از ژست‌های بشردوستانه جنایات خود را کتمان کنند. اتفاقی که می‌توان آن را در همه جنگ‌های اخیر، از حمله آمریکا به افغانستان و عراق گرفته تا حمایت آمریکا از عربستان سعودی در حمله به یمن و حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی نوار غزه مشاهده کرد. در کنار این نیز نباید از اقدامات گروهک‌های تروریستی، نظیر منافقین غافل شد که در سایه حمایت کشورهای به ظاهر دایه‌دار حقوق بشر به جنایات بی‌شماری دست زده‌اند و همچنان نیز در چتر حمایتی این کشورها فعالیت می‌کنند.

مدتی پیش دادگاه شکایت از منافقین به دلیل سال‌ها جرم و جنایت آنان علیه زنان و مردان و کودکان بی‌گناه و ترورهایی که در طول ۴۰ سال انقلاب اسلامی انجام داده‌اند، برگزار شد تا در محکمه‌ای قضایی و در شریایلی که شکاکت و متهمان امکان دفاع از خود را دارند، به اعمال این گروهک رسیدگی شود. این اولین بار بود که دادگاهی در این سطح به شکایت افرادی رسیدگی می‌کرد که هر یک به نوعی زخم خورده اقدامات گروهک منافقین بودند. حال پسر از برگزاری

چند دوره از دادگاه منافقین، دادگاه دیگری به عنوان دادگاه رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدافع حرم از گروهک‌های تروریستی تحت حمایت مستقیم دولت تروریستی آمریکا با دادخواهی ۷۲۵ نفر از ۱۵ استان کشور برگزار شد و در دومین جلسه این دادگاه تعدادی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم و نیز جانبازان مدافعان حرم در جایگاه حضور یافته و دلایل خود مبنی بر حمایت آمریکا از گروه‌های تروریستی داعش و النصرة و ... را در جریان جنگ سوریه بیان کردند.

چرا برگزاری دادگاه مهم است؟

«حسین‌زاده» قاضی پرونده دادخواهی خانواده شهدای مدافع حرم از گروهک تروریستی تحت حمایت آمریکا درباره این پرونده و لزوم رسیدگی به شکایت و پیگیری قانونی توضیح داد که بر اساس قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون الزام دولت به پیگیری خسارت‌های ناشی از اقدامات دولت آمریکا علیه دولت و مردم ایران، قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه آمریکا در منطقه، قانون اقدام متقابل و قانون تشدید مقابله با اقدامات آمریکا با لحاظ اینکه دولت آمریکا به کرات مصونیت قضایی دولت و مردم ایران را نقض کرده است، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ها علیه دولت آمریکا را دارند. این در حالی است که «سعید سعادت» از وکلای کانون وکلای مرکز درباره تشکیل این دادگاه‌ها می‌گوید: «امر بدیهی و مسلم این است که در کشور برای اداره صحیح و اصول مدار حاکمیت قانون بر کلیه شئون حکمرانی سایه بیندازد و حاکمیت قانون برقرار باشد. لازمه حاکمیت قانون امکان دادرسی عادلانه و منصفانه برای هر شهروند تابع جمهوری اسلامی ایران است. خروجی این است اگر بخواهیم شخص یا اشخاصی را مجازات کنیم و برخورد قهری انجام دهیم، نیازمند رسیدگی موضوع از طریق مقام قضایی و دادگاه صالح هستیم.»

او می‌گوید: «یکی از مؤلفه‌های حاکمیت قانون وجود دادگستری مستقل است. فرض که ما بخواهیم شخصی را به دلیل عضویت در یک گروه تروریستی محاکمه کنیم و برخورد قهری داشته باشیم، در شرایط عادی پس از انجام اقدام تروریستی و گذشت زمان، حال زمان محاکمه می‌رسد. تاکنون و در طول این ۴۰ سال برای کسانی، مانند سازمان منافقین در فضای دادگاه‌ها محکمه قضایی برگزار نشده و اینکه دادگاهی تشکیل شد و ابلاغیه‌ای از طریق انتشار آگهی منتشر شد و حق انتخاب وکیل پیش‌بینی شده اقدام دقیق و پسندیده‌ای بود.»

سعادت توضیح می‌دهد: «ما نیازمند این بودیم که در یک دادگاه منصفانه و عادلانه حکم قضایی برای گروه‌های تروریستی و حامیان آنان صادر کنیم و بر اساس این حکم و مطابق با استانداردهای بین‌المللی محاکمه شوند. لزوماً اینجا عمل بر اساس قوانین بین‌المللی نیاز نیست، با وجود اینکه برای گروهی مانند گروه منافقین بر اساس قوانین بین‌المللی هم صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی آنان به همه کشورها داده می‌شود، اما محاکمه و محکومیت آنان در کشور می‌تواند منجر به اعلام به اینترنت و منظور جلب و عودت اعضای آن به کشور برای اعمال مجازات شود.»

این وکیل کانون وکلای مرکز همچنین می‌گوید: «خیلی از کشورها در شرایط معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی یا موافقت‌نامه‌های قضایی با ایران هستند و اینترپل اقدام به جلب متهمان ایرانی و کسانی که از طرف ایران به اینترپل اعلام قرمز صادر می‌شود، می‌کنند. برای مجازات این اشخاص به جلب نیاز بود و چون در خارج از کشور هستند، ما نیازمند حکم قضایی بودیم و حکم قضایی مستلزم رسیدگی عادلانه بود و صرف اعلام دولت ایران جایگزین رسیدگی نیست. سیستم قضایی نمی‌شد. در طول ۴۰ سال که از انقلاب مردم ایران گذشته است، هیچ کجا نبوده که رد پای آمریکا در نفاق و درگیری و حمایت از تروریسم مشخص نباشد. هر اتفاقی که در کشور رخ داده، حتی اگر دخالت آمریکا هم در آن مشهود نبوده، اما حمایت او را دیده و شنیده‌ایم. از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ گرفته تا کودتا و حمایت از صدام برای جنگ با ایران و حمایت از گروه‌های تروریستی در خارج از کشور برای گرفتن جان مستشاران ایرانی که برای مبارزه با تروریسم به سوریه و عراق رفته بودند. جدای از اینکه دیگر بر کسی پوشیده نیست که در طول سال‌های جنگ سوریه و عراق، این آمریکا بود که با حمایت از تروریست‌ها آتش جنگ را شعله‌ور می‌کرد. فرصت فراهم شده در برپایی دادگاه حمایت آمریکا از تروریست‌ها می‌تواند در یک محکمه قضایی رسواکننده چهره به ظاهر بشردوستانه آمریکا، اما در باطن ضد انسانی او باشد.»

کوله بار خاطره

مثل ابوالفضل

برادر «شهید حامد جوانی» از شهدای مدافع حرم سوریه تعریف کرد: وقتی شنیدیم حامد مجروح شده با هزار دلهره رفتیم سوریه. من در آن چند ساعت در سوریه به همه جا زنگ زدم تا اطلاعاتی در مورد حامد به دست بیاورم، اما چون اسم مستعار داشت، کسی حامد جوانی را نمی‌شناخت. تا اینکه یک نفر در بهداری به من گفت: «شما داداش اون شهید ابوالفضل هستی؟» گفتم: «داداش من شهید نشده، مجروح». گفت: «یه مجروح ایرانی داریم که عین حضرت ابوالفضل مجروح شده و تو کماست و معروف شده به شهید ابوالفضل». اونجا فهمیدم چون داداشم حضرت عباس رو خیلی دوست داشت، مثل ایشون جانباز شده.»



سنگر کتاب

اردیبهشت اتفاق افتاد

کتاب «اردیبهشت اتفاق افتاد»؛ روایتی از زندگی روحانی مدافع حرم «شهید مجید سلیمان» است در جایی از کتاب به نقل از مادر شهید می‌خوانیم: «یدالله با برادرش حسین که تازه از آلمان آمده بود، رفته بودند مراسم. تا آن روز من هنوز مجیدم را ملبس ندیده بودم؛ فقط توی تبلیغ‌هایش لباس می‌پوشید. وقتی یدالله عکسش را آورد و مجید را با آن قد و قامت توی عبا و عمامه دیدم، زدم زیر گریه. نمی‌دانم ذوق بود، دلنگنی بود، چه بود! انگار که این لباس از ازل برای او دوخته شده باشد. حالا همان عمامه توی دست من بود. بوی خوش هنوز تازگی داشت...»



دیده بان خبر

اطاعت و مردانگی

علی نبی پور انگیزی از نخستین شهدای خبرنگار هشت سال دفاع مقدس است که در مسیر اطلاع رسانی در جبهه‌های حق علیه باطل توانست رسالت اندیشه‌مورزی را با خود به دوش بکشد و در این مسیر و در راه دفاع از کیهان نظام جمهوری اسلامی به فیض شهادت نائل شود. او در وصف رزمندگان دفاع مقدس می‌گفت: پیام خون همه اشخاصی که در این راه می‌روند، نخست اطاعت از امام و آنگاه گام زدن در راه مردان خداست. حسین نبی پور انگیزی پدر این شهید درباره فرزندش می‌گوید: علی چنان در مکتب اسلام غرق بود که حقوق اندک خیرنگاری خود را به نیازمندان می‌داد.



خون رهبران شیعه و سنی مقاومت با هم آمیخته شده است

روی خط

آماده نبرد با صهیونیسم

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱ / سلام علیکم، بدون هیچ گونه چشم‌داشتی، آماده‌ایم کل امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار جبهه مقاومت قرار بدهیم. برای مبارزه و جنگ تن به تن با صهیونیست‌ها، آماده اعزام به سرزمین‌های اشغالی هستیم. ارضنا جهانگیری قشلاقی از تبریز

۰۹۱۵۰۰۰۴۲۲۴ / راهی جز مبارزه نمانده است و باید جنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست! و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب کرد: یا شهادت یا پیروزی. امام خمینی (ره)، شهید القدس، دیروز قاسم، امروز اسماعیل و فردا پیروزی به اذن الله. صلوات

۰۹۹۰۰۰۰۸۹۸۲ / سلام. یادداشت «نقشه صلح تحمیلی» به قلم «سید مهدی حسینی» خیلی خوب و دقیق بود. خسته نباشید می‌گم بهتون. احمدحسین از کرج

۰۹۱۸۰۰۰۹۱۸۰ / با سلام، طبق نامه ابلاغی معاون نیروی کل سپاه، خدمات کارکنان در تاریخ ۴/۳/۴۰۳ قرار بود که سقف اعتبار خرید اتکا از ۲ میلیون به ۴ میلیون اضافه بشه! چرا تا الان هیچ مبلغی اضافه نشده؟ اگر قرار نیست اضافه بشه، اطلاع‌رسانی کنین.

۰۹۱۲۰۰۰۳۵ / متأسفانه، در این روزها برخی خواسته و ناخواسته دارند در زمین دشمن بازی می‌کنند و حرف‌هایی را نقل می‌کنند که بیشتر رنگ و بوی تفرقه دارد تا اتحاد.

۰۹۱۳۰۰۰۹۲۵۲ / برای سلامتی آقای مرتضی سرهنگی، نویسنده دفاع مقدس دعاکنیم. ایشان حق زیادی بر گردن ما دارند. مرتضی سرهنگی بود که خیلی از جوانان ما را به حال و هوای دفاع مقدس برد و آنان را با دفاع مقدس آشنا کرد. آقای سرهنگی این ایام در بیمارستان بستری هستند، برای‌شان دعاکنیم.

۰۹۱۶۰۰۰۴۵۲۳ / فکر نکنیم که رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ یا چند دهه قبل تر متولد شده است. رژیم صهیونیستی همان امتداد برنامه استعماری غرب است که تا به امروز ادامه پیدا کرده است.

۰۹۱۵۰۰۰۵۶۳۴ / از رئیس جمهور محترم که حقیقتاً در این روزها به عنوان یک رئیس جمهور تراز انقلاب اسلامی ظاهر شده است، تقاضا داریم که از افراد منشوری و بعضاً دو تابعیتی استفاده نکند. تاریخ نشان داده است، این افراد نتوانسته‌اند روی خط انقلاب حرکت کنند.

۰۹۱۲۰۰۰۳۰۲۱ / از رسانه‌های انقلابی و متدین تقاضا داریم که نگاهی جدی‌تر به فیلم‌های شبکه خانگی داشته باشند. معضل‌های شاذ و نادر در گوشه و کنار شهر باعث نمی‌شود که این فیلم‌سازان آن را چنان پررنگ کنند که انگار هر روز با این مشکلات روبه‌رو هستیم. از طرفی هم متأسفانه فیلم‌سازان دارند چهره خطرناکی را از پایین شهر به تصویر می‌کشند، در حالی که بیشتر شهدای ما از همین نقاط بوده‌اند.

۰۹۱۳۰۰۰۳۲۲۲ / ایسن جمله سیدحسین نصرالله دلگرمی خوبی برای جبهه مقاومت و ترس عجیبی بر جان صهیونیست‌ها بود «خوشحالی شما کوتاه است، نمی‌فهمید چه خط‌خیزی را رد کردید!» ان‌شاءالله به زودی شاهد نابودی صهیونیست‌ها باشیم و به شکرانه این پیروزی همه مسلمین در کنار هم در قدس نماز بخوانیم.

۰۹۱۵۰۰۰۲۶۵۲ / اسماعیل هنیه با فعالیت‌هایی که در حماس انجام داد، توانست نیروهای مقاومت فلسطینی را از مبارزه با سنگ به سطحی برساند که در هفتم اکتبر معادلات جهانی را متزلزل کرد تا جایی که صهیونیست‌ها پس از ده ماه هنوز هاج و واج مانده‌اند که چگونه با این نیروهای مقاومت غزه مبارزه کند. برای شادی روح اسماعیل هنیه صلوات.



خون رهبران جبهه مقاومت اعم از شیعه و سنی با هم آمیخته شده است. امروز جبهه اسلامی، جبهه مقاومت و جبهه ایستادگی تشکیل شده است. وی گفت: «امروز اعلام می‌کنیم که مردم غزه، لبنان و جبهه مقاومت بدانند که مردم ایران در کنار شما هستند تا این رژیم ستمگر نابود شود. تا زمانی که جبهه بزرگ مقاومت و مردم ایران، فلسطین، لبنان و یمن و همه محور مقاومت باشند رژیم صهیونیستی توان پیروزی نخواهد داشت.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی یادآور شد: «ما را از چه می‌ترسانید؟ از شهادت؟ شهادت در نظر ما بزرگترین هدیه‌ای است که خداوند به بندگانش برگزیده خود می‌دهد. این شهادت‌ها هرگز اراده، عزم و قدرت جبهه مقاومت را کاهش نمی‌دهد بلکه توکل، اعتماد و ایمان ما را در راهی که برای نابودی ظلم و جور طی می‌کنیم را قوی‌تر می‌کند.»

اسماعیل هنیه جبهه مقاومت را منسجم‌تر و متحدتر و عزم آنها را برای نابودی دشمن بیشتر می‌کند و در این راه هیچ قدرتی نمی‌تواند به دشمنان کمکی کند. وی خاطر نشان کرد: «آمریکا بخواهد یا نخواهد موتور انقلاب و مقاومت با حرکت جهادی خود دنیا را فرا گرفته و به زودی شاهد نابودی رژیم صهیونیستی بوده و به فضل خدا نابودی آن را در همین میدان فلسطین جشن خواهیم گرفت.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی اضافه کرد: «مردم غزه، کودکان غزه و جبهه مقاومت و رزمندگان حماس و جهاد اسلامی، ما به شما می‌گوییم که با این شهادت عزم و روحیه ملت ما و جبهه مقاومت برای مقابله با این رژیم ستمگر قوی‌تر و قدرتمندتر خواهد شد.» نماینده ولی فقیه در سپاه عنوان کرد: «امروز

است تا در صحنه جبهه مبارزه با کفر به رژیم صهیونیستی سیلی بزنند.» وی افزود: «شهید اسماعیل هنیه در میدان‌ها ثبات قدم و سازش‌ناپذیری خود را ثابت کرد. شهادت عزیزان قبلی حرکت مقاومت را کند نکرد و شهادت ایشان هم حرکت مقاومت را کند نخواهد کرد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین عبداللہ حاجی‌صادقی با تأکید بر اینکه شهادت اسماعیل هنیه قطعاً جبهه مقاومت را منسجم‌تر و مقتدرتر و عزمش را برای نابودی دشمن ستمگر جزم‌تر می‌کند، اظهار کرد: «آمریکا و رژیم استکبار بخواهد یا نخواهد، بیسند یا نپسند به زودی نابودی این رژیم زبان‌نافهم، ستمگر، کودک‌کش و جنگ‌طلب را در همین میدان فلسطین جشن خواهیم گرفت.»

نماینده ولی فقیه در سپاه ادامه داد: «شهادت

گروه سپاه

صبح صادق

«حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی» گفت: «شهید اسماعیل هنیه در میدان‌ها ثبات قدم و سازش‌ناپذیری خود را ثابت کرد. شهادت عزیزان قبلی حرکت مقاومت را کند نکرد و شهادت ایشان هم حرکت مقاومت را کند نخواهد کرد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در تجمع مردم تهران در میدان فلسطین در سخنانی اظهار داشت: «در مراسم شهادت یکی از بزرگ‌ترین رهبران مقاومت هستیم که به آرزوی خود، یعنی شهادت رسید و ما را در غم و اندوه خود باقی گذاشت.»

نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران گفت: «رزمندگان جبهه مقاومت از همه توطئه‌ها و فتنه‌ها رهایی یافتند و جبهه ایستادگی ایجاد شده

اخبار

سایت پروازی شهید بابایی



سایت پروازی شهید بابایی به همت مرکز تربیت بدنی سپاه قم بعد از حدود دو سال بار دیگر آغاز به کار کرد. «سرهنگ میثم کوهی» مسئول مرکز تربیت بدنی سپاه استان قم گفت: «سایت پروازی شهید بابایی در یک کیلومتر ۱۵ جاده قم جعفریه و در قله کوه نمک واقع شده، یکی از بهترین سایت‌های پرواز برای رشته‌های پاراگلایدر و موتورگلایدر است.»

وی افزود: «به ابتکار سپاه پاسداران قم مسیر تردد و همچنین محل پرواز ورزشکاران در این منطقه ایمن‌سازی شده است.»

سرهنگ کوهی خاطر نشان کرد: «محدودیت‌های زیست محیطی و همچنین نزدیکی به پدافند هوایی حضرت معصومه (س) از جمله عوامل محدودکننده فعالیت ورزشکاران در این سایت پروازی بود که این موانع با هماهنگی‌های به عمل آمده از سوی فرمانده سپاه استان و مرکز تربیت بدنی سپاه حل شد.»

«سردار محمدرضا موحد» فرمانده سپاه امام‌علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) استان نیز در بازدید از سایت پروازی شهید بابایی گفت: «سبزیپوشان سپاه همواره در خدمت مردم هستند و هر جا که نیازی احساس شود، از جمله در مأموریت‌های محرومیت‌زدایی، جنگ نرم و سخت، مواقع بحرانی، حمایت از ورزش‌های همگانی و قهرمانی و... در کنار مردم بوده و هستند.»

گفتنی است، حدود ۲۵۰ ورزشکار خانم و آقا در قم دوره‌های آموزشی پاراگلایدر و موتورگلایدر را گذرانده‌اند و بیش از صد نفر نیز در ایام مختلف در سایت‌های پروازی کشور، از جمله سایت پروازی شهید بابایی پرواز می‌کنند.

یک هزار و ۷۳۰ نفر اشتغال



با افتتاح طرح‌های اقتصادی مقاومتی بسیج سازندگی سپاه شهدای آذربایجان غربی برای بیش از یک هزار و ۷۳۰ نفر شغل جدید فراهم می‌شود. «سرهنگ میرکاظمی‌زاده» فرمانده سپاه سلیمان در آیین افتتاح هشت نیروگاه خورشیدی خانگی در روستاهای سلیمان گفت: «همزمان با رزمایش جهادگران فاطمی ۴، از ۱۲۷ طرح مورد حمایت قرارگاه اقتصاد مقاومتی امروز ۸ واحد نیروگاه خورشیدی خانگی به بهره‌برداری رسید.» وی گفت: «برای اجرای این طرح‌ها ۱۵ میلیارد تومان تسهیلات قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار گرفته است و با افتتاح این طرح‌ها بیش از ۱۵۴ نفر مشغول به کار می‌شوند.»

تیپ ۸۳ امام جعفر صادق(ع) برپام اروپا



عضو تیپ ۸۳ امام جعفر صادق(ع) استان قم در قالب تیم کوهنوردان منتخب ارتش‌های جهان به بام اروپا، قله البروس روسیه صعود کرد. «قاسم رستگار» مسئول تربیت بدنی تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق(ع) به همراه پنج نفر دیگر از کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، فرماندهی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قالب تیم کوهنوردان منتخب ارتش‌های جهان به بلندترین قله اروپا به نام «البروس» در کشور روسیه صعود کرد. قله البروس ۵ هزار و ۶۴۲ متر ارتفاع دارد و تیم اعزامی نیروهای مسلح کشورمان در این اقدام ورزشی که با شعار «صعود برای صلح» نام‌گذاری شده بود، بهترین عملکرد را داشت.

استعدادیابی سربازان



«سردار محمدرضا عسگری» جانشین فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی گفت: «کشف استعدادهای برتر و شناسایی سربازان نخبه از دیگر اهداف قرارگاه مهارتی سرباز ماهر است؛ به گونه‌ای که تمام جوانان باید به سمت یادگیری یک مهارت تشویق شوند.»

وی برقراری ساختمان، جوشکاری، کابینت‌سازی و تعمیر خودروهای سبک را از جمله آموزش‌های مهارتی برای سربازان وظیفه برشمرد و افزود: «اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند در زمینه آموزش خبرنگار سرباز، جهاد کشاورزی در زمینه آموزش و پرورش گیاهان دارویی، ورزش و جوانان در حوزه ورزشی می‌تواند با مجموعه نیروهای مسلح همکاری داشته باشند.» جانشین فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی تصریح کرد: «سال گذشته سهمیه آموزش برای حدود یک هزار و ۲۱۵ نفر در مجموعه سپاه پیش‌بینی شد که با همکاری دستگاه‌های مختلف یک هزار و ۳۷۴ نفر آموزش دیدند و امسال سهمیه ابلاغی یک هزار و ۸۶۲ نفر است که در چهار ماه نخست سال ۶۸۷ نفر دوره‌های آموزشی را گذرانند.» سردار محمدرضا عسگری در نشست خبری با اصحاب رسانه به مناسبت هفته ملی مهارت اظهار داشت: «یکی از طرح‌های مشترک آموزش فنی و حرفه‌ای استان با نیروهای مسلح قرارگاه مهارتی سرباز ماهر است. این طرح در راستای توانمندسازی سرمایه‌های اجتماعی و تضمین آینده شغلی جوانان و غنی‌سازی خدمت سربازی پیش‌بینی شده است.» عسگری تشکیل خانواده، اشتغال و کاهش آسیب اجتماعی را از اهداف برگزاری قرارگاه مهارتی برشمرد و بیان کرد: «مسابقات مهارتی برای سربازان در نیروهای مسلح در موضوعات و رشته‌های مختلف پیش‌بینی شده است تا سربازان وظیفه مهارت آموزشی حین خدمت را جدی بگیرند.»

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی‌حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سیامک باقری،سعدالله‌زراعی، عز یز غضنفری،فرهادمهروی، مهدی سعیدی، فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا:علی‌اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۱۱۰ و ۰۱۰۰۷۷۴۶ (۰۲۱)

basirat.ir

@ssweekly

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۴۶

سامانه پیامک: ۰۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۱۵۱ | دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳

صبحانه همیشه جاودان

اسماعیل هنیه: به قول شاعر «اذا غاب سیدُ قام سیدُ آخر»؛ اگر بزرگی از دنیا برود، بزرگ دیگری قیام می‌کند. دنیا همین گونه است؛ خداوند می‌میراند و زنده می‌کند؛ می‌خنداند و می‌گریاند؛ اما امت اسلامی همیشه جاودان خواهد ماند.

صادقانه فرمول جهان

استاد شهید مطهری: در شکم گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها، نیک‌بختی‌ها و سعادت‌ها نهفته است؛ همچنان که گاهی هم در درون سعادت‌ها، بدبختی‌ها تکوین می‌یابند و این، فرمول این جهان است: «یولج اللیل فی النَّهَارِ ویولج النَّهَارُ فی اللیل»؛ خدا شب را در [شکم] روز فرو می‌برد و روز را در [شکم] شب.

تلخند

کم شدن مرام پهلوانی در بین گردانندگان المپیک با حضور مهبوبنیست‌ها در میدان ورزشی! کارتون‌نویست: میکانیل چفتچی/ ترکیه



داستان

تبعیدی در وطن

«در وطن مسان تبعید شدیم، مردم ایسن دیار در دشت‌های غم سرگردان و در غربت گم شده‌اند.» صداهای غمگین و صداهای شاد و بوی مطبوع غذاها را در خاطر ثبت می‌کنی. صدای زن را دوباره می‌شنوی، به اطراف نگاه می‌کنی. فریادهای زن با ضجه و التماس همراه شده است. از دور شبچی خودش را جلوی بلدوزر می‌اندازد. زن را می‌بینی و چمدان را راه می‌کنی و به طرفش می‌دوی. «پسرم!» از دهان زن خارج می‌شود و مثل گردوغباری اطرافش پراکنده می‌شود. بلدوزر را در حال خراب‌کردن خانه‌ای می‌بینی. شک ناداری که زن به مرز جنون رسیده است. خودت را به او می‌رسانی. شانه‌چپش زخمی شده و تو به جای او فریاد می‌کنشی و با عجله سنگ‌ها و آجرها را به آن طرف پرت می‌کنی. زن هم با دست‌ان خونی‌اش تکه کچ‌ها و آجرها را به رنگ سرخ درمی‌آورد و پسرش خالد را صدا می‌زند. از دور چند مرد به طرف‌تان می‌دوند، عمو ماجد را هم می‌بینی. با آمدن مردها و برداشتن تکه سنگ‌های بزرگ و آجرها صدای خالد به ناله بلند می‌شود و صدای غرغر بلدوزر هم، مردها با عجله خالد را بیرون می‌کشند. از جیبت دستمال سفیدی را بیرون می‌کشی و پیشانی‌اش را می‌بندی. خالد با خشم و امید، قاب عکس پدرش را در آغوش گرفته است.

صبح را نشانت می‌دهند. به آمدن عمو ماجد هنوز یک ساعتهی زمان مانده است. اجازه‌نامه‌ای را در کیف دستی‌ات می‌گذاری. صدای جیغ و فریاد زن مثل باد پاییزی خودش را در گوشت می‌کوبد. صدای بلدوزر روحت را می‌خراشد، بلدوزر کارش را شروع کرده است و تو هنوز عادت نکرده‌ای به خراب شدن خانه‌ها با بلدوزرها. از پنجره اطرافت را خوب نگاه می‌کنی برای آخرین بار! چشم می‌دوانی، انگار که زلزله آمده است، هنوز چند خانه‌ای با مقاومت سر پا ایستاده‌اند. زن لاید برای خانه‌اش یا شاید برای خاطر آتش مویه می‌کند. در بین فریادهایش کلمات مبهمی را می‌شنوی. دل‌کنندن از محله برای تو هم سخت است. می‌دانی به زودی دیگر بسوی غذای مقلوبه از خانه‌های این محله بلند نمی‌شود. صدای اذان از مسجدش شنیده نخواهد شد و حتی نام محله هم تغییر خواهد کرد و شهر کنش‌نشینان نام دیگری را برایش خواهند گذاشت. مثل سال‌ها قبل که شهر المجدل فلسطین به اشکلون اسرائیل تغییر کرد، ولی ساکنان المجدل هنوز رؤیای بازگشت به خانه‌شان را زنده نگه داشته‌اند.

زهر اخلاقی

نویسنده

چمدان انگار گوشه‌ای اتاق بق کرده و به تو زل زده و ترس و نگرانی از جا ماندن انگار به او هم سرایت کرده است. لحظاتی نگاهش می‌کنی، ولی دوباره نگاهت مصرانه خودش را به تلفن همراهت می‌رساند و خبر دستگیری زنی را به دست نیروهای اسرائیلی می‌خوانی و خشم و مقاومت زن را ستایش می‌کنی. فریادهایش را از زندان اورشلیم می‌شنوی. زن کیلومترها از تو فاصله دارد و تو صدای زن را در گوشه‌ی ذهن و قلبت واضح می‌شنوی. تصمیم می‌گیری تا داستانش را بنویسی. هنوز چند خطی نوشته‌ای که قطره‌اشکی روی گونه‌ات سُر می‌خورد و خودش را به گیره‌ی روسری‌ات می‌رساند. گیره‌ی روسری تو را به یاد دوست شهیدت می‌اندازد و تلفن همراهت را برمی‌داری و به یادش در صفحه‌ی فیس‌بوک می‌نویسی: «فهرست دوستانم کوچک و کوچک‌تر می‌شود، تبدیل به تابوت‌های کوچکی می‌شود که این طرف و آن طرف پراکنده شده است. به دنبال موشک‌ها که به آسمان پر می‌کشند دستم به آنها نمی‌رسد... این فقط یک نام نیست، این ما هستیم با چهره‌ها و نام‌های مختلف.» به ساعت نگاه می‌کنی و عقربه‌ها حوالی ۹

کتاب



قبله اول عشق

گرچه صد داغ و هزاران غم سنگین داریم چشم امید به فردای فلسطین داریم قدس از سیطره کفر رها می‌گردد عاقبت حاجت مظلوم روا می‌گردد آفتاب از پس این ابر برون می‌آید نوبت عاشقی و فصل جنون می‌آید قدس آزادترین شهر جهان خواهد شد «نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد» خنجر از پشت زدن حیل و ترفند شماسست قبله اول عشق است که در بند شماسست بهر امید که مهدی ز سفر می‌آید صبر ایوبی این قوم به سر می‌آید خالی از عاطفه‌اید و تهی از احساسید بهر امید شمایی که خدا شناسید بهر امید از این آه که دامنگیر است به خود آید که فردای قیامت دیر است به خود آید خدا ناظر اعمال شماسست آتش دوزخ در دیده دجال شماسست نحس در طالع‌تان است که قابیل شوید حق‌تان است گرفتار ابابیل شوید گرچه ابری‌ست هوا و شب‌مان تاریک است اندکی صبر عزیزان که سحر نزدیک است می‌رسد جمعه موعود و سواری از راه «هر که دارد هوس کرب‌ویلا بسلم الله»

رضانیکوکار

هینیا لک...

اگر فرعون در تعقیب موسی می‌کند تعجیل دوباره می‌رسد اذن عبور مومنین از نیل چه باک از مرگ در راه حقیقت دل قوی دارید به قربانگاه خود آمد به پای خویش اسماعیل به زودی می‌شود قاتل پشیمان از خطای خود که خون بی‌گناهی گل کند از مرقد هابیل خبیثانه ربود از سفره مهمانی گرامی را چه خواهد کرد این غم، با دل هممان‌نواز ایل قسم بر خون پاک قاصدان قبله اول فقط تسکین این داغ است نابودی اسرائیل هینیا لک هینیه... این رداي سرخ مردان است بماند پاسخ ما... فاتح و زلزلال یا سجیل؟

زهر افغانی

غیر رسمی

همت بلند از کودکی



یک بار خدمت حضرت آقا بودیم و اجازه داشتیم که سؤال کنیم. یکی از حاضران سؤال پرسید: «حضرت آقا اصلاً شما فکر می‌کردید رهبر بشوید؟» ایشان قدری فکر کردند، بعد فرمودند: «اگر اجازه می‌دهید به شما جوابی بدهم که سال‌ها پیش به دوستم دادم.» ایشان گفتند: «من در مدرسه سلیمان‌خان مشهد داشتم درس می‌خواندم، روزها می‌رفتم درس و شب‌ها باید درس فراگرفته را مباحثه می‌کردیم. روزی یکی از نکات درس را من متوجه نشده بودم. هر چه تلاش می‌کردم، متوجه نمی‌شدم، در حجره مرتب می‌رفتم چپ و راست و شرق و غرب. هر چه می‌خواندم، باز متوجه نمی‌شدم، هم حجره‌ای ما آن شب نوشتن بود که شام درست کند، یک مرتبه عصبانی شد و گفت: آقا سیدعلی آقا، بگیر بنشین دیگه، چکار دارید می‌کنید، هی می‌روید این طرف هی می‌روید آن طرف. این املت از دهن افتاد.»

حضرت آقا فرمودند: «من یک جوابی به آن دوستم دادم که امروز همان جواب را به شما می‌دهم. من آن زمان تازه بالغ بودم و قبل از بلوغ، نماز می‌خواندم و هر روز در قنوت نماز این دعا را می‌خواندم: «اللهم اجعلنی مُجَدِّدَ دینک و مُحِیِّ شریعتک» (خدایا مرا تجدیدکننده دینت و احیای شریعتت قرار ده) و بعد اشاره کردند به ما که نرسیدیم به آنجا، ما دوست داشتیم به جاهایی برسیم، اما نرسیدیم. این خیلی برای ما شیرین بود که آدم یک آرزویی قبل از بلوغش داشته باشد که بعد از هزار اتفاق عجیب در عالم، یک روزی بعد از اینکه رهبر شدند، تازه بگویند ما به آن آرزو نرسیدیم.

رضا امیرخانی، نویسنده

حسن ختام

قنوت شاخه‌ها

گل‌وله‌هایی که بوسه بر جان می‌زنند! گل‌وله‌هایی که می‌آیند و بر جان می‌نشینند تا حق و باطل را بشناسیم! همین که خویان و مظلومان عالم در خاک مقدس ایران به شهادت می‌رسند، نشان می‌دهد که ما در طرف درست تاریخ ایستاده‌ایم. جسم‌هایی بر زمین می‌افتند تا پرچم عقیده‌های انقلابی و جهادی در جان‌ها و اندیشه‌ها به اهتزاز درآید! عقیده‌هایی که از جنس انتظارتند و منتظرند تا مولای عالمیان بیاید و جهان را از عدل پر کند. مولاجان یا صاحب‌الزمان (عج)! بیا که بی‌تو نه سحر را طاقتی است و نه صبح را صداقتی؛ که سحر به شبنم لطف تو بیدار می‌شود و صبح، به سلام ترازو جابر می‌خیزد؛ بیا که بی‌تو آینه‌ها زنگار غربت گرفته‌اند؛ هیچ کس حریم اطللسی‌ها را پاس نمی‌دارد و بر داغ لاله‌ها هم‌رمه نمی‌گذارد؛ بیا که بی‌تو، قنوت شاشه‌ها، اجابتی جز غروب تلخ خزان ندارد.

آقا جان! بسی تو کدام دست مهر، سرشک غم از دیدگان یتیمان بر می‌گیری؟ کجاست آغوش مهربانی که دل‌های زخمی را به ضیافت ابریشمی بخواند؟

سلامت

پرخاشگر نباش

دانشمندان طی تحقیقات خود متوجه شدند نوعی مکمل غذایی رایج پرخاشگری را تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد. مکمل‌های روغن ماهی حاوی امگا ۳ مدت‌هاست که برای سلامت قلب مفید هستند. مطالعه جدید نشان داده است، آنها پرخاشگری را نیز کاهش می‌دهند. اعمال پرخاشگرانه آشکار شامل خشونت کلامی و فیزیکی و قلدری است. سپس، برخی علائم پنهانی آن مانند خرابکاری و آسیب اموال، آتش‌سوزی و سرقت هستند. هر دو می‌توانند بر روابط تأثیر منفی بگذارند و عواقب قانونی داشته باشند. نکته‌نماند که در بسیاری از سطوح، اگر رفتارهای پرخاشگرانه کاهش یابد، وضعیت جامعه بهتر خواهد بود. یک مطالعه جدید ممکن است راهی برای انجام آن کشف کرده باشد.

مطالعه محققان دانشگاه پنسیلوانیا (پن) نشان داد، مکمل‌های معمولی امگا ۳ بدون در نظر گرفتن سن یا جنسیت، پرخاشگری را کاهش می‌دهند. «آدریان رابین» متخصص عصب‌شناسی پن و سرپرست و نویسنده مقاله گفت: «زمان استفاده از مکمل‌های امگا ۳ برای کاهش پرخاشگری فرارسیده است، صرف نظر از اینکه محیط جامعه، کلینیک یا سیستم عدالت کیفری است.»

در سال ۲۰۰۱، «دکتر جوزف هیبلن» محقق ارشد بالینی در انستیتوی ملی بهداشت ایالات متحده (NIH)، مطالعه‌ای را منتشر کرد که در آن ارتباط بین مصرف مقادیر زیاد ماهی (منبع غنی امگا ۳) و میزان کمتر قتل وجود داشت.

سال بعد، دانشگاه آکسفورد در انگلستان مطالعه‌ای را انجام داد که در آن به زندانیان انگلیسی مکمل‌های غذایی حاوی ویتامین‌ها، مواد معدنی و اسیدهای چرب ضروری داده شد. محققان دریافتند، زندانیانی که مکمل‌های غذایی دریافت می‌کردند، رفتار خشن و ضداجتماعی کمتری نشان دادند.